مناسک عمرهٔ مفرده

مطابق با فتاوای مراجع معظم تقلید





بسم الله الرحمن الرحیم

مناسک عمره مفرده مطابق با فتاوای مراجع معظم تقلید (۱۳۸۶)

نویسنده:

مرتضی موسوی شاهرودی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست





مناسک عمره مفرده مطابق با فتاوای مراجع معظم تقلید (۱۳۸۶)

مشخصات کتاب

سرشناسه : موسوی‌شاهرودی، مرتضی، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور : مناسک عمره مفرده مطابق با فتاوای مراجع معظم تقلید (۱۳۸۶) /تهیه و تنظیم مرتضی موسوی‌شاهرودی.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۹۱ ص.

شابک : ۱۳۰۰۰ ریال:۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۱۳۸-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : حج عمره -- فتواها.

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه.

موضوع : حج عمره.

موضوع : حج.

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۹۲/م۸م۸ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۸۶۴۲۶

ص: ۱

اشاره

پیشگفتار

مهم‌ترین نیاز در سفر حج و عمره، دستیابی به احکام و مناسک این فریضه است. ناآگاهی از مسائل، احکام و فروع مناسک و عدم اطلاع از اختلاف فتاوای مراجع عظام تقلید، به یقین مشکلاتی برای روحانیون محترم کاروان‌ها و در نتیجه برای زائران عزیز بیت اللّٰه الحرام به‌دنبال خواهد داشت. براین اساس، آموزش مناسک و احکام حج و عمره، باید پیوسته و به‌طور دائم دنبال شود؛ به‌گونه‌ای که عدم اطلاع و یاتغییر فتاوای مراجع مشکلی پدید نیاورد.

علاوه بر این، احکام حج که بخش عمده‌ای از کتب مناسک را به خود اختصاص داده و نیاز به آن، به‌ویژه در عمره، به جهت طولانی بودن زمان موسم(که شامل حدود ۹ ماه از سال است) و کثرت زائران(که بیش از ۶ برابر زمان حج می‌باشد) ما را بر آن داشت تا احکام عمره را از حج جدا نموده، به صورت مجموعه حاضر تقدیم عزیزان روحانی و زائران بیت اللّٰه الحرام کنیم.

پیش از استفاده از آن، شایسته است به این نکات توجه شود:

۱- متن حاضر، از مناسک محشّای مرحوم حضرت امام خمینی قدس سره است.

۲- حواشی مراجع عظام تقلید نیز برگرفته از همان مناسک است؛ به‌جز مواردی که تغییر و اصلاح از سوی خودِ آن حضرات انجام گرفته و آخرین اصلاحات بدان افزوده شده است.

۳- حواشی مراجع عظام تقلید به‌صورت دسته بندی شده و منظم آمده تا دسترسی به آن سهل و آسان باشد.

۴- با توجه به این‌که، در اصل متن و حواشی، تصرّفی نشده، و اصلِ آن‌ها مورد تأیید

مراجع عظام تقلید بوده، لذا ضرورتی برای گرفتن تأییدیه مجدّد احساس نشد.
۵- برای دستیابی به منابع اصلی و اطمینان بیشتر مطالعه کنندگان، نشانی مسائل، از کتاب مناسک و همچنین کتاب جامع الفتاوی، در پایان هر مسأله با رمز «م»(مسأله) و «س»(سؤال)، همراه با شماره مسأله آورده شده است.
۶- اسامی مراجع عظام تقلید که در این کتاب، فتاوای آن‌ها آمده، عبارت‌اند از:
متن مناسک حضرت آیةاللَّه العظمی امام خمینی قدس سره
آیةاللَّه العظمی سید ابوالقاسم خوئی رحمه الله
آیةاللَّه العظمی سید محمدرضا گلپایگانی رحمه الله
آیةاللَّه العظمی محمد فاضل لنکرانی رحمه الله
آیةاللَّه العظمی جواد تبریزی رحمه الله
آیةُ اللَّه العظمی محمد تقی بهجت
آیةُ اللَّه العظمی سید علی خامنه‌ای
آیةُ اللَّه العظمی سید علی سیستانی
آیةُ اللَّه العظمی لطف اللَّه صافی
آیةُ اللَّه العظمی ناصر مکارم شیرازی
آیةُ اللَّه العظمی حسین نوری همدانی
در پایان، از خداوند تعالی توفیق روز افزون همه عزیزان و سروران را که در راه تعلیم و تعلّم، به زائران بیت اللَّه الحرام خدمت می‌کنند خواستارم و از تلاش فاضل ارجمند جناب مستطاب آقای رضا محققیان در به ثمر رساندن این اثر تقدیر و تشکر می‌نمایم.
«وَ آخِرُ دَعْواهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ»
سید مرتضی موسوی شاهرودی
قم المقدسه، ١٣ ربیع الثانی، ١۴٢٩ ق./ ١/ ٢/ ١٣٨٧ ش.

فصل اوّل: عمره مفرده

عمره مفرده

[۱] م- صورت عمره مفرده آن است که به نیت عمره مفرده مُحرم شود و به مکه آمده و طواف عمره و نماز آن را انجام دهد سپس سعی بین صفا و مروه را انجام داده و تقصیر کند و یا سر بتراشد و بعد از آن طواف نسا و نماز آن را بجا آورد.(مناسك م ۱۷۵)

[۲] م- عمره مفرده با عمره تمتع در صورت فرق ندارد مگر در چند چیز:

اول: آن که در عمره تمتع بایـد تقصیر کند یعنی از مو یا ناخن خود باید بگیرد و سر تراشیدن جایز نیست (۱) ولی در عمره مفرده مخيّر (۲) است بین سر تراشیدن و تقصیر.(مناسك م ۱۷۶)

دوم: آن که در عمره تمتع طواف نساء ندارد و در عمره مفرده دارد.

(مناسک م ۱۷۶)

سوم: آن که میقـات عمره تمتع یکی از مواقیت پنجگانه است که ذکر آن می‌آیـد و میقات عمره مفرده ادنی الحل (۳) است و جایز است از یکی از مواقیت پنج‌گانه محرم شود.(مناسك م ۱۷۶)

۱- آیهٔاللّٰه فاضل: و مجزی نیست

۲- آیهٔاللّٰه بهجت: و حلق افضل است

۳- آیـات عظـام تـبریزی، خویی، سیسـتانی: احرام عمره مفرده همـان مواقیت عمره تمتع است و اگر مکلف در مکه باشـد و بخواهد عمره مفرده بجـا آورد جـایز است از حرم خـارج شـده و در ادنی الحل احرام ببنـدد.آیـهٔاللّٰه بهجت: اگر در حرم باشـد، میقات عمره مفرده ادنی الحل است و اگر خارج حرم باشد مواقیت پنج‌گانه است در صورت مرور به آن

چهارم: عمره تمتع باید در ماه‌های حج(شوال- ذی القعده و ذی‌الحجه) واقع شود ولی عمره مفرده را می‌توان در تمام ماه‌ها انجام داد و افضل آنها ماه رجب است(جامع الفتاوی م ۹)

[۳] م- محل احرام عمره مفرده برای کسی که در مکه است ادنی الحل بوده و افضل مواضع آن جعرانه و حدیبیه و تنعیم می‌باشد و برای کسی که از بیرون می‌آید یکی از مواقیت پنج‌گانه است (۱) به تفصیلی که در مسائل مختلف خواهد آمد.(مناسک م ۱۷۵ و ۲۲۹ و ۲۲۶)

[۴] م- کسی که مُحرم به احرام عمره مفرده شد، حرام می‌شود بر او جمیع چیزهایی که بر محرم حرام است و بعد از آن که تقصیر کرد یا سر تراشید، همه چیز بر او حلال می‌شود مگر زن و بعد از آن که طواف نساء را با نمازش بجا آورد زن هم بر او حلال می‌شود.(مناسک م ۱۸۰)

[۵] م- کسی که عمره مفرده بجا می‌آورد می‌تواند قبل از انجام طواف نساء به میقات رفته و برای عمره تمتع محرم شود و بعد از انجام عمره تمتع طواف نساء را انجام دهد. (۲)(مناسک س ۱۸۵ و جامع الفتاوی م ۱۲)

۱- آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: برای عمره مفرده، اگر از ادنی الحل محرم شود عمره‌اش صحیح است.آیهٔاللَّه بهجت: در صورت تجاوز از میقات، احرام از ادنی‌الحل برای کسی که قصد عمره مفرده دارد کافی است.آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: کسی که بدون قصد دخول مکه، از میقات عبور کرده و به نزدیک حرم رسیده است می‌تواند از ادنی الحل برای عمره مفرده محرم شود

۲- آیهٔاللَّه نوری: همچنین کسی که پس از انجام حج تمتع، طواف نساء را ترک کرده، می‌تواند برای عمره مفرده محرم شود.آیهٔاللَّه تبریزی: صحت احرام جدید، قبل از طواف نساء عمره مفرده، محلّ اشکال است.آیهٔاللَّه فاضل: احتیاط آن است که تا طواف نساء عمره مفرده یا حج تمتع را انجام نداده، برای عمره تمتع یا عمره مفرده محرم نشود هر چند اگر قبل از انجام طواف نسا محرم به عمره و حج شد باطل نیست ولی پس از اتمام آن‌ها طواف نساء را بنابر احتیاط انجام دهد

[۶] م- کسی که در اثناء عمره مفرده بیمار شده و نتوانسته عمره را تمام کند و او را به وطن بازگردانیده‌اند و فعلًا بهبود یافته، اگر می‌تواند، باید به مکه برگردد، ولی اگر نمی‌تواند مراجعت کند، باید برای انجام اعمال نائب بگیرد ولی خودش تقصیر کند (۱) و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال انجام نشده آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده بر او حلال نمی‌شود.

تذکر: اتمام اعمال به وسیله خود شخص و یا نائب در بعض فروض، مستلزم اعاده اعمال سابق است که تفصیل آنها می‌آید.(جامع الفتاوی، مسأله ۱۳ و مناسک س ۱۸۴)

[۷] م- اگر زن بعد از احرام عمره مفرده حائض شود و تا وقتی که در مکه است پاک نشود باید برای طواف و نماز آن نائب بگیرد و بقیه اعمال را خودش انجام بدهد و چنانچه بدون آن که اعمال را انجام دهد به وطنش برگشته، حکم آن مانند حکم مسأله قبل است.(مناسک س ۱۸۹- جامع الفتاوی م ۱۴)

[۸] م- طواف در عمره مستحبی حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن پشت مقام ابراهیم علیه السلام خوانده شود. (۲)(مناسک س ۱۹۰- جامع الفتاوی م ۱۵)

[۹] م- وجوب عمره مفرده‌ای که بعد از حج در موارد تبدّل به افراد انجام

۱- آیهٔ‌اللَّه سیستانی: و نیز نماز طواف را باید خود شخص بعد از طواف نائب بجا آورد.(س ۱۸۴)

۲- آیهٔ‌اللَّه نوری: خلف مقام لازم نیست هر چند در صورت امکان اولی است

می‌شود فوری (۱) است و بنابر احتیاط باید مبادرت نماید عرفاً. (۲)(مناسک س ۱۹۲)

[۱۰] م- کسی که می‌داند بعد از احرام بستن برای عمره مفرده، به علت مرض یا حدوث حیض نمی‌تواند اعمال خود را انجام دهد یا تکمیل نماید، می‌تواند برای عمره مفرده احرام ببندد و اگر وظیفه او نایب گرفتن باشد، نائب بگیرد.(مناسک س ۱۹۳- جامع الفتاوی م ۱۸)

[۱۱] م- کسی که عمره مفرده انجام داده اگر بخواهد در همان ماه قمری مجدداً از میقات عبور کند و به مکه برود احتیاط آن است که به قصد رجاء برای عمره مفرده دیگر محرم شود و بدون احرام از میقات عبور نکند. (۳)(مناسک م ۲۳۶- ۲۴۲- جامع الفتاوی م ۱۹)

[۱۲] م- عمره مفرده بر کسانی که شأنزده فرسخ شرعی یا بیشتر از مکه دور هستند مثل ایرانیان، واجب نیست، مگر در موارد تبدیل (۴) حج تمتع به حجِ افراد که مسائلش در مناسک حج آمده است.(مناسک م ۱۷۱، جامع الفتاوی، م ۲۰)

[۱۳] م- واجب است بر کسی که می‌خواهد داخل مکه شود با احرام وارد

۱- آیهٔاللَّه سیستانی: فوریّت عمره مانند فوریّت حج است

۲- آیهٔاللَّه تبریزی: گرچه اقوی عدم وجوب مبادرت است

۳- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، خامنه‌ای، سیستانی، گلپایگانی، فاضل، مکارم، نوری: می‌تواند بدون احرام از میقات عبور کند.آیهٔاللَّه سیستانی اضافه فرموده‌اند: بلی اگر عمره مفرده او به نیابت از دیگران بوده، احتیاط واجب آن است که برای دخول به مکه یا حرم احرام ببندد و بدون احرام از میقات تجاوز نکند

۴- آیهٔاللَّه سیستانی: ولی اگر وظیفه آنها تبدیل به حج افراد شد واجب است در صورت تمکن بعد از آن عمره مفرده انجام دهند و اگر در آن سال نشد در سال بعد وجوب آن فوری است

شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و می‌خواهد وارد مکه شود واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم چند گروه مستثنی هستند.(مناسک م ۱۷۲)

۱- کسانی که شغلشان این است که زیاد وارد مکه می‌شوند و از آن خارج می‌شوند.(مناسک م ۱۷۲)

۲- کسانی که بعد از انجام حج تمتع از مکه خارج شوند و قبل از گذشتن یک ماه (۱) از عمره تمتع به مکه مراجعت نمایند.(مناسک س ۲۴۱)

[۱۴] م- کسی که عمره مفرده انجام داده و از مکه خارج شده است احتیاط آن است که در فاصله کمتر از یک ماه بدون احرام از میقات تجاوز نکند و رجاءً برای عمره مفرده دیگر محرم شود. (۲)(مناسک م ۲۲۹ س ۲۴۲)

[۱۵] م- تکرار عمره مفرده مانند تکرار حج، مستحب است.(مناسک م

۱- آیات عظام تبریزی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: در صورتی که در همان ماهی که به عمره تمتع محرم شده مراجعت نماید، لازم نیست محرم شود.آیة‌اللّٰه خویی و سیستانی: اگر در همان ماهی که عمره تمتع انجام داده برگردد لازم نیست محرم شود.آیة‌اللّٰه بهجت: اگر ماه خروج با ماه مراجعت تغایر دارد احوط این است که با احرام برای عمره مفرده وارد مکه شود اگرچه خروج در آخر ماهی و ورود در اوّل ماه دیگر باشد

۲- آیة‌اللّٰه تبریزی، مکارم: در صورتی که در همان ماه قمری که محرم شد به مکه برود احرام مجدد لازم نیست.آیات عظام خویی، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، نوری و سیستانی: تا ماه هلالی که عمره مفرده را در آن انجام داده تمام نشده می‌تواند بدون احرام وارد مکه شود.آیة‌اللّٰه سیستانی اضافه فرموده‌اند: بلی اگر عمره مفرده او به نیابت از دیگران بود، احتیاط واجب احرام بستن برای دخول مکه یا حرم است.آیة‌اللّٰه بهجت: اگر ماه خروج با ماه مراجعت تغایر دارد احوط این است که با احرام برای عمره مفرده وارد مکه شود اگرچه خروج در آخر ماهی و ورود در اول ماه دیگر باشد

(۱۷۳

[۱۶] م- در مقدار فاصله بین دو عمره اختلاف فرموده‌اند و احوط آن است که در کمتر از یک ماه به قصد رجا آورده شود. (۱) و فرقی (۲) نیست که دو عمره مفرده از خود شخص باشد و یا هر دو یا یکی از آنها به نیابت از دیگران باشد و چنانچه با تذکر به اجیر کننده برای عمره دوم اجرت بگیرد اشکال ندارد. (۳)(مناسک م ۱۷۳ و س ۱۸۶- ۱۸۸)

[۱۷] م- عمره مفرده را می‌توان در ماه‌های حج، قبل از عمره تمتع انجام داد (۴) و در این مسأله فرقی بین صروره و غیر آن نیست.(مناسک س ۱۹۱- س ۱۹۴- جامع الفتاوی م ۱۶)

۱- آیات عظام بهجت، گلپایگانی، نوری: فاصله بین دو عمره مفرده لازم نیست. از اینجا حکم ادامه مسأله روشن می‌شود.آیهٔ‌اللَّه خامنه‌ای: فاصله معینی بین دو عمره شرط نیست ولی بنابر احتیاط در هر ماه فقط یک عمره برای خود می‌توانند بجا آورد ولی آوردن عمره برای غیر خود هر نفر یک عمره جایز است. از اینجا حکم ادامه مسأله روشن می‌شود.آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم: فاصله یک ماه شرط نیست بلکه در هر ماه قمری می‌توان یک عمره انجام داد، مثلًا یک عمره در آخر ماه رجب و عمره دوم در اول ماه شعبان واقع گردد

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل: انجام دو عمره یکی برای خود و یکی برای دیگری و یا دو عمره برای دو نفر متفاوت در یک ماه قمری جایز است. از اینجا حکم اجرت گرفتن و نیابت روشن می‌شود

۳- آیهٔ‌اللَّه مکارم، کفایت آن از منوب عنه محل اشکال است

۴- آیهٔ‌اللَّه صافی و گلپایگانی: انجام عمره مفرده قبل از عمره تمتع برای کسی که نایب در حج بلدی نباشد و بر خودش حج واجب نشده یا حج خود را انجام داده اشکال ندارد. و در صورت ذکر شده اشکال دارد.آیهٔ‌اللَّه سیستانی: و احوط آن است که این دو عمره در یک ماه قمری نباشد

[۱۸] م- انجام عمره مفرده قبل از عمره تمتع و لو با فاصله کمتر از یک ماه (۱) جایز است ولکن اگر بعد از حج تمتع بخواهد عمره مفرده انجام دهد در صورتی که یک ماه (۲) فاصله نشده باشد باید عمره مفرده را به قصد رجاء انجام دهد.(مناسک م ۱۷۳ و س ۱۹۴- ۱۹۱)

[۱۹] م- کسی که حج بر او واجب نیست یا حج واجب خود را قبلًا انجام داده و در ایام حج می‌خواهد وارد مکه شود، مثل کارگزاران و خدمه حج، لازم نیست حج تمتع انجام دهد، بلکه می‌تواند با احرام عمره مفرده وارد مکه شود یا حج افراد استحبابی بجا آورد. (۳)(مناسک س ۹۳۳)

[۲۰] م- کسی که حج تمتع او بدل به حج افراد شده، باید (۴) بعد از حج، عمره مفرده بجا آورد.(مناسک م ۱۷۵)

اعمال عمره

اوّل از واجبات عمره، احرام است.

احرام عمره مفرده باید در محل خاصی که «میقات» نامیده می‌شود انجام شود.(جامع الفتاوی ص ۳۴)

۱- فتاوای آیات عظام در این باره، ذیل مسأله ۲۳ گذشت

۲- آیهٔاللّٰه سیستانی: در اعتبار فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده اشکال است و احتیاط نباید ترک شود و اما انجام عمره مفرده بین عمره تمتع و حج، موجب بطلان عمره تمتع می‌شود.آیهٔاللّٰه گلپایگانی: انجام دو عمره پی در پی با فاصله کمتر از ده روز مکروه است و احوط ترک آن است، اگرچه اقوی جواز عمل عبادی مکروه است.آیهٔاللّٰه صافی: اگر هر دو را برای خود انجام می‌دهد در عمره مفرده قصد رجا نماید

۳- آیهٔاللّٰه سیستانی و مکارم: و لازم نیست بعد از آن، عمره مفرده انجام دهد

۴- آیهٔاللّٰه سیستانی: در صورت تمکن

۱

أ

میقات

اشاره

[۲۱] م- محل احرام برای عمره مفرده به اختلاف راه‌هایی که از آن‌ها به طرف مکه می‌روند مختلف می‌شود و آن پنج میقات (۱) است.

۱- مسجد شجره

مسجد شجره که آن را ذوالحلیفه می‌نامند، میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می‌روند.(مناسک م ۲۲۹ و ۲۰۰)

[۲۲] م- جایز است (۲) در صورت ضرورت، احرام را از مسجد شجره تأخیر بیندازد تا میقات اهل شام(جحفه).(مناسک م ۲۰۱)

[۲۳] م- احتیاط واجب (۳) آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود نه

۱- آیةاللّٰه فاضل و آیةاللّٰه مکارم: میقات برای احرام عمره مفرده برای کسی که از جده به مکه می‌رود، علاوه بر مواقیت پنج‌گانه، ادنی الحل نیز می‌باشد، لذا می‌تواند از حدیبیه محرم شود و معصیتی نیز مرتکب نشده است.(استفتاءات جدید م ۱۵)

۲- آیةاللّٰه بهجت: و جواز طرف مقابل که احرام از مسجد با فعل مضطر الیه و فداء است، محل تأمّل است

۳- آیةاللّٰه خویی: احرام از منطقه ذوالحلیفه صحیح است.آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم، تبریزی: همین اندازه که محاذی مسجد از طرف راست یا چپ باشد، کفایت می‌کند.آیةاللّٰه صافی و گلپایگانی اضافه فرموده‌اند: احرام از پشت دیوار مسجد نیز صحیح است.آیةاللّٰه بهجت و خامنه‌ای: احرام بیرون مسجد جایز نیست و در صورت امکان باید دورن مسجد احرام بسته شود

خارج آن، هر چند نزدیک به آن باشد.(مناسک م ۲۰۲) و احتیاط مستحب آن است که در محل اصلی مسجد محرم شود اگرچه از مسجد مطلقاً جایز است، حتی در قسمتی که مسجد توسعه پیدا کرده است. (۱)(مناسک م ۲۲۰)

[۲۴] م- شخص جنب و حائض می‌توانند (۲) در حال عبور از مسجد محرم شوند و نباید در مسجد توقف کنند.(مناسک م ۲۰۳) (۳)

۱- آیهٔ‌اللّٰه بهجت: بنابر احتیاط از محل قدیمی مسجد شجره محرم شود و قسمت محراب از مسجد قدیمی محسوب می‌شود و در صورت عدم امکان از محاذی آنجا محرم شود.(مناسک م ۲۲۰)آیهٔ‌اللّٰه تبریزی: احتیاط واجب آن است که از پشت مسجد قدیم احرام نبندد.(مناسک م ۲۲۰)

۲- آیهٔ‌اللّٰه خویی: در مسأله قبل گذشت که احرام از منطقه ذوالحلیفه صحیح است.آیهٔ‌اللّٰه سیستانی، مکارم: برای حائض و نفساء احرام بستن در خارج مسجد هر چند در محاذی آن صحیح است. آیهٔ‌اللّٰه مکارم: حکم جنب را نیز همین دانسته‌اند.نظر سایر آیات عظام ذیل مسأله قبل گذشت

۳- تذکر: بر اساس فتوای آیهٔ‌اللّٰه خامنه‌ای و آیهٔ‌اللّٰه بهجت و احتیاط امام و آیهٔ‌اللّٰه فاضل و آیهٔ‌اللّٰه سیستانی مبنی بر لزوم احرام از درون مسجد، اگر جنب نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد و از انجام غسل معذور باشد و نتواند تا رفع عذر صبر نماید، باید تیمم نموده و داخل مسجداحرام ببندد و همین طور حائض و نفسائی که پاک شده و غسل نکرده‌اند. و اما حائض و نفسائی که هنوز پاک نشده‌اند اگر نمی‌توانند در حال عبور محرم شوند باید صبر کنند تا پاک شوند و از داخل مسجد به تفصیلی که گذشت محرم شوند، در غیر این صورت از نزدیک مسجد محرم شوند و در محاذی جحفه نیز تجدید احرام نمایند. آیهٔ‌اللّٰه بهجت و فاضل، تجدید احرام لازم نیست. آیهٔ‌اللّٰه خامنه‌ای: باید از جحفه یا محاذی آن محرم شوند

۲- جحفه

[۲۵] م- کسانی که فعلًا از راه جدّه به مکه می‌رونـد می‌توانند از این میقات محرم شوند.(مناسک م ۲۱۲ و م ۲۲۲ و جامع الفتاوی م ۲۶)

[۲۶] م- میقات در جحفه، خصوص مسجد نیست، از هر جای آن می‌توان محرم شد.(مناسک س ۲۳۶)

۳- وادی عتیق: که اوایل آن را مسلخ و اواسط آن را غمره و اواخر آن را ذات عرق می گوینـد، محل احرام عام است و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

۴- قرن المنازل: و آن میقات کسانی است که از راه طائف به مکه می‌روند.

۵- یلملم: که نام کوهی است و آن میقات کسانی است که از راه یمن به مکه می‌روند. مناسک مواقیت

احکام مواقیت

[۲۷] م- اگر بینه شرعیه قائم شـد، یعنی دو شاهـد (۱) عادل شـهادت دادنـد که فلان مکان میقات است تفتیش و تحصـیل علم لازم نیست و اگر علم و بیّنه ممکن

۱- آیهٔاللّٰه مکارم: شـهادت یک نفر عادل کافی است.آیهٔاللّٰه سیسـتانی: شهادت دو عادل در صورتی مفید است که مستند به حس یا مانند آن باشد

نشود می‌تواند اکتفا کند به ظن (۱) حاصل از پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع به آن مکان‌ها می‌باشند.(مناسک م ۲۰۶)

[۲۸] م- کسانی که با هواپیما برای حج یا عمره به جدّه می‌روند و نیز شاغلین (۲) ایرانی و غیر ایرانی در جده، نمی‌توانند از جده یا حدیبیه محرم شوند بلکه باید (۳) به یکی از مواقیت مثل جحفه (۴) بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره محرم شوند. در این حکم فرقی بین این که قصد عمره تمتع یا مفرده (۵) داشته باشند نیست و حدیبیه میقات عمره مفرده است برای

۱- آیهٔاللَّه خویی: تحصیل اطمینان لازم است و گمان کافی نیست ولی اگر ثقه خبره از اهل محل خبر بدهد کافی است.آیهٔاللَّه تبریزی اضافه فرموده‌اند: بلکه شهادت یک نفر ثقه کافی است، اگر بدانیم مستند او سؤال از اهل محل است.آیهٔاللَّه سیستانی: تحصیل علم یا اطمینان یا حجّت شرعیه لازم است.آیهٔاللَّه فاضل: تحصل اطمینان لازم است

۲- آیهٔاللَّه خویی: اگر حدود سه سال در جده می‌ماند که صدق مقرّ و منزل بر آن بکند می‌تواند از جده محرم شود

۳- آیهٔاللَّه سیستانی: می‌توانند از جده با نذر محرم شوند زیرا جنوب شرقی آن محاذی با جحفه است ولی در صحت احرام به نذر، برای کسی که می‌داند مجبور به تظلیل می‌شود اشکال است

۴- آیهٔاللَّه بهجت: مثل جحفه یا محاذات آن

۵- آیهٔاللَّه صافی، گلپایگانی: در عمره مفرده، احرام از ادنی الحل کفایت می‌کند، اگرچه با عبور از میقات بدون احرام گناه کرده است.آیهٔاللَّه فاضل و مکارم: میقات برای احرام عمره مفرده، برای کسی که از جده به مکه می‌رود، علاوه بر مواقیت پنج‌گانه، ادنی الحل نیز می‌باشد، لذا می‌تواند از حدیبیه محرم شود و معصیتی نیز مرتکب نشده است.آیهٔاللَّه تبریزی و خویی: کسی که بدون قصد دخول مکه از میقات عبور کرده و به نزدیک حرم رسیده می‌تواند از ادنی الحل برای عمره مفرده محرم شود.آیهٔاللَّه سیستانی: کسی که برای کار دیگری غیر از عمره به نزدیک حرم رسیده و قصد دخول حرم هم نداشته و از میقات گذشته و سپس تصمیم بر انجام عمره گرفته است می‌تواند از ادنی الحل محرم شود

کسانی که در مکه هستند.(مناسک م ۲۲۲ و ۲۲۸)

[۲۹] م- کسی که وظیفه‌اش احرام از مواقیت معروفه است اگر از روی جهل (۱) به مسأله در جای دیگر محرم شود احرامش صحیح نیست و محرمات احرام بر او حرام نمی‌شود، چنانچه در صورت علم و عمد هم حکم همین است هر چند در صورت جهل، اگر بعد از اعمال مسأله را فهمیدند عمل آنان صحیح است. (۲)(مناسک م ۲۲۸)

[۳۰] م- احرام در مواقیت یا ادنی‌الحل، لازم نیست در مساجد این اماکن واقع شود به جز مسجد شجره که قبلًا گذشت.(مناسک س ۲۳۶)

[۳۱] م- کسی که در یکی از میقات‌ها محرم شد می‌تواند بر خلاف جهت مکه از میقات فاصله بگیرد و سپس با همان احرام از میقات یا محاذی آن عبور کند، مثل این که از مسجد شجره به مدینه برگردد و پس از یک یا چند روز از همان راه یا راه دیگر به مکه برگردد.(مناسک س ۲۴۰)

[۳۲] م- کسی که قبل از رسیدن به میقات دیوانه شد واجب نیست او را محرم کنند و ورود او بدون احرام به مکه اشکالی ندارد.(مناسک س ۲۴۳)

۱- آیةاللّه بهجت: از روی جهل یا عدم تقصیر

۲- آیةاللّه فاضل: در صورت جهل و نسیان، اگر بعد از عمره مفرده متوجه شوند عمره باطل است.آیات عظام بهجت، خویی، سیستانی: صحت عمره خالی از اشکال نیست و احتیاطاً در صورت امکان اعاده نماید

احرام قبل از میقات

[۳۳] م- جایز نیست احرام بستن، پیش از رسیدن به میقات و اگر احرام ببندد صحیح نیست، مگر با نذر که مسائل آن خواهد آمد.(مناسک م ۲۱۷، جامع الفتاوی م ۳۸)

احرام از محاذی میقات

[۳۴] م- هرگاه از راهی برود که به هیچ یک از میقات‌ها عبورش نیفتد باید از محاذات میقات (۱) احرام ببندد. و اگر عبور او طوری است که محاذات با دو میقات پیدا می‌کند احتیاط (۲) واجب آن است که از جایی که اول محاذات پیدا می‌کند احرام ببندد و در محاذات میقات بعد، تجدید نیت احرام کند. بلکه احتیاط واجب (۳) آن است که از محاذات میقات،

۱- آیهٔ‌اللّٰه خویی: کسی که یک ماه یا بیشتر در مدینه منوره اقامت نموده و عازم حج باشد و بخواهد از غیر راه متعارف مدینه تا مکه برود، همین که شش میل از مدینه دور شود محاذی و برابر مسجد شجره خواهد بود و همان جا میقاتش خواهد بود و از همانجا احرام می‌بندد و در تجاوز نمودن از محاذات مسجد شجره و احرام بستن از محاذات یکی از مواقیت دیگر، بلکه از خصوص مورد مذکور نیز مشکل است. از اینجا حکم ادامه مسأله نیز روش می‌شود

۲- آیات عظام صافی، گلپایگانی، بهجت، تبریزی، فاضل: واجب است که از جایی که ....(مناسک م ۲۰۷ و ۲۰۸)آیهٔ‌اللّٰه تبریزی و فاضل: اضافه فرموده‌اند: تجدید نیت در محاذات میقات بعد لازم نیست.(مناسک م ۲۰۸)آیهٔ‌اللّٰه سیستانی: مخیر است از محاذی هر کدام احرام ببندد، گرچه احتیاط مستحب، احرام در محاذی اول است.(مناسک م ۲۰۸)

۳- آیهٔ‌اللّٰه صافی، گلپایگانی: بلکه واجب است.آیات عظام فاضل، سیستانی، بهجت: این احتیاط مستحب است.آیهٔ‌اللّٰه خامنه‌ای: نظر ایشان نسبت به این احتیاط یافت نشد.آیهٔ‌اللّٰه خویی: نظر ایشان در ذیل مسأله قبل گذشت

بدون احرام عبور نکند اگر میقات دیگری بعد از آن باشد.(مناسک م ۲۰۷- ۲۰۸ و ۲۱۸)

[۳۵] م- مراد از محـاذات آن است که کسـی که به طرف مکه می‌رود به جایی برسـد که میقات به طرف راست یا چپ او واقع شود به خط راست، به طوری که اگر از آنجا بگذرد میقات متمایل به پشت او شود.

(مناسک م ۲۱۳)

[۳۶] م- محـاذات ثـابت می‌شود به علم و به دو شاهـد عادل. اگر این‌ها ممکن نشود، اگر گمان (۱) حاصـل شود از قول کسانی که مطلع به آن مکان‌ها هسـتند ظاهراً کافی است، بلکه از قول کسانی که اهل خبره هستند (۲) و از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می‌کنند اگر گمان حاصل شود ظاهراً کافی است.(مناسک م ۲۱۴)

[۳۷] م- اگر ثابت نشود که رابغ محاذی جحفه است احرام از آن جایز نیست. (۳)(مناسک م ۲۲۴)(جامع الفتاوی ۴۲)

۱- آیهٔاللّٰه فاضل: اگر اطمینان حاصل شود

۲- آیـهٔاللّٰه فاضل: اگر اطمینان حاصل شود.آیـهٔاللّٰه تبریزی: گفته کسانی که از روی قواعـد علمیه محاذات را تعیین می‌کنند اعتباری ندارد.آیهٔاللّٰه بهجت: ظاهراً در صورتی که مظنّه بر اساس سؤال از اهل محل حاصل شده است کافی است علی الأحوط.فتاوای آیات عظام در کفایت قول شاهد واحد و بیّنه در حاشیه مسأله ۳۴ گذشت

۳- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احرام از رابغ با نذر صحیح است، به اعتبار این که رابغ قبل از جحفه است

تأخیر احرام از میقات

[۳۸] م- کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می‌شوند و باید به یکی از مواقیت معروفه بروند نمی‌توانند بدون احرام از میقات تجاوز کنند، در صورت تجاوز، واجب است به میقات برگردند (۱) و از آنجا محرم شوند و اگر کسی نتوانست برگردد هر جا که هست محرم شود. (۲)(مناسک م ۲۲۶ و ۲۲۲)

[۳۹] م- اگر از میقات، بدون احرام (۳) عبور کرد، واجب است در صورت امکان برگردد و از آن میقات محرم شود، بلکه اگر میقات دیگری بعد از آن میقات باشد باید به احتیاط واجب (۴) برگردد به میقاتی که از آن گذشته و محرم شود.(مناسک م ۲۱۹)

۱- آیات عظام فاضل، بهجت، صافی، گلپایگانی: در صورت تجاوز، احرام از ادنی الحل کفایت می‌کند، اگر چه با عبور از میقات بدون احرام گناه کرده است.آیهٔاللّٰه تبریزی، خویی: کسی که بدون قصد دخول مکه، از میقات عبور کرده و به نزدیک حرم رسیده است می‌تواند از ادنی الحل برای عمره مفرده محرم شود.آیهٔاللّٰه سیستانی: نظر ایشان ذیل مساله ۳۵ گذشت

۲- توجه: طبق حاشیه‌های قبل، منظور از جمله هر جا که هست محرم شود، ادنی الحل(خارج حرم) است نه داخل حرم

۳- آیهٔاللّٰه فاضل: و بدون عذرآیهٔاللّٰه بهجت: در حال اختیار

۴- آیات عظام خامنه‌ای، خویی، صافی، گلپایگانی، سیستانی: در صورت امکان باید برگردد. آیهٔاللّٰه سیستانی اضافه فرموده‌اند: مگر کسی که بدون عذر از ذوالحلیفه گذشته و به جحفه رسیده باشد که چنین شخصی می‌تواند از جحفه محرم شود اگرچه گنهکار است.آیهٔاللّٰه مکارم: این احتیاط واجب نیست

احرام با نذر

[۴۰] م- اگر نـذر کنـد که از محلی پیش از میقات احرام ببندد جایز است (۱) و بایـد از همان‌جا محرم شود، مثلًا اگر نذر کند از قم محرم شود واجب است عمل کند و بهتر آن است که به میقات یا محاذات میقات که رسید احرام را تجدید کند.
(مناسک م ۲۱۷ م ۴۴۱- ۴۸۶)
[۴۱] م- نـذر برای احرام مثل سایر نـذرها بایـد با صیغه شرعیه انجام شود مثلًا در احرام عمره مفرده بگوید: للّهِ عَلَیَّ أن احْرِمَ لِلْعُمْرَهِٔ المُفْرَدَهِٔ مِنَ المَدِینَهِٔ الطَّیِّبِهٔ و یا ترجمه آن را به زبان دیگر بگویـد مانند این که به فارسـی بگوید: برای خدا بر من است که از مدینه طیبه محرم شوم برای عمره.(جامع الفتاوی عمره مسأله ۴۵)
[۴۲] م- نـذر زن برای احرام بایـد به اذن شوهر باشد (۲) بنابراین اگر بـدون اذن شوهر نـذر کرد و قبل از میقات محرم شـد و با این حال از میقات گذشت احرامش باطل است و حکم کسی را دارد که بدون احرام از میقات عبور کرده است.
(مناسک ۲۳۲- ۲۴۶)

۱- آیـهٔاللّه فاضل، سیسـتانی: صـحت نـذر در صورتی که بدانـد احرام، با نـذر قبل از میقات، مسـتلزم ارتکاب محرّمماننـد اسـتظلال می‌شود محل اشکال است

۲- آیـات عظـام بهجت، تبریزی، خویی، سیسـتانی، مکارم: اگر نـذر زن مزاحم حق شوهر نباشـد اجازه لازم نیست.آیـهٔاللّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط، چنانچه شوهر حضور دارد، نذر زن با اجازه او باشد، پس اگر در این صورت نذر نکند منعقد نمی‌شود ولی در صورت غیاب شوهرش موقوف بر اذن او نیست.آیات عظام خویی، سیسـتانی، تبریزی: و نیز در صورتی که صـحت حج متوقف بر نذر باشـد اذن شوهر لازم نیست

۲

أ

واجبات احرام

اشاره

مساله ۴۷- واجبات احرام سه چیز است

۱: نیت

۲: تلبیه

۳: پوشیدن دو جامه احرام برای مردان.(مناسک م ۲۵۱- ۲۵۹- ۲۶۹)

نیت

در نیت چهار امر معتبر است:

اول: قصد قربت

دوم: همزمان بودن نیت با شروع در احرام

سوم: تعیین عملی که برای آن محرم می‌شود که حج است یا عمره و نوع آنها و قصد نیابت اگر احرامش نیابی است. البته کسی که به قصدعمره یا حج لبیک‌های واجب را گفت محرم می‌شود چه احرام را قصد کند یا قصد نکند.

(مناسک م ۲۵۱)

چهارم: باید قصد کند ترک محرماتی که احرام را باطل می‌کند، (۱) مثل

۱- آیات عظام، بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم: بلکه لازم است قصد کند ترک جمیع محرمات احرام را

نزدیکی بـا زن (۱) در بعضـی از صـور کـه ذکر خواهـد شـد. پس بـا قصـد (۲) ارتکـاب آن، احرام باطـل اسـت بلکـه غیر ممکن است.(مناسک م ۲۵۲- ۲۵۱؛ جامع الفتاوی ۴۷)

[۴۳] م- لازم نیست نیت احرام را بر زبان جاری کند یا در ذهن خود بگذراند.(مناسک س ۱۳۲)

[۴۴] م- عمره و حـج و اجزای آنهـا (۳) از عبـادات است و بایـد با نیت خالص برای طاعت (۴) خداونـد تعالی بجا آورد.(مناسک م ۲۵۳)

[۴۵] م- اگر بعضـی از ارکان عمره یا حـج را به نیت خالص نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کنـد و نتوانـد آن را جبران کنـد پس در عمره حکم بطلان عمره را دارد و در حج حکم بطلان حج را، ولی اگر محل جبران باقی است و جبران کرد عملش صـحیح می‌شود گرچه معصیت کار است.(مناسک م ۲۵۶)

[۴۶] م- کسـی که وظیفه‌اش عمره تمتع بوده و ندانسـته به نیت عمره مفرده محرم شـده، چنـانچه قصـد انجام وظیفه فعلی را داشـته و اشـتباهاً آن را بر عمره مفرده تطبیق کرده احرامش عمره تمتع واقع می‌شود و الّا احرام عمره مفرده محسوب می‌شود و بعد عمره تمتع را بجا آورد. (۵)(مناسک س ۱۹۵)

۱- آیهٔاللَّه سیستانی: فقط در حین احرام عمره مفرده، اگر قصد داشته باشد که قبل از فارغ شدن از سعی با همسر خود نزدیکی کند، یا تردید دارد که این کار را بکند یا نه، احرامش باطل می‌شود و بنابر احتیاط حکم استمناء همین است

۲- آیهٔاللَّه خویی: بطلان احرام بنابر قول مشهور است، البته جماع قبل از سعی موجب بطلان عمره مفرده می‌شود

۳- آیهٔاللَّه نوری: و همچنین احرام

۴- آیهٔاللَّه سیستانی: بلکه برای تذلل در پیشگاه خداوند

۵- آیات عظام تبریزی، خویی، سیسـتانی، فاضل، مکارم: چنانچه بعـد از انجام عمره مفرده، تا وقت حـج در مکه باقی ماند، می‌تواند عمره مفرده‌ای را که انجام داده عمره تمتع قرار دهد و برای حج محرم شود.آیهٔاللَّه صافی، گلپایگانی: عمره مفرده او باطل است بلی چنانچه اشتباه در تطبیق بوده تمتع واقع شده و کافی است.نظر مقام معظم رهبری در دست نیست

[۴۷] م- پس از این که شخص به طور صحیح برای حج یا عمره محرم شد نمی‌تواند احرام خود را به هم بزند و اگر لباس احرام را هم از تن درآورد و قصد بیرون آمدن از احرام را نیز بکند باز در احرام خود باقی است و محرمات احرام بر او حلال نمی‌شود و اگر کاری که موجب کفاره است انجام د هد باید کفاره بدهد.(مناسک م ۱۳۱۸)

[۴۸] م- قصد ابطال عمره یا حج یا بعض اجزای آن مبطل نمی‌باشد.

(مناسک س ۱۳۶۸)

تلبیه

[۴۹] م- تلبیه، یعنی لبیک گفتن و صورت آن بنابر اصح آن است که بگوید:

لَبَّیکْ اللّهُمَّ لَبَّیْکْ لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکْ.

و به این مقدار اگر اکتفا کند محرم شده و احرامش صحیح است و احتیاط مستحب (۱) آن است که پس از آن که چهار لبیک را گفت، بگوید:

انِّ (۲) الْحَمْدَ وَ الْنِعْمَهَٔ لَکَ وَالْمُلْکَ لا شَریکَ لَکَ لَبَّیْکْ

و اگر بخواهد احتیاط بیشتر کند پس از گفتن آنچه ذکر شد بگوید:

۱- آیـهٔاللَّه بهجـت، صـافی، گلپایگـانی، مکـارم: احتیـاط واجـب ایـن اسـت.آیـهٔاللَّه مکـارم اضـافه نموده‌انـد: امـا لبیـک پنجـم را نگوید.آیهٔاللَّه سیستانی: لبیک پنجم جایز است ولی جزو این احتیاط استحبابی نیست

۲- آیهٔاللَّه بهجت: وجوب کسر همزه إنّ متّجه است

«لَبَّیْکَ اللّهُمَّ لَبَّیْک لَبَّیْکَ انَّ الْحَمْدَ و النِّعْمَهَٔ لَکَ وَالْمُلْکَ لا شَرِیْکَ لَکَ لَبَّیْکَ».

و مستحب است بعد از آن بگوید:

«لَبَّیْکَ ذَا الْمَعارِجِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ داعیاً إلی دارِ السَّلام لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ غَفّارَ الذُّنُوبِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ أهْلَ التَّلْبِیَهِٔ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَا الجَلالِ وَ الْاکْرام لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تُبْدِئُ وَ الْمَعادُ إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تَسْتَغْنِیْ و یُفْتَقَرُ إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ إلَهَ الْحَقِّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَا النَّعْماءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمیلِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ کَشَّافَ الْکُرَبِ الْعِظامِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ یا کَرِیمُ لَبَّیْکَ».

(مناسک م ۲۵۹)

[۵۰] م- واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چه می‌تواند و برای هفتاد مرتبه ثواب زیادی ذکر شده است و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند بلکه کافی (۱) است بگوید: لبیک اللهم لبیک یا تکرار کند لبیک را فقط.(مناسک م ۲۶۷)

[۵۱] م- واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لبیک را که گذشت، همانطور که صحیح گفتن تکبیرۂالاحرام در نماز واجب است.(مناسک م ۲۶۰)

[۵۲] م- اگر تلبیه را به قدر واجب که ذکر شد نداند باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند یعنی کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می‌خواهد احرام ببندد دنبال او به طور صحیح بگوید.(مناسک م ۲۶۱)

[۵۳] م- کسی که لال است باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم

۱- آیۂاللّه مکارم: به قصد رجاء

حرکت دهد و نایب گرفتن کافی نیست. (۱)(مناسک س ۲۹۴)

[۵۴] م- اگر نتوانـد تلبیه را یاد بگیرد، یا وقت برای یاد گرفتن نباشـد و با تلقین هم نتواند بگوید، احتیاط آن است که به هر نحو که می‌تواند بگوید (۲) و ترجمه‌اش را هم بگوید و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب هم بگیرد.(مناسک م ۲۶۲ س ۲۳۵)

۱- آیهٔ‌اللّٰه سیستانی: اگر در اثر عارضه‌ای لال شده است و الفاظ تلبیه را می‌داند به مقداری که می‌تواند تلفظ کند و اگر نتواند زبان و لب را به آن حرکت دهـد و همراه با آن در قلب اخطار نماینـد و با انگشت به آن اشاره کند و اگر لال و کر مادرزاد است و مانند آن، پس زبان و لب را ماننـد کسانی که تلفظ می‌کننـد حرکت دهـد و با انگشت اشاره کنـد.آیـهٔ‌اللّٰه بهجت: اگر آنچه گفته شـد را ممکن نباشـد خودش انجام دهـد، نایب بگیرد که به جای او تلبیه بگویـد.آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل، مکارم: بهتر است نایب هم بگیرد.آیهٔ‌اللّٰه خامنه‌ای: احوط آن است که نایب هم بگیرد

۲- آیـهٔ‌اللّٰه سیسـتانی: کافی است به نحوی که می‌توانـد بگویـد اگر عرفاً صـدق تلبیه کنـد و اگر صدق نکند، به احتیاط واجب، هم مرداف عربی و هم ترجمه آن را بگویـد و نیز نـایب بگیرد.آیـهٔ‌اللّٰه صـافی، گلپایگـانی: اگر تلقین ممکن نشـد، هر طـور که می‌تواند بخوانـد و ترجمه‌اش را به فارسـی یا زبان دیگر بگوید و رجاءً نایب بگیرد که از طرف او صـحیح بخواند.آیهٔ‌اللّٰه خامنه‌ای: باید به هر نحوی که می‌تواند بگوید و بنابر احتیاط نایب هم بگیرد.آیهٔ‌اللّٰه بهجت: اکتفا به ترجمه در صورت عدم توانائی بر هیچ مقدار از تلبیه و نیز اکتفا به استـنابه با عـدم قدرت بر ترجمه هم خالی از وجه نیست.آیهٔ‌اللّٰه خویی: اگر کسـی قدرت بر تصـحیح تلبیه و لو با تلقین نداشته باشد می‌تواند به ملحون اکتفا کند، گرچه احوط جمع بین ترجمه و استنابه نیز هست و نیز اخرس(گنگ و لال) کافی است با اشاره تلبیه بگوید، گرچه احوط استنابه نیز هست

[۵۵] م- جایز نیست (۱) لبیک واجب را از میقات تأخیر بیندازد و اگر تأخیر انداخت باید به دستوری که در مسأله ۴۵ و ۴۶ ذکر شد عمل کند.(مناسک م ۲۶۶)

[۵۶] م- اگر کسی لبیک واجب را نگفت چه به واسطه عذری و چه بدون عذر، چیزهایی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی‌شود و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می‌شود به جا آورد کفاره ندارد و همچنین اگر لبیک را به ریا باطل کند.(مناسک م ۲۶۴)

[۵۷] م- اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات، فراموش کند که نیت عمره تمتع کرده یا نیت حج تمتع، بنا بگذارد که نیت عمره تمتع کرده و عمره او صحیح است و همچنین بعد از لبیک گفتن در روز هشتم که باید برای حج تمتع بگوید فراموش کرد که لبیک را برای حج گفته یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حج تمتع گفته و حج او صحیح است و احتیاط مستحب در تجدید تلبیه است. (۲)(مناسک م ۲۶۵)

[۵۸] م- ترجمه تلبیه واجب این است که بگوید (۳): اجابت می کنم دعوت تو

۱- آیـﺔاللّه خویی: کسی که از راه مدینه به حج می‌رود، بهتر است گفتن تلبیه را تا رسیدن به بیداء(جایی که یک میل با ذوالحلیفه به طرف مکه فاصله دارد) تأخیر بیندازد و در آنجا تلبیه بگوید و کسی که از راه دیگری به حج می‌رود تلبیه را پس از قدری راه رفتن بگوید

۲- آیـﺔاللّه تبریزی و خویی: در هر دو صورت، اگر داخل در عمل مترتب مثل طواف عمره تمتع یا وقوف به عرفات شده، حکم به صحت می‌شود و در غیر این صورت باید اعاده نماید

۳- آیﺔاللّه نوری: با کمال میل و شوق اجابت می کنم دعوت تو را، خدایا با کمال میل و شوق اجابت می کنم، اجابت می کنم دعوت تو را با کمال میل و شوق. شریکی نیست مر تو را با کمال میل و شوق اجابت می کنم، اجابت می کنم تو را

را خدایا. خدایا! اجابت می‌کنم دعوت تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را و اگر کلمه دعوت را هم نگوید کفایت می‌کند در مواردی که باید ترجمه را بگوید.(مناسک س ۲۹۸)

قطع تلبیه

[۵۹] م- کسی که برای عمره مفرده محرم شده، اگر از خارج مکه به سوی آن می‌آید، هنگام داخل شدن به حرم لبیک را قطع نماید و اگر از مکه برای احرام به خارج حرم رفته است و در ادنی الحل محرم شده، هنگام مشاهده کعبه لبیک را قطع کند.(جامع الفتاوی عمره م ۶۶)

پوشیدن جامه احرام

[۶۰] م- پوشیدن دو جامه احرام برای مردان (۱) که یکی لنگ است و دیگری رداء که باید آن را به دوش بیندازد و احتیاط واجب (۲) آن است که (۳) این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن بپوشد و اگر بعد از لبیک پوشید، احتیاط (۴) آن

۱- آیةاللّٰه گلپایگانی: احتیاط واجب آن است که زن‌ها نیز دو جامه را بپوشند. البته کندن لباس‌های دوخته بر آنها واجب نیست و جایز است بعد از محرم شدن، دو جامه احرام را بیرون آورده و با همان لباس‌های خودشان باشند. و بهتر آن است که در وقت سعی و طواف دو جامه احرام را در بر داشته باشند.آیةاللّٰه فاضل و صافی: احتیاط مستحب آن است که زن‌ها نیز دو جامه احرام را هنگام محرم شدن بپوشند. آیةاللّٰه صافی افزوده ا ند: و در وقت سعی و طواف نیز همراه داشته باشند

۲- آیةاللّٰه صافی، گلپایگانی: می‌بایست قبل از نیت و تلبیه دو جامه را بپوشند

۳- آیةآللّٰه نوری: لباس‌های دوخته را بکند و این دو جامه را ..

۴- آیات عظام سیستانی، خامنه‌ای، فاضل: احتیاط مستحب است

است که لبیک را دوباره بگوید.(مناسك م ۲۶۹)

[۶۱] م- لازم نیست (۱) که لنگ، ناف و زانو را بپوشاند و کفایت می‌کند که به نحو متعارف باشد ولی مستحب است که ناف و زانو را بپوشاند. و احتیاط مستحب (۲) آن است که رداء شانه‌ها را بپوشاند. (۳)(مناسک م ۲۷۰- ۲۷۱)

[۶۲] م- در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب خاصی معتبر نیست بلکه به هر ترتیبی (۴) بپوشد مانع ندارد فقط باید یکی را لنگ قرار دهد به هر کیفیتی که می‌خواهد و یکی را رداء قرار دهد به هر کیفیتی که می‌خواهد.(مناسک م ۲۷۱)

[۶۳] م- احتیاط واجب (۵) آن است که در حال اختیار اکتفا نکند (۶) به یک جامه بلند که مقداری از آن را لنگ کند و مقداری را رداء قرار دهد بلکه باید دو جامه جدا باشند.(مناسک م ۲۷۲)

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: باید به اندازه‌ای باشد که ناف تا زانو را بپوشاند.آیات عظام سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: بنابر احتیاط واجب لازم است

۲- آیهٔاللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.آیهٔاللَّه سیستانی: احتیاط واجب این است که رداء به اندازه‌ای باشد که دو شانه و دو بازو و مقدار قابل توجهی از کمر را بپوشاند.آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی: باید رداء به اندازه‌ای باشد که شانه‌ها را بپوشاند

۳- آیهٔاللَّه فاضل: بلکه واجب است قسمتی را بپوشاند به گونه‌ای که صدق رداء بکند

۴- آیهٔاللَّه تبریزی، خویی: احتیاط آن است که پوشیدن به نحو متعارف باشد.آیهٔاللَّه سیستانی: احتیاط مستحب آن است که پوشیدن به نحو متعارف باشد.آیهٔاللَّه خامنه‌ای: اگر به کیفیت متعارف باشد، کفایت می‌کند

۵- آیهٔاللَّه خامنه‌ای: واجب است

۶- آیهٔاللَّه بهجت: احرام در یک جامه بلند صحیح است.آیهٔاللَّه سیستانی: بلکه ظاهر این است که کافی هم نباشد

[۶۴] م- در پوشیدن جامه احرام احتیاط واجب (۱) آن است که نیت کند و قصد امر الهی و اطاعت او کند و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامه دوخته هم نیّت و قصد اطاعت کند.(مناسک م ۲۷۳)

[۶۵] م- شرط است (۲) در این دو جامه، که نماز در آنها صحیح باشد، پس کفایت نمی‌کند جامه حریر و غیر مأکول (۳) و جامه‌ای که نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد.(مناسک م ۲۷۴)

[۶۶] م- لازم است جامه‌ای را که لنگ قرار می‌دهد نازک نباشد به طوری که بدن‌نما باشد و احتیاط مستحب (۴) آن است که رداء هم بدن‌نما نباشد. (۵)(مناسک م ۲۷۵)

[۶۷] م- احتیاط واجب (۶) آن است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن، در حال احرام این دو جامه (۷) نجس شود تطهیر یا تبدیل نماید و احوط (۸) مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام اگر نجس شود. و اگر جامه احرام یا بدن را تطهیر نکند کفاره ندارد. (۹)(مناسک م ۲۷۸- ۲۷۹)

۱- آیهٔاللّه بهجت، سیستانی: در پوشیدن لباس احرام قصد قربت واجب است

۲- آیهٔاللّه بهجت: بنابر احتیاط، لباس احرام از مجموع آنچه در لباس نمازگزار منع شده خالی باشد

۳- آیهٔاللّه سیستانی: و بنابر احتیاط واجب در غیر درندگان

۴- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، فاضل، مکارم، نوری: احتیاط واجب است

۵- آیهٔاللّه خامنه‌ای: بدن‌نما بودن رداء مانع ندارد، مشروط بر این که رداء بر آن صدق کند

۶- آیهٔاللّه صافی، گلپایگانی: احتیاط مستحب است.آیهٔاللّه مکارم: این حکم واجب است. نظر مقام معظم رهبری در دست نیست

۷- آیهٔاللّه فاضل: یا لباسی که زن محرم پوشیده است

۸- آیات عظام بهجت، سیستانی، صافی، گلپایگانی، فاضل: احتیاط استحبابی است

۹- آیهٔاللّه فاضل: و احرام او هم باطل نمی‌شود

[۶۸] م- لازم نیست (۱) جامه احرام منسوج و بافتنی باشد بلکه اگر مثل نمد مالیده باشد یا از پوست باشد و جامه به آن گفته شود مانع ندارد. لکن احتیاط آن است که جامه احرام از پوست نباشد.(مناسک م ۲۸۰- ۲۸۱)

[۶۹] م- لازم نیست جامه احرام را همیشه دربرداشته باشد بلکه جایز است برای حاجت (۲) هر دو را بیرون بیاورد ولی اگر جامه را عوض کرد افضل آن است که برای طواف همان جامه‌ای را که در آن محرم شده بپوشد.(مناسک م ۲۸۴ و ۲۸۲)

[۷۰] م- شخص محرم می‌تواند برای حفظ از سرما و یا غرض دیگر بیش از دو جامه احرام بپوشد (۳) مثل دو یا سه رداء و دو یا سه لنگ.(مناسک م ۲۸۵ و س ۳۰۱)

[۷۱] م- محرم می‌تواند برای آشکار نشدن عورت یا اغراض دیگر، قطعه‌ای پارچه زیر لنگ بسته آن را از میان دو پا عبور دهد.(۴)(مناسک س ۲۹۳)

[۷۲] م- گره زدن لباس احرام اشکال ندارد (۵) ولی احتیاط واجب آن است که

۱- آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی، مکارم: احتیاط واجب آن است که دو جامه احرام منسوج و بافتنی باشد

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: و غیر حاجت

۳- آیةاللّٰه فاضل: لیکن همه آنها باید شرایط لباس احرام را داشته باشند

۴- آیةاللّٰه مکارم: ولی بهتر اجتناب از این گونه کارهاست

۵- آیةاللّٰه صافی، گلپایگانی: سنجاق زدن و گره زدن حوله احرام و سنگ گذاشتن بین دو طرف حوله به نحوی که حوله به صورت یقه پیراهن درآید جایز نیست و نیز نباید پارچه احرام را چاك داده و مانند پیراهن بپوشد، بلی قرار دادن سنگ کوچك در جامه احرام برای آن که آن را سنگین کرده و رداء را حفظ نماید مانعی ندارد.آیةاللّٰه خامنه‌ای: بستن لنگ به گردن جایز نیست، لیکن سنجاق زدن و امثال آن و گره زدن بعض آن به بعض مانع ندارد مادامی که از صدق مسمای ازار خارج نشود، در رداء، بستن آن مطلقاً مانعی ندارد، مادامی که از صدق مسمای رداء خارج نشود.آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: احوط این است که ازار(لنگ) خویش را به گردن خود، بلکه مطلقاً گره نزد و لو بعض از آن را به بعضی دیگر و با چیزی مانند سنجاق نیز آن را به هم وصل نکند و احوط این است که رداء نیز گره زده نشود، ولی فرو کردن سوزن یا سنجاق در آن عیبی ندارد

آن را که لنگ قرار داده به گردن گره نزنـد و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد احتیاط آن است که فوراً باز کند ولی به احرامش ضرر نمی‌رساند و چیزی هم بر او نیست و سنگ در جامه احرام گذاشتن و با نخ بستن نیز جایز (۱) است.(مناسک م ۲۸۷)

لباس احرام بانوان

[۷۳] م- دو جامه‌ای که ذکر شـد که بایـد محرم بپوشـد مخصـوص به مرد (۲) است ولی زن می‌توانـد در لبـاس خـودش به هر نحو هست محرم شود چه دوخته باشـد یا نباشد. (۳) ولی احتیاط واجب (۴) آن است که لباس احرام زن، حریر خالص نباشـد، (۵) بلکه احتیاط آن است که تا آخر، احرام حریر نپوشد.(مناسک م ۲۷۷ ۲۷۶)

۱- آیـهٔالله گلپایگانی: اگر بـدون گره باشـد مانعی نـدارد، به شـرط آن که دو طرف رداء را روی یکـدیگر نگذارد که مثل گریبان شود.آیهٔالله نوری: و نیز جایز است بعضی از لباس احرام را به بعضی دیگر با سوزن و غیر آن وصل کند

۲- نظر آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی ذیل مسأله ۶۷ گذشت

۳- آیهٔالله مکارم: و به هر رنگ باشد

۴- آیات عظام تبریزی، خویی، سیسـتانی: زنان می‌تواننـد در لباس‌های عادی خود، در صورتی که دارای شـرایط ذکر شده در لباس احرام باشد احرام ببندد

۵- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، صافی، گلپایگانی: بایـد از حریر خالص نباشـد.آیـهٔالله بهجت: بر زنان جایز است در جامه حریر احرام ببندد گرچه احتیاط در ترک آن است و همچنین است جواز پوشیدن آن در جمیع احوال احرام

خمس لباس احرام

[۷۴] م- پوشیدن لباس احرام غصبی جایز نیست و همین طور است لباسی که متعلق خمس باشد یا با عین پولی که متعلق خمس است آن را بخرد. (۱)(مناسک س ۶۶۷- ۶۶۸)

[۷۵] م- اگر شک (۲) داشته باشد که لباس احرام او متعلق خمس شده یا نه یا شک دارد پولی که با آن لباس احرام را خریده متعلق خمس بوده یا نه تخمیس آن واجب نیست و پوشیدن آن برای احرام جایز و طواف و نماز در آن صحیح است.(مناسک س ۲۹۹- ۶۶۹)

احکام احرام

[۷۶] م- در احرام بستن، پاک بودن از حدث اصغر و اکبر شرط نیست، پس جایز است در حال جنابت و حیض و نفاس محرم شود، بلکه غسل احرام برای حایض و نفسا مستحب است.(مناسک م ۲۸۸)

[۷۷] م- اگر پیراهن بپوشد، بعد از آن که محرم شد لازم است که پیراهن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد، ولی اگر در پیراهن محرم شود (۳) لازم نیست

۱- آیات عظام، بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: اگر همانطور که متعارف است به ذمّه خریداری کرده باشد حجش صحیح است

۲- آیةاللّٰه فاضل: با مجتهد جامع الشرائط مصالحه کند.آیةاللّٰه خویی: صور مسأله مختلف است و احتیاط به مصالحه با حاکم شرع ترک نشود.آیةاللّٰه سیستانی: اگر احتمال می‌دهد خمس به آن متعلق باشد به احتیاط واجب باید با حاکم شرع به نسبت احتمال مصالحه کند، ولی طواف با فرض خرید به نحو کلّی در ذمه صحیح است

۳- آیةاللّٰه خامنه‌ای: اگر در حین احرام از روی علم و عمد لباس دوخته را از تن بیرون نیاورد صحت احرامش خالی از اشکال نیست.آیةاللّٰه صافی، گلپایگانی: بنابر احتیاط باید لباس را بکند و محرم شود تا قطع به صحت احرام نماید

شکاف دهد و از پایین بیرون آورد و همین قدر لازم است آن را بکند و لباس احرام بپوشد و در هر دو صورت احرامش صحیح است. (۱)(مناسک م ۲۸۹)

[۷۸] م- اگر لباس احرام را عمداً نپوشد، یا در حالی که می‌خواهد محرم شود لباس دوخته بپوشد، معصیت کرده است ولی به احرام او ضرر نمی‌رساند (۲) و احرامش صحیح است و اگر از روی عذر باشد معصیت هم نکرده و احرامش صحیح است. و همین طور است احرام در جامه‌ای که شرایط لازم را ندارد.(مناسک م ۲۸۶)

[۷۹] م- اگر محرم به پوشیدن قبا یا پیراهن برای سردی هوا یا غیر آن اضطرار پیدا کند، می‌تواند قبا و پیراهن بپوشد لیکن باید قبا را پایین و بالا کند و به دوش بیندازد و دست از آستین آن بیرون نیاورد و احوط (۳) آن است. که پشت و رو نیز بکند و پیراهن را نیز باید بدوش بیندازد و نپوشد و اگر رفع اضطرار نمی‌شود مگر به پوشیدن قبا و پیراهن، می‌تواند بپوشد. (۴)(مناسک م ۲۸۳)

مستحبات احرام

[۸۰] م- مستحبات احرام چند چیز است: (۵)

۱- آیةاللَّه بهجت: در هر دو صورت، نزع مخیط باید بدون پوشاندن سر باشد

۲- نظر آیات عظام در مسأله قبل گذشت.آیةاللَّه مکارم: در صورت عمد خالی از اشکال نیست

۳- آیةاللَّه سیستانی: واجب است لباس را پشت و رو کند و دست از آستین آن بیرون نیاورد و یا این که آن را پایین و بالا کند و بپوشد.آیةاللَّه فاضل: احتیاط استحبابی است و واجب است پیراهن را نیز بالا و پایین کند

۴- آیةاللَّه مکارم: یعنی به طور معمولی بپوشد

۵- آیةُ اللَّه سیستانی، آیةُ اللَّه مکارم: پاره‌ای از مستحبات و مکروهاتی که اینجا ذکر شده مبتنی بر قاعده تسامح است پس باید رعایت آن به قصد رجاء باشد نه ورود

۱- بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد، و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

۲- کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی‌القعده و شخصی که قاصد عمره مفرده است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند.

۳- پیش از احرام، در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حایض و نفساء نیز صحیح است (۱) و تقدیم این غسل به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات‌آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده نماید و بعد از این غسل، اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است، ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

۴- آن که دو جامه احرام از پنبه باشد.

۵- لباس احرام سفید باشد.

۶- احرام را به ترتیب ذیل ببندد:

در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر. (۲) و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول بعد از حمد، سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و شش رکعت افضل است و بعد از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد، آنگاه بگوید:

۱- آیهٔ اللّٰه بهجت: این غسل با خوابیدن باطل نمی‌شود، ولی اعاده آن شبیه به مستحب در مستحب است. و درباطل شدن آن به غیر خوابیدن اشکال است

۲- آیات عظام بهجت و فاضل: در صورت عدم تمکن از فریضه اداء، بعد از فریضه قضا محرم شود

ص: ۴۵

«أللَّهُمَّ إنِّی أسْأَ لُکَ أنْ تَجْعَلَنِی مِمَّنِ اسْتَجابَ لَکَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِکَ، وَ اتَّبَعَ أمْرَکَ، فَانِّی عَبْدُکَ، وَ فی قَبْضَتِکَ، لا اوْقی إلَّا ما وَقَیتَ، وَ لا آخُذُ إلَّا ما أعْطَیْتَ، وَقَدْ ذَکَرْتَ الْحَجَّ، فَأسْألُکَ أنْ تَعْزِمَ لِی عَلَیْهِ عَلی کِتابِکَ، وَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِه، وَتُقَوِّیَنِی عَلی ما ضَعُفْتُ، وَ تُسَلِّمَ لِی مَناسکی فی یُسْرٍ مِنْکَ وَ عافِیَةٍ، وَ اجْعَلْنِی مِنْ وَفْدِکَ الّذی رَضِیتَ وَ ارْتَضَیْتَ وَ سَمَّیْتَ وَ کَتَبْتَ. أللَّهُمَّ إنِّی خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعیدَةٍ، وَ أنْفَقْتُ مالِی ابْتِغاءَ مَرْضاتِکَ. أَللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِی حَجَّتِی وَ عُمْرَتِی. أللَّهُمَّ إنّی ارِیْدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إلَی الْحَجِّ عَلی کِتابِکَ، وَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، فَانْ عَرَضَ لِی عارِضٌ یَحْبِسُنِی، فَخَلِّنِی حَیْثُ حَبَسْتَنِی بِقَدَرِکَ الَّذی قَدَّرْتَ عَلَیَّ. أللَّهُمَّ إنْ لَمْ تَکُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةً، أحْرَمَ لَکَ شَعْرِی وَ بَشَرِی وَ لَحْمِی وَ دَمِی وَ عِظامِی وَ مُخّی وَ عَصَبِی مِنَ النِّساءِ وَ الثِّیابِ وَالطِّیبِ، أبْتَغِی بِذلِکَ وَجْهَکَ وَ الدارَ الْآخِرَةَ».

۷- هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی رَزَقَنِی مَا اواری بِهِ عَوْرَتی، وَ اؤَدِّی فِیْهِ فَرْضِی، وَ أعْبُدُ فِیْهِ رَبِّی، وَ أنْتَهی فِیْهِ إلی ما أمَرَنِی، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِی، وَ أرَدْتُهُ فَأعانَنِی وَ قَبِلَنِی وَ لَمْ یَقْطَعْ بِی، وَ وَجْهَهُ أرَدْتُ فَسَلَّمَنِی فَهُوَ حِصْنِی وَ کَهْفِی وَ حِرْزِی وَ ظَهْرِی وَ مَلاذِی وَ رَجائی وَ مَنْجایَ وَ ذُخْرِی وَ عُدَّتِی فی شِدَّتِی وَ رَخائِی».

۸- تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند، خصوصاً در موارد ذیل:

الف: وقت برخاستن از خواب.

ب: بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج: وقت رسیدن به سواره.

د: هنگام بالا رفتن از تلّ(تپه) یا سرازیر شدن از آن.

ه: وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و: آخر شب.

ز: اوقات سحر

زن حایض و نفساء (۱) نیز این تلبیه‌ها را بگویند. (۲)(مناسک م ۳۰۲)

مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است:

۱- احرام در جامه سیاه، و افضل احرام در جامه سفید است.

۲- خوابیدن محرم بر رختخواب و بالش زرد رنگ. (۳) ۳- احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر است که مکلّف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید. (۴) ۴- احرام بستن در جامه راه‌راه. (۵) ۵- استعمال حنا، (۶) پیش از احرام، در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۶- حمام رفتن و اولی آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.

۷- لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید.(مناسک م ۳۰۳)

۱- آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه فاضل: ... و جنب

۲- آیهٔ اللَّه بهجت: و همچنین مستحب است بر مردان، تلبیه را بلند بگویند

۳- آیهٔ اللَّه بهجت: بر بالش سیاه رنگ

۴- آیهٔ اللَّه مکارم: ولی می‌تواند آن‌ها را تبدیل به احرامی تمیز کند

۵- آیهٔ اللَّه سیستانی: احرام بستن در جامه نقشه‌دار و مانند آن.آیات عظام صافی، گلپایگانی: اولی ترک پوشیدن پارچه رنگ شده است مگر رنگ سبز که دربعضی روایات معتبر، استثنا شده است

۶- آیات عظام صافی، مکارم، گلپایگانی: اگر قصد زینت داشته باشد اشکال دارد، آیهٔاللَّه مکارم اضافه فرموده‌اند: و فرقی میان حنا و رنگ‌های امروز نیست

۳

أ

محرمات احرام

نگاه کردن در آینه

[۸۱] م- نگاه کردن در آینه به جهت زینت حرام است و احتیاط آن است که برای غیر زینت هم در آینه نگاه نکند (۱) و در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست.(مناسک م ۳۶۳- ۳۶۸)
[۸۲] م- نگاه کردن به اجسام صاف صیقل داده شده که عکس در آن پیداست و نگاه کردن در آب صاف اشکال ندارد. (۲) [۸۳] م- نگاه به اشیاء از پشت شیشه اتاق یا عینک و مانند آن مانعی ندارد و همچنین نگاه در دوربین اگر معلوم نیست که در آن آینه باشد، اشکال ندارد. (۳)

۱- آیةاللّٰه صافی، گلپایگانی: نظر در آینه مطلقاً جایز نیست.آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، مکارم: نگاه به آینه بدون قصد زینت اشکال ندارد

۲- آیةاللّٰه سیستانی: اجسام صیقلی که خاصیت آینه را داشته باشد حکم آینه را دارند.آیةاللّٰه خامنه‌ای: در صورتی که قصد زینت نداشته باشد.آیةاللّٰه مکارم: اگر برای تزیین خود باشد اشکال دارد

۳- آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بر فرض آینه بودن، چون غرض غیر زینت است مانعی ندارد.آیةاللّٰه فاضل: نظر در آینه صدق نمی‌کند.آیةاللّٰه مکارم: اشکال ندارد

ص: ۴۸

(مناسک س ۴۹۸، جامع الفتاوی م ۹۰)

[۸۴] م- اگر در اطاقی که ساکن است آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آینه می‌افتد اشکال ندارد لیکن احتیاط آن است که آن را بردارد و یا چیزی روی آن بیندازد.(مناسک م ۳۶۷)

[۸۵] م- در نظر کردن به آینه کفاره نیست (۱) لیکن مستحب است که بعد از نگاه کردن لبیک بگوید.(م ۳۶۶)

پوشیدن لباس دوخته برای مرد

[۸۶] م- چیزهایی که دوخته یا شبیه به دوخته است مثل پیراهن‌هایی که با چرخ یا با دست می‌بافند یا چیزهایی را که با نمد به شکل بالاپوش می‌مالند (۲) مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن، پوشیدن آنها جایز نیست.(م ۳۴۶)

۱- آیـهٔاللّه صافی، گلپایگانی: کفاره‌اش اسـتغفار است.آیـهٔاللّه تبریزی: کفاره‌اش بنابر احتیاط اسـتحبابی یک گوسـفند است.آیـهٔاللّه خویی: کفاره‌اش بنابر احتیاط یک گوسفند است

۲- آیـهٔاللّه سیسـتانی: برای محرم جایز نیست جامه دکمه‌دار یا آنچه فایـده دکمه را دارد بپوشد در صورتی که دکمه آن را ببندد. و همچنین جایز نیست جامه‌ای بپوشد که یقه و آستین داشـته و سر را از یقه و دست‌ها را از آستین بیرون آورد و نیز جایز نیست شلوار و زیر شـلواری و آنچه در ستر عورتینماننـد آنها است بپوشـد و بنابر احتیاط از پوشـیدن پیراهن و قبا و لباده و کت اجتناب کند، هر چنـد دکمه آنها را نبنـدد و یا دست از آستین و سـر از یقه بیرون نیاورد.آیهٔاللّه مکارم: و همچنین لباس‌هایی که قطعات آن را به هم می‌چسـبانند.آیـهٔاللّه خـامنه‌ای: و همچنین لباس‌های دکمه‌دار گرچه مخیط نباشـند.آیـهٔاللّه تبریزی، خویی: احوط اجتناب از هر جامه دوخته، بلکه شبیه به دوخته است مانند نمد

[۸۷] م- احوط (۱) اجتناب از مطلق دوخته است هر چند کم باشد، مثل کمربند دوخته (۲) و شب‌کلاه. (۳) ولی همیانی را که در آن پول می‌گذارند اشکال ندارد به کمر ببندد هر چند دوخته باشد و اما فتق‌بند اگر دوخته باشد برای ضرورت جایز است لیکن احتیاط آن است که کفاره (۴) بدهد.(مناسک م ۳۴۷- ۳۴۸- ۳۴۹)

[۸۸] م- اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جایز است بپوشد ولی کفاره باید (۵) بدهد.(مناسک م ۳۵۰)

[۸۹] م- جایز است گره زدن لباس احرام را، ولی احتیاط در گره نزدن است

۱- آیةاللَّه خامنه‌ای: پوشیدن مخیط از غیر انواع لباس، مانند کمربند یا همیان حرام نیست و کفاره ندارد.آیةاللَّه صافی، گلپایگانی: استفاده از همیان، کمربند که برای حفظ پول به کمر می‌بندند فتق‌بند و کفشی که تمام روی پا را نپوشاند جایز است.آیةاللَّه فاضل: استفاده از دمپایی و کفش دوخته که تمام روی پا را نمی‌گیرد و کمربند و فتق‌بند و بند ساعت و سایر اشیای کوچک دوخته دیگر که به آن لباس گفته نمی‌شود اشکال ندارد و کفاره هم ندارد

۲- آیةاللَّه مکارم: کمربند دوخته اشکالی ندارد

۳- آیةاللَّه تبریزی: پوشیدن شب‌کلاه جایز نیست.آیةاللَّه سیستانی: کمربند، بند ساعت و دمپایی و امثال آن اشکال ندارد، گرچه کمربند مکروه است و نیز اشکال ندارد اگر حاشیه لباس احرام دوخته باشد یا بر آن مارکی باشد که دوخته باشند

۴- تبریزی، خامنه‌ای: کفاره ندارد.آیةاللَّه صافی، فاضل: اولی این ا ست که کفاره بدهد.آیةاللَّه سیستانی، مکارم: ضرورت لازم نیست و کفاره هم ندارد

۵- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد.آیةاللَّه بهجت: در صورتی که ازار نداشته و شلوار بپوشد در وجوب کفاره تأمل است

و احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزنند. (۱)(م ۳۵۱)

[۹۰] م- از برای زنها جایز است لباس دوخته هر قدر می‌خواهند بپوشند و کفاره ندارد بلی جایز نیست از برای آنها پوشیدن قفازین (۲) و آن چیزی بوده که زن‌های عرب در آن پنبه می‌گذاشتند و برای حفظ از سرما دست می‌کردند.(م ۳۵۳)

[۹۱] م- جایز است محرم هنگام خوابیدن، با لحاف و پتو و مانند آن، از چیزهای دوخته تن خود را جز سر بپوشاند.(جامع الفتاوی م ۹۸ و مناسک حواشی آیات عظام مسأله ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸)

[۹۲] م- کفاره پوشیدن لباس دوخته از روی علم و عمد یک گوسفند است.

(مناسک م ۳۵۴- ۱۳۲۰)

[۹۳] م- احتیاط واجب آن است که اگر چند لباس از یک نوع بپوشد مثل چند قبا یا چند پیراهن، چه در مجلس واحد یا مجالس عدیده، برای هر یک کفاره بدهد. (۳) و اگر یک نوع لباس بپوشد مثل پیراهن و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگر بپوشد یا آن را که پوشیده بکند و باز بپوشد برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد.(مناسک م ۳۵۸- ۳۵۷)

۱- نظر آیات عظام، مسأله ۷۹ گذشت

۲- آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم: منظور از قفازین هر نوع دستکش است

۳- آیهٔ‌اللَّه فاضل: اگر چند لباس از یک نوع را یک دفعه(یعنی پشت سر هم و بدون فاصله) بپوشد فقط یک کفاره واجب می‌شود.آیهٔ‌اللَّه صافی و گلپایگانی: برای پوشیدن جنس دوخته در احرام عمره یک کفاره و در احرام حج نیز یک کفاره کافی است.آیهٔ‌اللَّه مکارم: مگر موجب عسر و حرج شود.آیهٔ‌اللَّه خویی: فتوای ایشان در تمام این مسأله در دست نیست

[۹۴] م- اگر از روی اضطرار لباس‌های متعدد پوشید کفاره ساقط نمی‌شود. (۱)(م ۳۵۶)

[۹۵] م- اگر محرم چنـد قسم لباس دوخته بپوشد مثل پیراهن و قبا و عبا، برای هر یک باید کفاره بدهد (۲) و احتیاط واجب (۳) آن است که اگر آنها را توی هم کرد و یکدفعه پوشید باز برای هر یک کفاره بدهد.

پوشیدن آنچه تمام روی پا را می‌گیرد (برای مردان)

[۹۶] م- پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هر چه تمام (۴) روی پا را می گیرد برای مرد جایز نیست، اما پوشیدن دمپایی و مانند آن که تمام روی پا را نمی‌پوشاند اشکال ندارد.(م ۳۶۹)

[۹۷] م- انداختن حوله احرام یا پتو روی پا به طوری که پوشیدن آن به

۱- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بنابر احتیاطآیهٔاللّٰه مکارم: مگر موجب عسر و حرج باشد

۲- آیهٔاللّٰه خامنه‌ای: اگر تعدد پوشیدن صدق کند برای هر مورد یک کفاره بدهد.آیهٔاللّٰه صافی، گلپایگانی: ظاهر آن است که اگر برای پوشیدن جنس دوخته یک کفاره بدهد کافی است.آیهٔاللّٰه خویی: فتوای ایشان در دست نیست.

۳- آیـهٔاللّٰه بهجت: در این فرض نیز کفـاره واجب است.آیـهٔاللّٰه سیسـتانی: اگر نوع لباس‌هـا مختلف باشـد، به تعـداد هر لباس کفاره بدهد و اگر نوع لباس‌ها یکی باشد بنابر احتیاط به تعداد هر لباس باید کفاره بدهد

۴- آیهٔاللّٰه خامنه‌ای: قدر مسلّم از حرام بودن پوشاندن روی پا، پوشیدن چکمه و جوراب و امثال آن است نه هر چیزی که روی پا را می‌پوشانـد.آیـهٔاللّٰه بهجـت، تبریزی: در هر چـه تمـام روی پـا را می گیرد بـا صـدق لبس و پوشــیدن بنـابر احتیـاط. آیـهٔاللّٰه صـافی، گلپایگانی: احتیاط آن است که از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پا را هم بپوشاند نیز خودداری کند ولی بند نعلین اشکال ندارد

حساب نباید اشکال ندارد.(جامع الفتاوی م ۱۰۴)

[۹۸] م- اگر مرد محتاج (۱) شود به پوشیدن چیزی که روی پا را می‌گیرد احتیاط (۲) واجب آن است که روی آن را شکاف دهد.(م ۳۷۰)

[۹۹] م- در پوشیدن آنچه روی پا را می‌گیرد کفاره نیست. (۳)(م ۳۷۱)

پوشانیدن سر برای مرد

[۱۰۰] م- پوشانیدن مرد سر خود را به هر چه برای پوشش سر است جایز نیست و احتیاط واجب (۴) آن است که سر را به چیزهای غیر پوششی هم نپوشاند مثل گل و خار و دوا و پوشال و غیر اینها. ولی پوشانیدن با بعض بدن خود مثل دست‌ها جایز است.(مناسک م ۴۱۰- ۴۱۲)

[۱۰۱] م- احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد که سر به وسیله آن پوشانیده شود، مثل بار برای حمل.(مناسک م ۴۱۱)

[۱۰۲] م- در حکم سر است بعض (۵) سر، پس نباید بعض سر را نیز بپوشاند.

۱- آیةاللّٰه سیستانی: بلکه مضطر شود

۲- آیاعت عظام بهجت، خویی، فاضل، مکارم: این احتیاط مستحب است

۳- آیةاللّٰه نوری: کفاره آن یک گوسفند است.آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: احوط ثبوت کفاره گوسفند است.آیةاللّٰه سیستانی: در پوشیدن چکمه و مانند آن کفاره نیست ولی بنابر احتیاط، اگر عمداً جوراب و مانند آن را بپوشد باید یک گوسفند کفاره بدهد

۴- تبریزی، خویی، گلپایگانی: محرم نباید سر خود را بپوشاند حتی با گل و مانند آن

۵- آیةاللّٰه فاضل: بنابر اقوی در تغطیه در حکم سر است ولکن در حمل بار بر بعضی از سر بنابر احتیاط در حکم سر است.آیةاللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب

گوش‌ها (۱) همه از سر محسوب می‌شود پس نباید آنها را پوشانید، اما صورت از سر نیست و پوشاندن آن عیبی ندارد.(م ۴۱۴- ۴۱۵- ۴۱۶)

[۱۰۳] م- دستمالی را که برای سردرد به سر می‌بندد عیب ندارد. و کفاره هم ندارد. (۲)(م ۴۱۸- ۴۸۱

[۱۰۴] م- گذاشتن سر روی بالش و مانند آن برای خوابیدن مانع ندارد ولی در وقت خوابیدن مرد نباید سر خود را بپوشاند و اگر بدون التفات یا از روی فراموشی پوشانید واجب است فوراً سر را باز کند و مستحب است تلبیه بگوید بلکه احوط است گفتن آن.(م ۴۱۹- ۴۲۳)

[۱۰۵] م- اگر پارچه‌ای را روی کمانی بیندازد به نحوی که بالای سر باشد و سر را زیر آن کند مانع ندارد و همچنین رفتن در پشه‌بند اشکال ندارد.(م ۴۲۰)

[۱۰۶] م- اگر سر را شست نباید با پارچه و حوله خشک کند (۳) و بعض سر هم در حکم همه است. و اگر وقت نماز تنگ باشد و نتواند سر را برای مسح و لو با دست خشک کند احوط (۴) جمع بین وضو با این حال و تیمم است.(م ۴۲۲ س ۵۰۳)

۱- آیهٔ‌اللّه فاضل: پوشاندن مقداری از گوش مانعی ندارد.آیهٔ‌اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب

۲- آیهٔ‌اللّه بهجت: کفاره دارد.آیهٔ‌اللّه صافی، گلپایگانی: یک گوسفند کفاره دارد.آیهٔ‌اللّه مکارم، نوری: به احتیاط واجب کفاره دارد

۳- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، مکارم: خشک کردن به تدریج، به نحوی که سر پوشانده شود اشکال ندارد.(از اینجا نظراین آقایان نسبت به بقیه مسأله روشن می‌شود.)

۴- آیهٔ‌اللّه تبریزی، فاضل، سیستانی: در فرض سؤال می‌تواند با حوله به طوری که سر پوشانده نشود جای مسح را خشک کند.آیهٔ‌اللّه خویی: فتوای معظم له دردست نیست

[۱۰۷] م- جایز نیست سر را زیر آب کند بلکه جایز نیست (۱) زیر مایع دیگری مثل گلاب و سرکه و غیر آن کند بعض سر هم در حکم سر است (۲) لکن زیر دوش حمام رفتن برای محرم مانع ندارد.(م ۴۱۳- ۴۱۴- ۴۲۱)

[۱۰۸] م- اگر با علم به مسأله و عمداً سر را بپوشاند به نحوی از انحاء کفاره (۳) آن یک گوسفند است و احتیاط واجب (۴) کفاره است برای پوشاندن بعض سر.(م ۴۲۴- ۴۲۷)

[۱۰۹] م- احوط آن است که اگر مکرر سر را پوشانید مکرر کفاره بدهد گرچه تعدد کفاره معلوم نیست و بعید نیست واجب نبودن (۵) آن. و اگر سر را پوشانید و گوسفند را برای کفاره ذبح کرد و باز سر را پوشانید، احتیاط به کفاره دادن دوباره خیلی مطلوب است گرچه وجوبش معلوم نیست. (۶)(م ۴۲۵- ۴۲۶)

[۱۱۰] م- اگر محرم سر خود را با چیز دوختهای که پوشیدن آن موجب کفاره

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: بنابر احتیاط

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: زیر آب بردن بعض سر جایز است

۳- آیات عظام تبریزی، خویی، خامنهای، سیستانی، فاضل، مکارم: بنابر احتیاط واجب کفارهاش یک گوسفند است

۴- آیهٔاللّٰه فاضل و خامنهای: پوشاندن بعض سر کفاره ندارد. آیهٔاللّٰه خامنهای اضافه فرمودهاند: مگر این که عرفاً صدق کند که سر را پوشانده است، مثل این که کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را میپوشاند بر سر بگذارد که در این صورت بنابر احتیاط یک گوسفند قربانی کند

۵- آیات عظام صافی، گلپایگانی، نوری: واجب است کفاره متعدد بدهد.آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنهای، مکارم: به احتیاط واجب، تعدد کفاره است

۶- آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: کفاره متعدد میشود.آیات عظام خامنهای، مکارم، نوری: به احتیاط واجب، کفاره باید کفاره متعدد بدهد

است، مثل کلاه بپوشاند باید کفاره بدهد (۱) جز در صورت جهل و فراموشی.(س ۵۲۶)

[۱۱۱] م- پوشانیدن سر از روی اضطرار ظاهراً کفاره دارد. (۲)(مناسک م ۴۸۱- ۴۲۷، جامع‌الفتاوی م ۱۱۸)

پوشانیدن صورت برای زنان

[۱۱۲] م- پوشانیدن زن (۳) روی خود را به نقاب و روبند و برقع و هر چیز اگر چه غیر متعارف باشد مثل پوشال و گل جایز نیست بنابر احتیاط (۴) و جایز نیست با بادبزن روی خود را بپوشاند.(م ۴۲۸)

۱- آیهٔ‌اللَّه تبریزی: یک کفاره کافی است.آیهٔ‌اللَّه خویی، بهجت: بنابر احتیاط دو کفاره دارد.آیهٔ‌اللَّه سیستانی: در مثل کلاه و عمامه که پوشیدن آن حرام است دو کفاره بنابر احتیاط، ولی اگر مثلًا پیراهن خود را بر سر بگذارد بیش از یک کفاره لازم نیست.آیهٔ‌اللَّه مکارم: در مثل پارچه دوخته شده یک کفاره دارد، ولی کلاه دوخته و مانند آن بنابر احتیاط واجب دو کفاره دارد.نظر مقام معظم رهبری در دست نیست

۲- آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: کفاره ندارد.آیات عظام امام، گلپایگانی، صافی: فرض اضطرار را برای عدم لزوم کفاره استثناء نفرمودند. ولی حضرت امام در بستن دستمال به سر برای سر درد، فرمودند کفاره ندارد.آیهٔ‌اللَّه نوری و مکارم: در بستن دستمال برای سر درد، کفاره احتیاط واجب است

۳- آیهٔ‌اللَّه بهجت: در غیر حال ضرورت، مانند تحفظ از مگس و مانند آن، در حال خوابیدن اشکالی ندارد

۴- آیهٔ‌اللَّه نوری: پوشاندن رو هر چند به چیزهای غیر متعارف جایز نیست

[۱۱۳] م- بعض صورت در حکم تمام آن است و نبایـد آن را بپوشاند (۱) اما زیر چانه، از صورت محسوب نمی‌شود.(مناسک ۴۲۹ و س ۵۰۵)

[۱۱۴] م- واجب است برای نماز سر را بپوشاند و مقدمتاً برای پوشانیدن سر کمی از اطراف رو را بپوشاند لیکن واجب است بعد از نماز فوراً آن را باز کند. (۲)(مناسک ۴۳۲)

[۱۱۵] م- اگر دست‌های خود را روی صورت بگذارد (۳) یا روی خود را برای خوابیدن بر روی بالش بگذارد مانع ندارد.(مناسک ۴۳۰- ۴۳۱)

[۱۱۶] م- خشک کردن صورت با حوله یا دستمال بنابر احتیاط جایز نیست (۴)(مناسک ۵۰۶)

[۱۱۷] م- زن بایـد مواظب باشـد که هنگام پوشـیدن و یا در آوردن مقنعه (۵) وماننـد آن صورتش پوشـیده نشود لکن اگر از روی علم و عمد پوشیده نشود مانعی

۱- آیـۀاللَّه مکارم: پوشانـدن بعض صورت به طوری که به آن نقاب و برقع نگویند جایز است.آیۀاللّه خامنه‌ای: پوشاندن گوشه‌هایی از بالا یا پایین صورت یا دو طرف آن به طوری که پوشانـدن صورت بر آن صـدق نکنـد جایز است.آیـۀاللَّه تبریزی، سیسـتانی: بنابر احتیـاط.آیـۀاللَّه فاضـل: بنابر اقوی پوشانـدن صورت در قسـمت پایین آن یعنی از بینی تا چانه جایز نیست و در قسـمت بالایی آن به احتیاط واجب

۲- نظر آیۀ اللَّه خامنه‌ای و مکارم از پاورقی مسأله قبل روشن است.آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط، پس از فراغت از نماز فوراً آن را باز کند

۳- آیۀاللَّه گلپایگانی متعرض این قسمت مسأله نشده‌اند

۴- آیـات عظام بهجت، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، مکارم: خشک کردن به تدریـج، به نحوی که صورت پوشانـده نشود اشـکالی ندارد.آیات عظام خویی، تبریزی، فاضل: جایز نیست

۵- آیۀاللَّه مکارم: این مقدار پوشیدن مانعی ندارد

ندارد(س ۵۰۷)

[۱۱۸] م- جایز است برای رو گرفتن از نامحرم (۱) چادر یا جامه را که به سر افکنده پایین بیندازد تا محاذی بینی بلکه چانه بلکه در صورت احتیاج تا گردن و چیزی بر او نیست(م ۴۳۳)

[۱۱۹] م- بهتر آن است که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پایین می‌اندازد با دست یا چیز دیگر دور از رو نگه دارد که به صورت نچسبد بلکه این کار احوط است. (۲)(م ۴۳۴)

[۱۲۰] م- در نقاب انداختن و پوشاندن صورت به هر نحو که باشد کفاره لازم نیست گرچه موافق احتیاط است. (۳)(م ۴۳۶)

استفاده از بوی خوش

[۱۲۱] م- استعمال عطریات از قبیل مشک و زعفران و عود و عنبر بلکه مطلق (۴) عطر جایز نیست چه استعمال به بوییدن باشد یا خوردن یا مالیدن به لباس و بدن و همین طور پوشیدن لباسی که بوی عطر می‌دهد اگر چه قبلًا به آن عطر مالیده شده باشد.(م ۳۳۵)

۱- آیهٔالله بهجت: بلکه مطلقاً.آیهٔالله سیستانی: در جایی که نامحرم نیست این گونه پوشش جایز نیست

۲- آیهٔالله صافی، گلپایگانی: باید با دست یا چیز دیگری آن را از صورت دور نگه دارند.آیهٔالله تبریزی، خویی: این احتیاط ترک نشود

۳- آیهٔالله صافی، گلپایگانی: باید یک گوسفند کفاره بدهد.آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد

۴- آیهٔالله تبریزی: در غیر از این چهار چیز و ورس احتیاط استحبابی است.(از اینجا نظر ایشان در مسائل بعدی روشن می‌شود).آیهٔالله بهجت، خویی: احوط اجتناب از هر بوی خوشی غیر از این‌ها است

[۱۲۲] م- خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می‌دهد مثل زعفران جایز نیست.(م ۳۳۶)

[۱۲۳] م- اگربه پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می‌دهد اضطرار پیدا کند باید (۱) دماغ خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.(م ۳۳۷)

[۱۲۴] م- از گل‌ها یا سبزی‌هایی که بوی خوش می‌دهد باید (۲) اجتناب کند مگر بعضی انواع که صحرایی است مثل بو مادران و درمنه و خزامی که می گویند از خوشبوترین گل‌ها است.(م ۳۳۸)

[۱۲۵] م- از میوه‌های خوشبو از قبیل سیب و به اجتناب لازم نیست و خوردن آنها و بوئیدن آنها مانع ندارد لیکن احتیاط (۳) آن است که بوییدن را ترک کند.(مناسک م ۳۴۰)

[۱۲۶] م- مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه و آن چیزی است که کعبه را به آن خوشبو می کنند حرام نیست لکن چون معلوم نیست که خلوق چیست احتیاط آن است که از بوی خوشی که در کعبه است اجتناب کند. (۴)(م ۳۴۴)

[۱۲۷] م- اقوی (۵)، حرمتِ گرفتنِ دماغ از بوی بد است، لکن فرار کردن از بوی

۱- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی: بنابر احتیاط لازمآیهٔاللّه مکارم: مگر این که موجب عسر و حرج باشد

۲- آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: بنابر احتیاط واجب از تمام گل‌ها اجتناب کند.نظر آیات عظام تبریزی، بهجت، خویی، درمسائل قبل گذشت

۳- آیات عظام خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب از بوئیدن آنها هنگام خوردن باید خودداری شود

۴- آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: این احتیاط لازم نیست.آیهٔاللّه سیستانی: بعید نیست که اجتناب از بوی خوش کعبه لازم نباشد. و بتوان آن را استشمام کرد

۵- آیهٔاللّه تبریزی: بنابر احتیاط واجبآیهٔاللّه فاضل: و اگر گرفت معصیت کرده ولکن کفاره ندارد

بد و به سرعت رفتن عیب ندارد.(م ۳۴۱)

[۱۲۸] م- خرید و فروش عطریات اشکال ندارد لیکن نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال کند.(م ۳۴۲)

[۱۲۹] م- استعمال شامپو و صابون و خمیر دندان اگر صدق بوی خوش کند جایز نیست (۱) و در غیر این صورت مانع ندارد.(۲)(س ۴۹۵)

[۱۳۰] م- کفاره استعمال (۳) بوی خوش یک گوسفند است بنابر احتیاط واجب (۴).(م ۳۴۳)

محرمات احرام

سرمه کشیدن

[۱۳۱] م- سرمه‌کشیدن به‌سیاهی که در آن زینت باشد هر چند قصد زینت نکند (۵)

۱- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب اجتناب کند.آیات اللّٰه تبریزی جایز است

۲- آیةاللّٰه مکارم: اگر مشکوک هم باشد مانعی ندارد

۳- آیات عظام بهجت، فاضل، صافی، گلپایگانی، مکارم: در صورت عمد ..

۴- آیةاللّٰه خامنه‌ای: احتیاط مستحب استآیةاللّٰه سیستانی: این احتیاط در خوردن خوشبو و پوشیدن لباس معطر است و در غیر این دو مورد کفاره واجب نیست

۵- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: اگر قصد زینت نکند بنابر احتیاط واجب اجتناب کند.آیةاللّٰه مکارم: فرقی بین سرمه سیاه و غیر سیاه نیست، ملاک در حرمت، زینت و عدم زینت است.آیةاللّٰه بهجت: اگر با سرمه سیاه قصد زینت نداشته باشد بلکه برای علاج مرض باشد اشکال ندارد

حرام است و احتیـاط واجب (۱) اجتناب از مطلق سـرمه است که در آن زینت باشـد بلکه اگر بوی خوش داشـته باشد بنابر اقوی (۲) حرام است.(م ۳۵۹)

[۱۳۲] م- حرام بودن سرمه کشیدن به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است.(م ۳۶۰)

[۱۳۳] م- در سرمه کشیدن کفاره نیست (۳) لیکن اگر در سرمه بوی خوش باشد احتیاط (۴) کفاره دادن است.(م ۳۶۱)

[۱۳۴] م- در صورتی که احتیاج داشته باشد به سرمه کشیدن مانعی ندارد.(م ۳۶۲)

پوشیدن زیور

[۱۳۵] م- محرم بایـد از هر چیزی کـه زینت حسـاب می‌شـود اجتنـاب کنـد (۵) هر چنـد قصـد او زینت نباشـد (۶)(جامع الفتاوی م ۱۴۴)(مناسک م ۳۶۵ و ۳۸۸)

۱- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: به احتیاط واجب اجتناب کند از سرمه غیر سیاه اگر با قصد زینت باشد

۲- آیهًاللَّه بهجت: بنابر احوط.آیهًاللَّه تبریزی و خویی: در مسأله استعمال بوی خوش گذشت

۳- آیهًاللَّه تبریزی: در سـرمه سیاه به قصد زینت بنابر احتیاط واجب یک گوسـفند و در سـرمه سیاه بدون قصد زینت و یا سرمه غیر سیاه با قصـد زینت بنابر احتیاط مسـتحب.آیـهًاللَّه خویی: بنابر احتیاط بایـد یک گوسـفند کفاره بدهـد.آیهًاللَّه سیسـتانی: بنابر احتیاط مستحب

۴- آیهًاللَّه فاضل: اگر بوی خوش آن در لحظه سـرمه کشـیدن قابل استشـمام باشد، بنابر اقوی کفاره است و الّا بنابر احتیاط مسـتحب کفاره بدهد.آیهًاللَّه مکارم: و مقدار کفاره یک گوسفند است

۵- آیهًاللَّه خامنه‌ای، سیستانی: بنابر احتیاط واجب

۶- آیهًاللَّه فاضل، بهجت: اگر قصد زینت نداشته باشد مانعی ندارد

[۱۳۶] م- انگشتر به دست کردن به جهت (۱) زینت جایز نیست (۲) و اگر برای استحباب یا غرض دیگر باشد مانعی ندارد.(مناسک م ۳۸۷)

[۱۳۷] م- احتیاط واجب (۳) آن است که محرم حنا برای زینت نبندد بلکه اگر زینت باشد و لو قصد نکند احتیاط در ترک است بلکه حرمت (۴) آن در هر دو صورت خالی از وجه نیست. و اگر قبل از احرام حنا ببندد چه به قصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند مانع ندارد ولی احتیاط خوب است. (۵)(م ۳۸۸- ۳۸۹)

[۱۳۸] م- عینک زدن اگر زینت نباشد اشکالی ندارد ولی اگر زینت محسوب شود جایز نیست. (۶)(م ۳۶۵)

[۱۳۹] م- پوشیدن زیور برای زن به جهت زینت حرام است بلکه اگر زیور زینت باشد احتیاط واجب آن است که ترک کند هر چند قصد تزیین نداشته

۱- آیةاللّٰه خامنه‌ای: اگر عرفاً زینت محسوب می‌شود بنابر احتیاط باید اجتناب کند، گر چه قصد زینت نکند

۲- آیةاللّٰه سیستانی: بنابر احتیاط واجبآیةاللّٰه مکارم: انگشتر زینتی به هر قصد باشد حرام است

۳- آیات عظام تبریزی، خویی، مکارم: حنابستن در صورتی که زینت محسوب شود بر محرم حرام است.آیةاللّٰه سیستانی: ولی استعمال حنا به نحوی که زینت نباشد در موارد علاج و مانند آن اشکالی ندارد

۴- آیةاللّٰه فاضل: حرمت محل اشکال است

۵- آیةاللّٰه مکارم: اگر قصدش ادامه زینت برای حال احرام باشد اشکال دارد

۶- آیةاللّٰه فاضل: در صورتی که به قصد زینت استفاده کند جایز نیست.آیةاللّٰه خامنه‌ای، سیستانی: اگر عرفاً زینت محسوب شود بنابر احتیاط جایز نیست.آیةاللّٰه بهجت: اگر به قصد زینت نباشد عیبی ندارد

باشد، بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست. (۱)(م ۳۹۱)

[۱۴۰] م- زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن قبل از احرام، لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد (۲) ولی نباید (۳) آنها را به مرد نشان دهد حتی به شوهر خود.(م ۳۹۲- ۳۹۳)

روغن مالیدن

[۱۴۱] م- احوط بلکه اقوی حرام بودن مالیدن روغن و پماد چرب (۴) است اگر چه بوی خوش در آن نباشد.(م ۳۹۵ و س ۵۰۰)

[۱۴۲] م- جایز نیست پیش از احرام روغنی که بوی خوش در آن است را استعمال کند اگر اثرش تا وقت احرام باقی می‌ماند (۵)(م ۳۹۶)

[۱۴۳] م- اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن یا پماد بمالد عیبی ندارد(م ۳۹۷ س ۵۰۰)

[۱۴۴] م- خوردن روغن مانع ندارد اگر در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد.

(م ۳۹۸)

۱- آیۀاللّه سیستانی: اگر به قصد زینت نباشد ولی عرفاً زینت محسوب شود، احتیاط واجب در ترک است.آیۀاللّه فاضل: بدون قصد زینت احتیاط مستحب در ترک است

۲- آیۀاللّه فاضل: اگر قصد زینت به آنها را نداشته باشد

۳- آیۀاللّه سیستانی: بنابر احتیاط مستحب آنها را برای شوهرش و مردانی که با او محرمند ظاهر نسازد و نشان ندهد

۴- آیۀاللّه مکارم: پماد مطلقاً حرام است و لو چرب نباشد

۵- آیـۀاللّه سیسـتانی: ولی اگر در آن عطر نباشـد بلکه خودش خوشـبو باشد اشـکال ندارد.آیۀاللّه بهجت: و در صورت اسـتعمال در فرض امکان، باید احرام را تا زمان زائل شدن بوی خوش به تأخیر بیندازد

[۱۴۵] م- اگر در روغن بوی خوش نباشد در مالیدن آن کفاره نیست (۱) و اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره آن یک گوسفند (۲) است اگر چه از روی اضطرار (۳) باشد.(م ۳۹۹- ۴۰۰)

ناخن گرفتن

[۱۴۶] م- جایز نیست محرم ناخن دست یا پای خود را بگیرد و فرقی نیست بین آلات ناخن‌گیری، قیچی باشد یا چاقو یا ناخن گیر و احتیاط (۴) واجب آن است که ازاله ناخن نکند به هیچ وجه، حتی به سوهان و دندان.(مناسک ۴۵۴- ۴۵۵- ۴۵۶)

۱- آیـﺔاللّه تبریزی، خویی: در فرض علم و عمـد، کفـاره‌اش بنـابر احتیاط یک گوسـفند است. و اگر از روی نادانی باشـد کفاره‌اش بنابر احتیاط، اطعام یک فقیر است

۲- آیـﺔاللّه خامنه‌ای: اگر روغن را معطر کرده باشـند، مانند کرم‌های معطر و امثال آن، احتیاط آن است که یک گوسـفند ذبح کند، گرچه واجب نبودن این احتیاط بعید نیست.آیﺔاللّه سیستانی: اگر محرم با علم و آگاهی و از روی عمد، بدن خود را با روغن خوشبو روغن مالی نماید، بنابر احتیاط باید یک گوسـفند کفاره بدهد، هر چند از روی اضـطرار باشد و اگر بدون علم و آگاهی این کار را کرده باشد بنابر احتیاط کفاره آن اطعام یک فقیر است.آیﺔاللّه فاضل: در خوردن آن کفاره یک گوسفند است، ولی در غیر مصرف خوردن هم احتیاطاً کفاره بدهد.آیﺔاللّه نوری: کفاره مالیدن روغن به بدن یک گوسفند است اگر چه از روی اضطرار باشد

۳- آیـﺔاللّه بهجت، تبریزی: بنـابر احتیـاط.آیـﺔاللّه فاضل: در حال اضـطرار کفاره ثابت نیست.آیـﺔ اللّه مکارم: در غیر مورد ضـرورت کفاره آن احتیاطاً یک گوسفند است

۴- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، فاضل، سیستانی، مکارم: ازاله ناخن به هیچ وسیله‌ای جایز نیست

[۱۴۷] م- گرفتن ناخن دیگری توسط محرم عیبی ندارد گرچه دیگری نیز محرم باشد. بنابراین محرم می‌تواند ناخن محرم دیگری را برای تقصیر بگیرد.

(مناسک ۵۲۲- ۵۲۳)

[۱۴۸] م- جایز نسیت بعض ناخن را هم بگیرد مگر آن که موجب آزار شود مثل آن که بعض از آن افتاده باشد و بعض دیگر موجب آزار او باشد (۱). و هرگاه محتاج شد به گرفتن ناخن احتیاط واجب (۲) آن است که کفاره به همان نحو(یک مد برای هر ناخن) بدهد.(م ۴۵۴- ۴۶۷)

[۱۴۹] م- اگر یک ناخن از دست یا پا بگیرد یک مد طعام باید کفاره بدهد و برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده باید یک مد طعام بدهد و همچنین در ناخن‌های پا.(م ۴۵۸)

[۱۵۰] م- اگر تمام ناخن دست‌ها و پاها را در یک مجلس بگیرد یک گوسفند کفاره آن است.(م ۴۵۹)

[۱۵۱] م- اگر ناخن دست‌ها را تماماً بگیرد در یک یا چند مجلس و در محل دیگر یا چند محل ناخن پاها را بگیرد دو گوسفند کفاره آن است. (۳)(م ۴۶۰)

[۱۵۲] م- اگر تمام ناخن دست‌ها را بگیرد و ناخن پاها را کمتر از ده ناخن بگیرد یک گوسفند برای ناخن دست و برای هر یک از ناخن‌های پا یک مد

۱- آیهٔ‌اللّٰه تبریزی، خویی: در این صورت گرفتن ناخن جایز است و برای هر ناخن یک مشت طعام کفاره بدهد.آیهٔ‌اللّٰه صافی، گلپایگانی: کفاره آن یک مد طعام است

۲- آیهٔ‌اللّٰه سیستانی: کفاره بدهد.آیهٔ‌اللّٰه فاضل: و می‌تواند برای هر ناخن یک کف از طعام کفاره بدهد

۳- آیهٔ‌اللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب.آیهٔ‌اللّٰه بهجت: با عدم تخلل تکفیر برای هر ناخنی در اثنای هر یک از دست‌ها و پاها و گرنه متّجه کفایت مد است برای هر یک از ناخن‌های باقی مانده در دست‌ها یا در پاها

طعام بایـد بدهـد و همچنین اگر ناخن پاها را تماماً بگیرد و ناخن دست‌ها را کمتر از ده بگیرد. (۱) [۱۵۳] م- اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و تمام آن را گرفت، برای هر یک، یک مـد طعام بایـد بدهـد و احتیاط مسـتحب آن است که یک گوسـفند ذبح کند. (۲)

زدودن مو

[۱۵۴] م- ازاله مو از بـدن خود یـا دیگری چه محرم باشـد چه محل جایز نیست و فرقی نیست میان کم و زیاد، بلکه ازاله یک مو نیز حرام است. (۳)(م ۴۰۱)

[۱۵۵] م- در ازاله مو فرقی نیست بین تراشیدن یـا نوره مالیـدن یـا کنـدن یـا قیچی کردن و غیر آن.(مناسک م ۴۰۴) همان طور که فرقی میان اعضای بدن نیست.(جامع الفتاوی م ۱۶۴)

[۱۵۶] م- ازاله مو اگر از روی ضرورت باشد عیب ندارد (۴) مثل زیادی شپش و درد سر و موی چشم که اذیت می‌کند.(م ۴۰۲)

[۱۵۷] م- اگر در وقت غسل یا وضو، (۵) مویی بدون قصد کنده شود اشکال ندارد.(م ۴۰۳)

۱- آیۀاللّه فاضل: در هر دو فرض، غیر از گوسفند کفاره‌ای ثابت نیست

۲- آیـۀاللّه فاضل: بایـد یک گوسـفند کفاره بدهـد.آیۀاللّه خویی: متعرض این مسأله نشده‌اند.آیۀاللّه نوری: بنابر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره دهد

۳- آیۀاللّه سیستانی: بلکه حتی ازاله جزئی از یک مو نیز جایز نیست

۴- آیۀاللّه صافی، گلپایگانی: گناه ندارد ولی کفاره دارد

۵- آیـۀاللّه سیسـتانی: یـا تیمم یـا تطهیر از خبث یـا ازاله مـانع از رسـیدن آب وضـو و غسـل وماننـد آن.(م ۴۰۳)آیۀاللّه خامنه‌ای: یا تیمم(جامع الفتاوی م ۱۶۶)

[۱۵۸] م- کفاره سر تراشیدن اگر به جهت ضرورت باشد دوازده مد طعام است که باید به شش (۱) مسکین بدهد یا سه روز روزه بگیرد یا یک گوسفند قربانی کند و مد تقریباً ده سیر است. و احتیاط واجب (۲) آن است که اگر موی سر را ازاله کند به غیر تراشیدن، کفاره تراشیدن را بدهد.(م ۴۰۵ و ۴۰۸)

[۱۵۹] م- اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفاره بدهد بلکه تعیّن گوسفند در این صورت بعید نیست (۳).(م ۴۰۶)

[۱۶۰] م- اگر از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند باید یک گوسفند (۴) ذبح کند برای کفاره، بلکه احتیاط (۵) آن است که اگر از زیر یک بغل هم ازاله مو کند یک گوسفند کفاره بدهد.(م ۴۰۷)

[۱۶۱] م- اگر محرم به اختیار خود حاضر شود که مثلًا محلّی سر او را بتراشد حرام است و باید کفاره بدهد ولی چنانچه بدون اختیار او باشد کفاره ندارد حتی

۱- آیهٔاللّٰه گلپایگانی: صدقه دادن ده مد به ده مسکین کفایت می کند، اگر چه دوازده مد به شش مسکین بهتر است.آیهٔاللّٰه بهجت: یا اطعام ده مسکین است که به هر یک یک مد داده شود، بلکه بنابر احتیاط به هر کدام به مقداری که سیر شوند، اگر چه بیش از یک مد باشد طعام داده شود و احتیاط در رعایت اکثر از مدو اشباع است

۲- آیهٔاللّٰه بهجت، خویی: بلکه واجب است

۳- آیهٔاللّٰه بهجت: حکم آن مانند مسأله قبل است(تخییر)

۴- آیهٔاللّٰه نوری: احتیاط آن است که برای زیر هر بغل یک گوسفند ذبح کند

۵- آیهٔاللّٰه مکارم، گلپایگانی: این حکم واجب است.آیهٔاللّٰه بهجت، فاضل: در کندن موی زیر یک بغل سه مسکین را طعام بدهد.آیهٔاللّٰه سیستانی: در کندن موی زیر بغل حکم همین است و اگر به نحو دیگری غیر از کندن، موی زیر بغل را ازاله کند، بنابر احتیاط واجب همین حکم است

ص: ۶۷

بر محلّ مزبور(س ۵۰۲)

[۱۶۲] م- اگر عمداً دست به سر یا ریش خود بکشد و یک مو یا بیشتر بیفتد احتیاط (۱) آن است که یک کف طعام صدقه بدهد هر چند التفات به افتادن مو نداشته باشد.(م ۴۰۹ و س ۵۰۱)

سایه قرار دادن بالای سر برای مردان

[۱۶۳] م- سایه قرار دادن از برای مردان جایز نیست و برای زن‌ها و بچه‌ها جایز است و کفاره هم ندارد.(م ۴۳۷)

[۱۶۴] م- حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر مختص به حال منزل طی کردن است و اما درحالی که در محلی منزل کرده در منا باشد یا غیر آن، زیر سایه رفتن مانع ندارد (۲) و با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد اگر چه در حال راه رفتن باشد پس مانع ندارد که در منا از چادر خود تا محلی که ذبح می‌کنند یا محلی که رمی جمرات می‌کنند با چتر برود اگر چه احتیاط مستحب (۳) ترک آن است در حال راه رفتن. و نیز جایز است بعد از آن که محرم به منزل رسید و لو در محله‌های جدید مکه که از مسجد الحرام دور هستند می‌تواند برای رفتن به مسجد الحرام در ماشین‌های مسقّف سوار شود یا زیر سایه برود.(م ۴۳۸- ۴۹۰)

[۱۶۵] م- احتیاط آن است که در وقت طی منزل، به پهلوی محمل یا هر

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: باید یک مشت طعام بدهد.آیةاللّٰه مکارم: منظور از یک کف طعام مقداری غذا است.آیةاللّٰه خامنه‌ای: وجوب این احتیاط معلوم نیست

۲- آیةاللّٰه تبریزی، سیستانی: رفتن زیر سایه ثابت در این صورت مانعی ندارد ولی بنابر احتیاط نمی‌تواند در حال حرکت برای خود سایه‌بان درست کند، مثل آن که چتر بردارد و یا سوار ماشین سقف دار شود

۳- آیةاللّٰه خویی: در قسمت جدید شهر مکه بنابر احتیاط، سوار ماشین سقف دار نشوند

چیزی که بالای سر او نباشد استظلال نکند، اگر چه جایز بودن آن خالی از قوت نیست (۱)(م ۴۴۰)

[۱۶۶] م- درجایز نبودن سایه بالای سر قرار دادن بین سواره و پیاده فرق نیست. (۲)(م ۴۴۵)

[۱۶۷] م- در حرام بودن سایه بر سر قرار دادن فرقی بین سایه‌ای که با شخص حرکت کند مثل چتر و ماشین مسقّف و سایه ثابت (۳) مثل پل وغیره نیست ولی اگر ماشینی از زیر پل‌هایی که در مسیر واقع شده برود و به ناچار محرمین از زیر پل‌ها عبور کنند و یا در محل پمپ بنزین در زیر سقف متوقف شوند و محرمین زیر سقف قرار گیرند اشکالی پیدا نمی‌شود و کفاره ندارد.(م ۴۸۲-۴۸۸)

[۱۶۸] م- نشستن در زیر سقف در حال طی منزل در شب خلاف احتیاط است گرچه جایز بودن آن به نظر بعید نیست (۴) بنابراین بعید نیست جایز بودن

۱- آیهٔاللّه خویی: اظهر حرمت آن است.آیهٔاللّه سیستانی: برای پیاده مطلقاً جایز است و سواره احتیاطاً اجتناب کند مگر این که کوتاه باشد که سر و سینه را فرا نگیرد.آیهٔاللّه تبریزی، خویی: بنابر احتیاط

۲- آیهٔاللّه تبریزی، خویی: بنابر احتیاط

۳- آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم، نوری: عبور از زیر سایه ثابت اشکال ندارد.آیهٔاللّه گلپایگانی: احتیاط آن است که روز به اختیار خود از تونل‌هایی که صدق رفت و آمد در منزل نمی‌کند نرود

۴- آیهٔاللّه خویی: مراد از استظلال، تحفظ از آفتاب و سرما و گرما و باران و باد و مانند آنها است پس اگر هیچ کدام از اینها نباشد استظلال جایز است و فرقی بین شب و روز نیست و در فرض شک که آیا وجود مظله و عدمش یکسان است جایز است.آیهٔاللّه سیستانی و مکارم: جایز است، مگر در شب‌های بارانی که باید کفاره بدهد آیهٔاللّه سیستانی اضافه نموده‌اند: و در شب‌های بارانی بنابر احتیاط جایز هم نیست.آیهٔاللّه خامنه‌ای: احتیاط به ترک تظلیل در شب‌های بارانی و سرد ترک نشود، مگر این که موجب حرج باشد.آیهٔاللّه تبریزی: بنابر احتیاط در حرمت تظلیل فرقی بین شب و روز نیست

نشستن محرم در هواپیمایی که شب حرکت می‌کند.(م ۴۴۴)

[۱۶۹] م- نظر به این که مسجد تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، کسی که از مسجد تنعیم برای عمره محرم شده است می‌تواند (۱) سوار ماشین سقف دار شود یا زیر سایه دیگری برود(س ۵۰۹ و ۵۱۰)

[۱۷۰] م- سایه قرار دادن به غیر سر مانند شانه و دیگر اعضای بدن مانعی ندارد. (۲)(س ۵۱۶)

[۱۷۱] م- محرم به محض رسیدن به مکه می‌تواند (۳) استظلال نماید هر چند هنوز به محل سکونت نرسیده باشد.(س ۵۲۰)

[۱۷۲] م- استظلال در وقت طی منزل برای عذری مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی جایز است لیکن باید کفاره بدهد.(م ۴۴۷)

[۱۷۳] م- کفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل یک گوسفند است چه با

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط استظلال نکنند، آیهٔ‌اللّٰه تبریزی اضافه فرموده‌اند: تا مسجد الحرام یا محل اقامت استظلال نکنند. آیهٔ‌اللّٰه خویی اضافه فرموده‌اند: تا دخول در مکه سابق استظلال نکنند

۲- آیهٔ‌اللّٰه بهجت، خویی: برای بدن هم نباید سایه بان قرار دهد.آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: بنابر احتیاط نباید برای بدن هم سایه بان قرار دهد

۳- آیهٔ‌اللّٰه تبریزی سیستانی: بعد ازرسیدن به مکه هم بنابر احتیاط نمی‌تواند در حال حرکت برای خود سایبان درست کند، مثل این که چتر بردارد یا سوار ماشین سقف دار شود. بلی رفتن زیر سایه ثابت مانعی ندارد.آیهٔ‌اللّٰه خویی: بنابر احتیاط تا در مکه قدیم داخل نشده استظلال نکند

عذر سایه افکنده باشد چه با اختیار، بنابر احتیاط (۱) واجب.(م ۴۴۸)

[۱۷۴] م- اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره هر چند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد (۲)(م ۴۴۹)

[۱۷۵] م- اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله سوار اتومبیل سقف دار شد و بعد از توقف اتومبیل و پیاده شدن متوجه شد، کفاره ندارد، ولی اگر در حال حرکت متوجه شد، برای مقداری که تا زمان ایستادن اتومبیل به ناچار زیر سقف قرار دارد باید کفاره بدهد. (۳)(س ۵۱۱- ۵۱۴)

عقد کردن

[۱۷۶] م- عقد کردن زن در حال احرام جایز نیست خواه خودش صیغه عقد را بخواند یا غیر، چه آن غیر احرام بسته باشد یا احرام نبسته باشد و مُحل باشد و فرقی بین زن عقدی و صیغه‌ای نیست و همچنین است اگر محرم برای دیگری صیغه عقد بخواند گرچه او محرم نباشد.(م ۳۳۱ و سوم از محرمات احرام)

[۱۷۷] م- اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند با علم به مسأله، آن زن بر او حرام دائمی می‌شود.(م ۳۲۹)

[۱۷۸] م- اگر کسی عقد کند زنی را برای محرمی و محرم دخول کند، پس اگر هر سه عالم به حکم (۴) باشند بر هر یک از آنها یک شتر کفاره است و اگر دخول نکند کفاره نیست و در این حکم فرق نیست بین آن که زن و عاقد، مُحِلّ باشند یا

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری: فرقی بین اختیار و اضطرار نیست

۲- آیهٔ اللّه سیستانی: ولی احتیاط مستحب این است که برای هر روز یک کفاره بدهد

۳- آیهٔاللّه مکارم: در این صورت هم کفاره ندارد

۴- آیات عظام بهجت، سیستانی، فاضل: عالم به حکم و موضوع

محرم و اگر بعضی از آنها حکم را می‌دانند و بعضی نمی‌دانند برآن که می‌داند کفاره است.(م ۳۳۲)

[۱۷۹] م- جایز نیست (۱) شخص محرم، برای عقد شاهد شود، گرچه آن عقد برای غیر محرم باشد و احتیاط (۲) آن است که شهادت ندهد بر عقد اگر چه شاهد عقد شده باشد در حال محرم نبودن، اگر چه جایز بودن آن خالی از قوت نیست.(م ۳۲۵- ۳۲۶)

[۱۸۰] م- احتیاط (۳) آن است که زن اگر احرام بسته باشد و مرد محرم نباشد و عقد کند او را با او نزدیکی نکند و طلاق دهد او را و در صورت علم به مسأله او را طلاق دهد و با او هیچ وقت ازدواج نکند.(م ۳۳۲)

[۱۸۱] م- اقوی آن است که خواستگاری کردن در حال احرام جایز است و احتیاط (۴) در ترک است.(م ۳۲۷)

۱- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم، نوری: بنابر احتیاط واجب

۲- آیهٔاللّٰه صافی، گلپایگانی: شهادت بر عقد جایز نیست اگر چه پیش از احرام شاهد شده باشد.آیهٔاللّٰه بهجت و مکارم: به احتیاط واجب جایز نیست.آیهٔاللّٰه تبریزی، خویی: بعضی از فقها فرموده‌اند که گواهی بر عقدی که قبلًا واقع شده نیز بر محرم حرام است ولی دلیلش ظاهر نیست

۳- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: در صورتی که زن محرم باشد و مرد محرم نباشد این عقد باطل است و چنانچه زن عالم به حکم بوده، موجب حرمت ابدی می‌شود. البته آیهٔاللّٰه سیستانی، فاضل: حرمت ابدی را مبنی بر احتیاط می‌دانند.آیهٔاللّٰه صافی و گلپایگانی: احتیاط واجب آن است که دیگر با او ازدواج نکند، بلکه عدم جواز خالی از قوت نیست

۴- آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری: بنابر احتیاط واجب نباید خواستگاری کند

[۱۸۲] م- رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانع ندارد.(م ۳۴۸)

نگاه کردن به همسر از روی شهوت

[۱۸۳] م- جایز نیست محرم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند. (۱)(دوم از محرمات احرام)

[۱۸۴] م- اگر محرم نگاه کند به زن خود از روی شهوت و انزالش شود، مشهور (۲) آن است که یک شتر کفاره است، ولی اگر از روی شهوت نباشد کفاره ندارد (۳).(م ۳۲۱)

[۱۸۵] م- اگر عمداً نگاه کند به غیر زن خود (۴) و انزالش شود (۵) احوط (۶) آن است که اگر می‌تواند یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی‌تواند یک گاو و اگر آن را هم نمی‌تواند یک گوسفند کفاره بدهد.(م ۳۲۰)

[۱۸۶] م- محرم نمی‌تواند زن خود را با شهوت لمس(دست بازی کردن) کند و اگر کسی با زن دست بازی کند به شهوت و انزال نشود یک گوسفند کفاره آن

۱- آیهٔالله سیستانی: این در صورتی است که موجب خروج منی شود و احتیاط مستحب آن است که اگر نگاه با شهوت موجب خروج منی نشود از آن هم پرهیز کند

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی، فاضل: باید یک شتر کفاره بدهد

۳- آیهٔالله مکارم: اگر از روی شهوت نگاه کند و منی خارج نشود یک گوسفند کفاره دارد.(جامع الفتاوی م ۱۹۳)آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی: اگر از روی شهوت باشد و منی انزال نشود کفاره ندارد

۴- آیهٔالله بهجت و سیستانی: در صورتی که نگاه او حرام باشد

۵- آیهٔالله بهجت، سیستانی: و اگر انزال نشود کفاره ندارد

۶- آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: اقوی آن است که ...

است و اگر انزال شود احتیاط (۱) آن است که یک شتر کفاره بدهد اگر چه کفایت گوسفند خالی از قوت نیست.(دوم ازمحرمات احرام و م ۳۲۲)

[۱۸۷] م- اگر محرم با زن خود ملاعبه کند و منی از او خارج شود باید یک شتر کفاره بدهد. (۲)(جامع الفتاوی م ۱۹۶) و(حاشیه م ۳۲۲ مناسک محشی)

بوسیدن زن

[۱۸۸] م- جایز نیست محرم زن را از روی شهوت ببوسد و اگر زنی را از روی شهوت ببوسد کفاره آن یک شتر (۳) است و اگر بدون شهوت ببوسد (۴) کفاره آن یک گوسفند (۵) است و احتیاط مستحب آن است که یک شتر کفاره بدهد.

[۱۸۹] م- شخص مُحِلّ می‌تواند (۶) همسر محرم خود را ببوسد ولی اگر فرد محرم لذت ببرد بنابر احتیاط نباید اجازه بدهد. (۷)(م ۴۹۴- ۴۹۳)

۱- آیـةاللَّه صافی، گلپایگانی: در صورت انزال واجب است یک شتر کفاره بدهـد.آیـةاللَّه فاضل، مکارم، نوری: بنابر احتیاط واجب یک شتر کفاره بدهد.آیةاللَّه خامنه‌ای: کفاره ملاعبه منتهی به امناء در حال احرام یک شتر است

۲- موافق بـا فتـاوای آیـات عظـام بهجت، تبریزی، خـامنه‌ای، خویی، سیسـتانی، صافی، گلپایگانی: فتاوای بقیه آیات عظام در دسـت نیست

۳- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیسـتانی، فاضل: در صورتی که منی خارج شود یک شتر لازم است.آیةاللَّه بهجت و خویی اضافه فرموده‌اند: و اگر منی خارج نشود بنابر احتیاط واجب یک شتر کفاره بدهد

۴- آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: و یا با شهوت ببوسد و منی خارج نشود

۵- آیةاللَّه گلپایگانی: در این صورت کفاره دادن شتر خالی از قوت نیست.آیات عظام بهجت، سیسـتانی، صافی، نوری: بنابر احتیاط واجب یک شتر باید کفاره بدهد

۶- آیةاللَّه سیستانی جایز نیست

۷- آیات عظام بهجت، سیستانی، صافی، گلپایگانی: دراین فرض زن نباید اجازه دهد

جماع کردن

جماع کردن با زن در حال احرام بلکه هر نحو لذت و تمتعی بردن (۱) حرام است.(دوم از محرمات احرام)

[۱۹۰] م- اگر کسی از روی علم و عمداً در عمره مفرده جماع نماید (۲) باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی‌تواند (۳) یک گوسفند کافی است. و چنانچه این عمل پیش ازسعی باشد باید آن عمره را تمام کند و تا ماه قمری بعد (۴) در مکه بماند سپس به یکی از مواقیت پنج گانه (۵) رفته و احرام ببندد و عمره قبل را اعاده نماید و اگر بعد از سعی باشد عمره‌اش صحیح است.(جامع الفتاوی م ۱۹۹)

استمناء

[۱۹۱] م- استمناء یعنی طلب بیرون آمدن منی به دست یا غیر آن، هر چند به خیال باشد، یا به بازی کردن با زن خود یا کس دیگر به هر نحو باشد. پس اگر منی خارج شود کفاره آن یک شتر (۶) است و احتیاط واجب آن است که در جایی که

۱- آیهٔ‌اللّٰه صافی، گلپایگانی: برای زنان همین حکم نسبت به مردان صادق است.آیهٔ‌اللّٰه تبریزی، خویی، سیستانی: محرم می‌تواند از همنشینی و صحبت و مانند آن با عیال خود لذت ببرد ولی احتیاط مستحب ترک استمتاع است مطلقاً

۲- آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی: متذکر این مسأله نشده‌اند

۳- آیهٔ‌اللّٰه بهجت: اگر نمی‌تواند یک گاو و اگر نمی‌تواند یک گوسفند کفاره بدهد.آیهٔ‌اللّٰه فاضل و مکارم: متذکر فرض عجز از شتر نشده‌اند

۴- آیهٔ‌اللّٰه بهجت: ماندن در مکه تا ماه قمری بعد را قید نفرموده‌اند

۵- آیهٔ‌اللّٰه فاضل: در صورتی که برای احرام عمره اول از ادنی الحل محرم شده باشد برای احرام عمره دوم نیاز نیست به یکی از مواقیت معروفه برود و ادنی الحل کافی است.آیهٔ‌اللّٰه مکارم و بهجت: احرام از ادنی الحل کافی است

۶- (تذکر: آیات عظام غیر از آیهٔ‌اللّٰه سیستانی و فاضل فقط استمناء در حج و عمره تمتع را متذکر شده‌اند و استمناء در عمره مفرده، از کلمات آنها استفاده نمی‌شود، چون قید قبل از مزدلفه و بعد از مزدلفه را آورده‌اند)آیهٔ‌اللّٰه خامنه‌ای: و در فرض عجز یک گوسفند است.آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: کفاره آن مانند کفاره جماع است.آیهٔ‌اللّٰه سیستانی: استمناء با عضو تناسلی در عمره مفرده، حکم جماع در عمره مفرده را دارد بنابر احتیاط واجب

جماع موجب بطلان است استمناء نیز موجب بطلان (۱) باشد به نحوی که در جماع گفته شد.

کندن دندان

[۱۹۲] م- کندن دندان بر محرم جایز نیست (۲) هر چند خون نیاید بنابر

۱- آیـهٔاللّه خـامنه‌ای: اگر اسـتمناء با کاری است که او با خود انجام می‌دهـد حکم جماع را دارد و اگر اسـتمناء به وسـیله همسـرش انجـام شـده احتیـاط واجب آن است که به حکم جماع عمل کنـد.آیـهٔاللّه تبریزی، خویی: اگر اسـتمناء به صورت بازی با آلت بوده حکم جمـاع را دارد و اگر بـدون بازی با آلت بوده بنابر اظهر، حـج و عمره‌اش فاسـد نخواهـد شـد، هر چنـد احتیاط در اعاده خوب است.آیهٔاللّه سیسـتانی: استمناء با عضو تناسـلی در عمره مفرده، حکم جماع در عمره مفرده را دارد بنابر احتیاط واجب و اسـتمناء به وسـیله بوسـیدن و یـا ملاـعبه و نگاه و دست زدن حکمش در مسائل قبل گـذشت که مبطل عمره نیست و اسـتمناء به وسـیله تصور و خیـال و یا شـنیدن صـدای زن وماننـد آن بر محرم حرام است ولی کفاره نـدارد و مبطل نیست.آیـهٔاللّه فاضل: ظاهراً اسـتمناء موجب بطلان نمی‌شود و استمناء زن نیز مانند مرد حرام و کفاره دارد

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: جایز است هر چند خون بیاید.آیهٔاللّه مکارم: اگر خون بیاید مکروه است

احتیاط (۱).(م ۴۶۸ و س ۵۲۴)

[۱۹۳] م- کندن دندان دیگری گرچه موجب خون آمدن شود مانعی ندارد. (۲)(س ۵۲۴)

[۱۹۴] م- برای کندن دندان احتیاط آن است که یک گوسفند کفاره دهد. (۳) هر چند ضرورت داشته باشد.(م ۴۶۸ و س ۵۲۵)

بیرون آوردن خون

[۱۹۵] م- بیرون آوردن خون از بـدن خود جایز نیست. (۴) و همچنین جایز نیست به مثل خراشیدن بدن، خون از آن بیرون آورد و همین طور به مسواک نمودن (۵)، خون از بُن دندان‌ها بیرون آورد.(م ۴۵۱ و بیستم از محرمات احرام)

[۱۹۶] م- بیرون آوردن خون از بدن دیگری مثل حجامت کردن او یا دندان

۱- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، مکارم: بـدون خون ریزی حرام نیست.آیـۀاللّٰه صافی و گلپایگانی: کندن دندان حرام است هر چند خون نیاید

۲- آیۀاللّٰه گلپایگانی متعرض این فرع نشده‌اند

۳- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیسـتانی، مکارم: کفاره نـدارد.آیـۀاللّٰه خامنه‌ای: بدون خونریزی کفاره ندارد و با خونریزی در صورتی که کشیدن دندان ضرورت پیدا کند احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند کفاره دهد

۴- آیـۀاللّٰه بهجت: کاری که می‌دانـد موجب خروج خون از بـدن می‌شود جایز نیست.آیـۀاللّٰه سیسـتانی: بنابر احتیاط واجب.آیـۀاللّٰه مکارم: در غیر حال احتیاج و ضرورت مکروه است.(از اینجا حکم مسائل بعدی روشن می‌شود)

۵- آیـۀاللّٰه بهجت، خویی: بنابر احتیاط واجب.آیات عظام تبریزی، سیسـتانی، مکارم: مسواک کردن عیبی نـدارد گرچه بدانـد خون خارج می‌شود

او را کشیدن حرام نیست (۱).(م ۴۵۰)

[۱۹۷] م- جایز است در حال احتیاج (۲) خون بگیرد به حجامت و غیر آن و همین طور خون دمل را بیرون آوردن در حال احتیاج و خاریدن جَرَب در صورتی که موجب آزار است اگر چه از آن خون در آید. و نیز تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می‌شود تزریق نکند (۳) مگر در مورد حاجت و ضرورت.(م ۴۸۷- ۴۵۲)

[۱۹۸] م- خون از بدن در آوردن کفاره ندارد. (۴)(م ۴۵۳)

جدال

(یعنی گفتن لا واللَّه و بلی و اللَّه)

[۱۹۹] م- گفتن کلمه لاـ و کلمه بلی و در سایر لغات مرادف آن (۵) مثل نه و آری دخالتی در جدال ندارد بلکه قسم خوردن در مقام اثبات مطلب یا

۱- آیۀاللَّه سیستانی: اگر آن دیگری محرم باشد احتیاط مستحب ترک است و بر خود آن محرم جایز نیست بنابر احتیاط واجب

۲- آیۀاللَّه خویی: در حال ضرورت یا رفع ناراحتی

۳- آیۀاللَّه سیستانی: بنابر احتیاط جایز نیست مگر در حال ضرورت

۴- آیۀاللَّه تبریزی: کفاره‌اش بنابر احتیاط یک گوسفند است..آیات عظام خویی، خامنه‌ای، سیستانی: بنابر احتیاط مستحب کفاره‌اش یک گوسفند است

۵- آیـۀاللَّه فاضـل: در مرادف اشـکال است و ظـاهراً در جـدال محرّم خصوص لفـظ لاـ و بلی دخالت دارد. و نیز ظاهر کلام آیـۀاللَّه خویی دخالت داشتن کلمه لا و بلی است..آیۀاللَّه تبریزی: احتیاط این است که به غیر این دو کلمه نیز قسم نخورد و نیز با الفاظی که مترادف آنهاست، از هر لغتی که باشـد.آیـۀاللَّه گلپایگانی: بنابر احتیاط لازم گفتن کلمه آری و اللَّه و بله واللَّه و نه واللَّه ملحق به آن است

ردّ غیر جدال است. (۱)(م ۳۷۳)

[۲۰۰] م- قسم اگربه لفظ اللَّه باشد یا مرادف آن مثل خدا در زبان فارسی (۲)، جدال است و اما قسم به غیر خدا به هر کس باشد ملحق به جدال نیست.(م ۳۷۴)

[۲۰۱] م- احتیاط واجب (۳) الحاق سایر اسماء اللَّه است به لفظ جلاله پس اگر کسی قسم بخورد به رحمان و رحیم و خالق سماوات و ارض جدال محسوب می‌شود به احتیاط واجب.(م ۳۷۵)

[۲۰۲] م- در مقام ضرورت (۴)، برای اثبات حقی یا ابطال باطلی جایز است قسم بخورد به جلاله و غیر آن.

[۲۰۳] م- اگر مراد قسم خوردن نباشد بلکه قصدش اظهار محبت یا تعظیم باشد مثل این که بگوید تو را به خدا زحمت نکشید اشکال ندارد.(م ۳۷۳ و حاشیه م ۳۷۶)

[۲۰۴] م- اگر در جدال راستگو باشد، در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست

۱- آیةاللَّه سیستانی: به گفته بعضی از فقهاء جدال با قسم راست محقق نمی‌شود مگر این که سه مرتبه پی در پی باشد و این گفته خالی از وجه نیست گرچه احتیاط ترک آن است حتی یکبار.(م ۳۷۷)

۲- آیةاللَّه فاضل: مرادف اللَّه به هر زبانی که باشد جدال محرّم نمی‌باشد.آیةاللَّه بهجت: اگر قسم به لفظ جلاله نباشد اظهر عدم الحاق به جدال محرّم است. و اگر لفظ جلاله باشد حرام با آن محقق می‌شود، هر چند لفظ لا و بلی نباشد.آیةاللَّه خویی: بنابر احتیاط واجب مرادف اللَّه به هر زبانی ملحق است

۳- آیةاللَّه بهجت، فاضل: جدال محسوب نمی‌شود.آیةاللَّه سیستانی: جدال محسوب می‌شود

۴- آیةاللَّه سیستانی: از حرمت جدال استثناء می‌شود موردی که ترک آن مستلزم ضرری بر ملکف باشد، مثلًا حق او را پایمال کنند

مگر استغفار و در سه مرتبه (۱) یا بیشتر (۲) کفاره آن یک گوسفند است مگر آن که بعد از سه مرتبه کفاره بدهد که در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند به راست باید یک گوسفند ذبح کند. (۳)(م ۳۷۷– ۳۸۱)

[۲۰۵] م- اگر در جدال دروغگو باشد احتیاط واجب آن است که در یک مرتبه یک گوسفند کفاره بدهد و در دو مرتبه یک گاو و در سه مرتبه یک شتر (۴) بلکه خالی از قوت نیست.(م ۳۷۸)

[۲۰۶] م- اگر در جدال دروغ در دفعه اول یک گوسفند کفاره ذبح کند بعید (۵)

۱- آیۀاللّٰه سیستانی و بهجت: اگر سه بار پی در پی باشد. آیۀاللّٰه بهجت اضافه فرموده‌اند: و در حکم غیر صورت تتابع در فرض عدم تکفیر تأمل است

۲- آیۀاللّٰه خویی: در جدال راست از بار سوم به بعد هر بار یک گوسفند کفاره بدهد.آیۀاللّٰه گلپایگانی: متعرّض مسأله نشده‌اند.آیۀاللّٰه سیستانی: اگر پس از سه بار قسم خوردن پی در پی یا بیشتر و پس از فاصله سه بار دیگر پشت سر هم یا بیشتر قسم بخورد باید دو کفاره بدهد

۳- آیۀاللّٰه فاضل: ثبوت کفاره محل اشکال است

۴- آیۀاللّٰه بهجت: در مرتبه سوم، تخییر میان گاو و شتر خالی از وجه نیست و در مرتبه دوم بنابر احتیاط یک گاو کفاره بدهد.آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در مرتبه دوم یک گوسفند دیگر(آیۀاللّٰه تبریزی بنابر احتیاط) و در مرتبه سوم یک گاو کفاره بدهد.(از اینجا حکم مسائل بعدی روشن می‌شود.)آیۀاللّٰه فاضل: به احتیاط واجب در مرتبه دوم یک گاو و در مرتبه سوم یک شتر کفاره بدهد.آیۀاللّٰه مکارم: این قول موافق با احتیاط است

۵- آیۀاللّٰه گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.آیۀاللّٰه فاضل: بلکه بعید نیست کفاره‌اش یک گاو باشد.آیۀاللّٰه مکارم: بعید است، پس احتیاطاً باید یک گاو بدهد

نیست که اگر بعد از آن جدال کند به دروغ، کفاره آن یک گوسفند باشد نه گاو.(م ۳۷۹)

[۲۰۷] م- اگر در جدال به دروغ دو مرتبه جدال کرد و یک گاو ذبح کرد برای کفاره و بعد یک مرتبه دیگر جدال کرد به دروغ، ظاهراً یک گوسفند (۱) کفاره است و اگر بعد از ذبح گاو دو مرتبه دروغ گفت و جدال کرد ظاهراً یک گاو کفاره (۲) آن است.(م ۳۸۰)

فسوق

یکی دیگر از محرمات احرام فسوق است.

[۲۰۸] م- فسوق اختصاصی به دروغ گفتن (۳) ندارد بلکه فحش دادن و فخر به (۴)

۱- آیةاللّه تبریزی: باید یک گاو کفاره بدهد و گاوی راکه قبلًا ذبح کرده کافی نیست زیرا چنانچه گذشت در مرتبه دوم باید گوسفند ذبح کند. بله اگر بار دوم که جدال کرد و گوسفند ذبح کرد برای بار سوم فقط یک گوسفند بدهد و برای بیشتر از سه بار هر بار یک گوسفند بدهد و اگر بعد از دادن دو گوسفند سه مرتبه یا بیشتر جدال کرد یک گاو باید ذبح کند.آیةاللّه فاضل: بعید نیست کفاره‌اش یک شتر باشد

۲- آیةاللّه سیستانی: به حاشیه مسائل قبل مراجعه شود.آیةاللّه فاضل: بعید نیست کفاره‌اش دو شتر باشد.آیةاللّه مکارم: مانند مسأله قبل است.آیةاللّه گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.آیةاللّه خویی: درجدال دروغ از مرتبه سوم به بعد برای هر بار یک گاو باید بدهد و فرقی نمی‌کند که بین آن کفاره داده باشد یا نه

۳- آیةاللّه بهجت: دروغ گفتن و دشنام دادنی که بر غیر محرم حرام است و نیز مفاخرتی که بر غیر محرم حرام است مراد است

۴- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: فخرکردن در صورتی که مستلزم اهانت و تحقیر دیگران نباشد حرام نیست

دیگران نیز فسوق است و از برای فسوق کفاره نیست فقط باید استغفار کند و مستحب است چیزی کفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است.(م ۳۷۲)

کشتن جانوران و حشرات

[۲۰۹] م- کشتن جانوارانی که در بدن ساکن می شوند. [(۱)](1) (کشتن حشراتی که روی بدن قرار می‌گیرد) مثل شپش و کک و کنه [(۲)](2) که در بدن حیوان است بر محرم حرام می‌باشد ولی کشتن جانورانی مثل مارمولك و نظائر آن از محرمات احرام محسوب نمی‌شود [(۳)](3)(مناسک دوازدهم از محرمات احرام و س ۴۹۱)

[۲۱۰] م- جایز نیست [(۴)](4) انداختن شپش و كك از بدن و جایز نیست [(۵)](5) نقل کردن آن از مکانی که محفوظ است به جایی که از آن ساقط شود و بیفتد و احتیاط آن است که به محلی که در معرض آن است که بیفتد نقل ندهد. و احتیاط مستحب [(۶)](6)

۱- آیهٔاللّه فاضل: بدن انسان یا حیوان

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: کشتن شپش در حال احرام جایز نیست ولی در مورد پشه و کک احتیاط واجب نکشتن آنها است اگر ضرری متوجه انسان نباشد، اما تاراندن آنها جایز است

۳- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی: جایز نیست مگر محرم را اذیّت کند.آیهٔاللّه مکارم: کشتن هیچ حیوانی بنابر احتیاط واجب جایز نیست مگر حیوان موذی.آیهٔاللّه بهجت: اشکال دارد.آیهٔاللّه گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند

۴- آیات عظام بهجت، سیستانی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: بنابر احتیاط واجب جایز نیست

۵- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی فرموده‌اند: نقل آنها اشکال ندارد.آیهٔاللّه فاضل: درغیر شپش احتیاط واجب در عدم نقل است.آیهٔاللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب نقل جایز نیست

۶- آیهٔاللّه صافی، گلپایگانی: نباید آن را از محلی ....آیهٔاللّه مکارم، نوری: بنابر احتیاط واجب

آن است که آن را از محلی به محل دیگر از بدن نقل ندهند اگر مکان اول محفوظتر باشد.(م ۳۸۳- ۳۸۴- ۳۸۵)

[۲۱۱] م- بعید نیست که در کشتن یا نقل دادن این حشرات کفاره نباشد لیکن احتیاط (۱) یک کف طعام صدقه بدهد.(م ۳۸۶)

شکار حیوانات صحرایی

[۲۱۲] م- شکار کردن حیوانی که وحشی است و همین طور کشتن و مجروح ساختن بلکه هر نوع اذیت آن بر محرم حرام است.(م اول از محرمات احرام و جامع الفتاوی م ۲۲۴)

[۲۱۳] م- جایز نیست شکار و کشتن حیوان صحرایی مگر در صورتی که ترس داشته باشد از آزار آن.(م اول از محرمات احرام)

[۲۱۴] م- خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است چه خودش شکار کند یا غیر خودش، چه محرم شکار کند یا غیر محرم (۲)(م ۳۰۴)

[۲۱۵] م- نشان دادن شکار به شکارچی حرام است و همین طور اعانت او به هر نحوی حرام است.(م ۳۰۵)

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، مکارم، نوری: بنابر احتیاط باید یک مشت از طعام به فقیر کفاره بدهد.آیهًاللَّه فاضل: این احتیاط در کشتن یا انداختن شپش واجب است.آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: در قتل زنبور باید چیزی از طعام صدقه بدهد.(م حاشیه م ۳۱۰ و جامع الفتاوی م ۲۲۳)

۲- آیهًاللَّه سیستانی: حتی اگر غیر محرم آن را در غیر محرم شکار کرده باشد.آیهًاللَّه مکارم: خواه قبل از احرام خودش شکار کرده باشد یا نه

[۲۱۶] م- شکار دریایی مانع ندارد و آن حیوانی است که تخم و جوجه هر دو را در دریا کند. (۱)(م ۳۰۷)

[۲۱۷] م- ذبح و خوردن حیوانات اهلی مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد.(م ۳۰۸)

[۲۱۸] م- پرندگان جزو شکار صحرایی می‌باشند و ملخ نیز در حکم شکار صحرایی است.(م ۳۰۹)

[۲۱۹] م- کشتن ملخ برای محرم جایز نیست بنابراین اگر از راهی بگذرد که ملخ در آن است چنانچه می‌تواند راه خود را تغییر دهد و اگر نمی‌تواند باید مواظب باشد ملخ‌ها را پایمال ننماید ولی در صورت ناچاری و مشقت و عسر و حرج اشکال ندارد.(جامع الفتاوی م ۲۳۱ و مناسک م ۳۰۹)

[۲۲۰] م- هر شکاری که حرام است جوجه و تخم آن نیز حرام است (۲)(م ۳۱۳)

[۲۲۱] م- نگاه داشتن صیدی که با خود آورده حرام است اگر چه خودش مالک آن باشد.(م ۳۱۱)

[۲۲۲] م- شکار کردن حیوان صحرایی در حرم و کشتن آن جایز نیست و در این حکم فرقی میان محرم و غیر محرم نیست.(م ۱۱۷۹)

۱- آیات عظام تبریزی، سیستانی، گلپایگانی، نوری: حیوان دریایی آن است که در دریا و در آب زندگی کند.آیهٔاللّٰه فاضل: به نظر عرف زندگی او در دریا باشد.آیهٔاللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب در دریا زندگی کند

۲- آیهٔاللّٰه سیستانی: و به احتیاط واجب نباید دیگری را در برداشتن و خوردن تخم آنها کمک کند

سلاح در برداشتن

[۲۲۳] م- سـلاح در برداشـتن بنـابر احوط (۱) مثـل شمشـیر و نیزه و تفنـگ و هر چـه از آلاـت جنگ باشـد جـایز نیست مگر برای ضرورت.

کندن درخت و گیاه در حرم

[۲۲۴] م- کنـدن و بریـدن درخت یا گیاهی که در حرم روییده باشد (۲) جـایز نیسـت و این حکم مختص به محرم نیست بلکه برای همه حرام است مگر درخت‌هـای (۳) میوه و درخت خرمـا و گیـاه اذخر که گیـاه معروفی است از این حکم مستثنی است و قطع آن مانع ندارد.(م ۴۷۳- ۴۷۸ و بیست و سوّم از محرمات احرام)

[۲۲۵] م- اگر به نحو متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود اشکالی ندارد (۴).(م ۴۷۹)

[۲۲۶] م- اگر درختی را که جایز نیست کندنش بکند احتیاط (۵) آن است که اگر

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، خامنه‌ای، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: سلاح در برداشتن بر محرم حرام است

۲- آیهٔاللّٰه سیستانی: ونیز اگر اصل آن خارج حرم باشد و شاخه‌های آن در حرم باشد یا به عکس

۳- آیـهٔاللّٰه فاضل: تنها شاخه‌هایی که در کمیّت یا کیفیّت میوه‌ها تأثیر می‌گـذارد را می‌توانـد قطع کنـد.آیـهٔاللّٰه مکارم: قطع درختان میوه اگر خودرو باشد خالی از اشکال نیست

۴- آیهٔاللّٰه بهجت: اگر علم به قطع شدن دارد و بدون ضرورت راه برود اشکال دارد

۵- آیـهٔاللّٰه سیسـتانی، خویی: کفاره کنـدن درخت از بیـخ، قیمت همان درخت است.آیهٔاللّٰه سیسـتانی: بنابر احتیاط، کفاره کندن هر درختی قیمت همـان درخت است.آیـهٔاللّٰه صـافی: اگر گـاو یا گوسـفند را به قصـد مافی الذمـهٔ از عین آنها یا قیمت درخت بدهـد و قیمت درخت بیشتر نباشد کافی است

بزرگ باشد یک گاو کفاره بدهد و اگر کوچک باشد یک گوسفند (۱) و اگر بعضی از درخت را قطع کند اقوی آن است که قیمت آن را کفاره بدهد.(م ۴۷۴- ۴۷۵)

[۲۲۷] م- در قطع گیاه‌ها کفاره نیست بجز استغفار.(م ۴۷۶)

ارتکاب محرمات احرام از روی جهل یا فراموشی

[۲۲۸] م- کفاره محرمات احرام در صورتی واجب است که آن حرام با علم و عمداً انجام شود ولی اگر به جهت جهل به مسأله یا فراموشی یا غفلت باشد کفاره ندارد مگر در موارد ذیل:

۱- صید که در هر صورت کفاره دارد.

۲- کسی که طواف عمره یا حج را فراموش کند و پس از آن با زن نزدیکی کند. که کفاره آن خواهد آمد.

۳- کسی که دست به سر و ریش خود بکشد و یک مو یا بیشتر بیفتد. (۲)(م ۱۳۲۰- ۱۱۸۷- س ۵۰۱- م ۳۲۳)

مستحبات ورود به حرم

۱- همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و جهت ورود به حرم، غسل نماید.

۲- از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق- جلّ و علا- پابرهنه شده و کفش‌های خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

۱- آیهًاللّه مکارم: احتیاط در هر دو صورت یک گاو است

۲- نظر آیات عظام در زدودن مو گذشت

۳- وقت ورود به حرم این دعا را بخواند:

«اللّهُمَّ إِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتابِکَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ: وَأَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا وَعَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمیقٍ. اللّهُمَّ إِنّی ارْجُو انْ اکُونَ مِمَّنْ اجابَ دَعْوَتَک، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعیدَةٍ وَفَجٍّ عَمیقٍ سامِعاً لِنِدائِکَ وَمُسْتَجِیباً لَکَ مُطیعاً لِأمْرِکَ وَکُلُّ ذلِکَ بِفَضْلِکَ عَلَیَّ وَاحْسانِکَ إِلَیَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی ما وَفَّقْتَنِی لَهُ أَبْتَغِیْ بِذلِکَ الزُّلْفَةَ عِنْدَکَ وَالْقُرْبَةَ إِلَیْکَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَیْکَ وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِی وَالتَّوْبَةَ عَلَیَّ مِنْها بِمَنِّکَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِی عَلَی النَّارِ وَآمِنِّی مِنْ عَذابِکَ وَعِقابِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ».

۴- وقت ورود به حرم مقداری از گیاه مخصوصی به نام اذخر گرفته و بجود.

مستحبات ورود به مکه معظّمه

[۲۲۹] م- برای ورود به مکه معظّمه نیز مستحب است مکلّف غسل نماید و هنگامی که وارد مکه می‌شود با حالت تواضع وارد شود و کسی که از راه مدینه می‌رود، از بالای مکه وارد شده و وقت بیرون آمدن از پائین آن بیرون آید.

آداب ورود به مسجدالحرام

[۲۳۰] م- مستحب است مکلّف برای‌ورود به مسجدالحرام غسل نماید. (۱) و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در «بنی‌شیبه» وارد شود و گفته‌اند که باب بنی‌شیبه در حال حاضر مقابل باب السلام است بنابراین بهتر آن است شخص از باب‌السلام وارد شده و

۱- آیهٔ اللَّه سیستانی: استحباب این غسل ثابت نیست. مگر برای طواف باشد

مستقیماً بیاید تا از ستون‌ها بگذرد.

مستحب است بر در مسجدالحرام ایستاده و بگوید:

«السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّها النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، بِسْمِ اللَّه وَبِاللَّهِ وَما شاءَ اللَّهُ، السَّلامُ عَلی أَنْبیاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی إِبْراهِیمَ خَلِیْلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ‌الْعالَمِینَ».

و در روایت دیگری وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَی اللَّهِ وَما شاءَ اللَّهُ وَعَلی مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَخَیْرُ الْأَسْماءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی مُحَمَّدْ بِنْ عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلی أَنبیاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلامُ عَلی خَلِیْلِ اللَّهِ الرَّحمنِ، السَّلامُ عَلَی الْمُرسَلِینَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ، السَّلامُ عَلَیْنا وَعَلی عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحینَ، أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّد وَبارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحِمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّد کَما صَلَّیْتَ وَبارَکْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلی إِبْراهِیمَ وَآلِ إِبْراهیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیْدٌ، أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ، أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی إِبْراهِیْمَ خَلِیلِکَ وَعَلی أَنْبیائِکَ وَرُسُلِکَ وَسَلِّمْ عَلَیْهِمْ، وَسَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ، أَللَّهُمَّ افْتَحْ لِی أَبْوابَ رَحْمَتِکَ وَاسْتَعْمِلْنِی فی طاعَتِکَ وَمَرْضاتِکَ وَاحْفَظْنِی بِحِفْظِ الْإِیمانِ أَبَداً ما أَبْقَیْتَنی جَلَّ ثَناءُ وَجْهِکَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی جَعَلَنی مِنْ وَفْدِهِ وَزُوّارِهِ وَجَعَلَنی مِمَّنْ یَعْمُرُ مَساجِدَهُ، وَجَعَلَنی مِمَّنْ یُناجِیهِ، أَللَّهُمَّ إِنِّی عَبْدُکَ وَزائِرُکَ فی بَیْتِکَ وَعَلی کُلِّ مَأتِیٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتاهُ وَزارَهُ، وَأَنْتَ خَیْرُ مَأتِیٍّ وَأَکْرَمُ مَزُورٍ فَأَسْأَلُکَ یا اللَّهُ یا رَحْمنُ بِأَنَّکَ أَنتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّاأَنْتَ

وَحْدَکَ لا شَرِیکَ لَکَ بِأَنَّکَ واحِدٌ احَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ(لکَ خ ل) کُفُواً أحَدٌ، وَأنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَعَلی أهْلِ بَیْتِهِ یا جَوادُ یا کَرِیمُ یا ماجِدُ یا جَبَّارُ یا کَرِیمُ أسْأَلُکَ أنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَکَ إیّایَ بِزِیارَتی إیَّاکَ أوَّلَ شیءٍ تُعْطِیَنِی فَکاکَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ».

پس سه مرتبه بگوید:

«أللَّهُمَّ فُکَّ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ».

پس می گوید:

«وَأوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ الطَّیِّبِ وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ شَیاطِیْنِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دست‌ها را بلند کرده، بگوید:

«اللَّهُمَّ إنّی أسْأَلُکَ فی مَقامی هذا وَفی أوَّلِ مَناسِکِی أنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِی وَأنْ تَتَجاوَزَ عَنْ خَطِیئَتی وَأنْ تَضَعَ عَنِّی وِزْری، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی بَلَّغَنِی بَیْتَهُ الْحَرامَ أللَّهُمَّ إنّی أشْهَدُ أنَّ هذا بَیْتُکَ الْحَرامُ الَّذی جَعَلْتَهُ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَأمْناً مُبارَکاً وَهُدیً لِلْعالَمینَ أللَّهُمَّ إنِّی عَبْدُکَ وَالْبَلَدَ بَلَدُکَ وَالْبَیْتَ بَیْتُکَ جِئْتُ أطْلُبُ رَحْمَتَکَ وَأؤُمُّ طاعَتَکَ مُطِیْعاً لِأمْرِکَ راضِیاً بِقَدَرِکَ أسْأَلُکَ مَسْألَةَ الْفَقِیْرِ إلَیْکَ الْخائِفِ لِعُقُوبَتِکَ أللَّهُمَّ افْتَحْ لِی أبْوابَ رَحْمَتِکَ واسْتَعْمِلْنِی بِطاعَتِکَ وَمَرْضاتِکَ».

آنگاه به کعبه خطاب کند و بگوید:

«أ لْحَمْدُ للَّهِ الَّذی عَظَّمَكِ وَشَرَّفَكِ وَكَرَّمَكِ وَجَعَلَكِ مَثابَةً لِلنّاسِ وَامْناً مُبارَکاً وَهُدیً لِلْعالَمِیْنَ».

وقتی روبروی حجرالأسود رسید بگوید:

«أشْهَدُ أنْ لاإلهَ إلَّااللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَأنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللّاتِ وَالْعُزّى وَبِعِبادَةِ الشَّيْطانِ وَبِعِبادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و مستحب است رو به حجر الأسود بايستد و بگويد:

«أَلْحَمْدُ للَّهِ الَّذِى هَدانا لِهذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِىَ لَوْ لا أنْ هَدانَا اللَّهُ سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ للَّهِ وَلا إلهَ إلّااللَّهُ وَاللَّهُ أكْبَرُ، اللَّهُ أكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَاللَّهُ أكْبَرُ مِمّا أخْشى وَاحْذَرُ، لا إلهَ إلّااللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيى وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِى وَهُوَ حَىٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ وَبارِكْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأفْضَلِ ما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلى إبْراهِيمَ وَآلِ إبْراهِيمَ إنَّكَ حَمِيْدٌ مَجِيدٌ، وَسَلامٌ عَلى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ أللَّهُمَّ إنِّى اومِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأتَّبِعُ كِتابَكَ».

آنگاه بگويد:

«اللهمّ انّى أومِنُ بِوَعدِكَ وَأُوفى بعهدك».

و در روايت معتبر وارد است كه وقتى كه نزديك حجرالأسود رسيدى، دست‌هاى خود را بلند كن و حمد و ثناى الهى را به‌جا آور و صلوات بر پيغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه كه حج تو را قبول كند. پس از آن، حجر را بوسيده و استلام نما و اگر بوسيدن ممكن نشد استلام نما و اگر آن هم ممكن نشد اشاره به آن كن و بگو:

«أللَّهُمَّ أمانَتِى أدَّيْتُها وَمِيثاقِى تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِى بِالْمُوافاةِ أللَّهُمَّ تَصْدِيقاً بِكِتابِكَ وَعَلى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ أشْهَدُ أنْ لا إلهَ إلّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَأنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطاغُوتِ وَاللّاتِ وَالْعُزّى وَعِبادَةِ الشَّيْطانِ وَعِبادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعى

مِنْ دونِ اللَّهِ».

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«أللَّهُمَّ إلیْکَ بَسَطْتُ یَدِی وَفِیما عِنْدَکَ عَظُمَتْ رَغْبَتِی فَاقْبَلْ سُبْحَتی وَاغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی، أللَّهُمَّ إنّی أعُوذُ بِکَ مِنَ الْکُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَواقِفِ الْخِزْیَ فی الدُّنیا وَالْآخِرَةِ».

تذکر مهم

بوسیدن و استلام حجر الأسود: در صورت مزاحمت و شلوغی مستحب نیست و بنابر روایات معتبر، امام صادق علیه السلام به جهت اجتناب از مزاحمت برای مردم، از استلام حجر، خودداری کرده‌اند. و اگر استلام یا بوسیدن حجر موجب گناه شود، لازم است آن را ترک کند.

طواف و بعضی از احکام آن

اشاره

دوم از واجبات عمره طواف است.

کسی که محرم شد به احرام عمره و وارد مکه معظمه شد، اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است، آن است که، طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره.

[۲۳۱] م- طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن؛ به‌نحوی که خواهد آمد و هر دوری را شوط می گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است.(مناسک، مسأله ۵۳۱)

[۲۳۲] م- طواف از ارکان عمره است و کسی که آن را از روی عمد ترک کند تا وقتی که طواف و اعمال مترتب بر آن را انجام ندهد از احرام خارج نمی‌شود.

چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل باشد.(مناسک، مسأله ۵۳۲- س ۱۸۹- جامع الفتاوای عمره م ۲۴۴)

[۲۳۳] م- اگر از روی سهو ترک کرده طواف را، (۱) لازم است آن را به‌جا آورد هر وقت که باشد، (۲) و اگر برگشته به محل خود و نتواند برگردد به مکه یا مشقت داشته باشد برگشتن، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد. (۳)(مناسک، مسأله ۵۳۵)

۱- آیهٔ اللّٰه سیستانی: یا آن را به طور صحیح انجام نداده

۲- آیهٔ اللّٰه فاضل: و سعی را نیز بنابر احتیاط اعاده کند

۳- آیهٔ اللّٰه مکارم: در این مدّت چیزی بر او حرام نیست

[۲۳۴] م- اگر سعی را به‌جا آورده، پیش از آن‌که طواف را به‌جا آورد، احتیاط واجب (۱) آن است که سعی را هم به‌جا آورد و اگر نماز طواف را به‌جا آورده، باید آن را هم بعد از طواف اعاده کند.(مناسک، مسأله ۵۳۶)

[۲۳۵] م- اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف به‌جا نیاورده، باید رها کند و طواف کند و پس از آن سعی را اعاده کند. (۲)(مناسک، مسأله ۶۳۰)

[۲۳۶] م- اگر شخص محرم به‌واسطه مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند، اگر ممکن است، خودِ او را به یک نحو ببرند (۳) و طواف دهند؛ اگرچه به‌دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد، و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند.(مناسک، مسأله ۵۳۷)

[۲۳۷] م- شخص مریض را که طواف می‌دهند باید مراعات شرایط و احکام

۱- آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، فاضل: باید سعی را بعد از طواف اعاده نماید.آیهٔ اللّٰه مکارم: این احتیاط در مورد سعی، مستحب است

۲- آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: اگر قبل از شوط چهارم سعی، یادش بیاید که طواف به‌جا نیاورده، سعی را رها کند و طواف را به‌جا آورد و سپس سعی را انجام دهد و اگر بعد از اتمام شوط چهارم سعی بوده، آن را قطع کند و بعد از انجام طواف، سعی را اتمام و به احتیاط واجب آن را اعاده نماید

۳- آیهٔ اللّٰه صافی، گلپایگانی: و طوری طواف دهند که پاهایش بر زمین کشیده شود و اگر ممکن نشود، او را توسط دوش یا چیز دیگر طواف دهند و اگر هیچگونه ممکن نشود نایب بگیرد که برای او طواف کند.آیهٔ اللّٰه سیستانی: احتیاط مستحب آن است که به‌طوری او را طواف دهند که پاهایش به زمین کشیده شود.آیهٔ اللّٰه فاضل: و بهتر است در صورت امکان پاهای او به زمین کشیده شود.آیهٔ اللّٰه مکارم: و لازم نیست پاهای او به زمین کشیده شود

طواف را، به مقداری که برای او ممکن است، بکنند.(مناسک، مسأله ۵۳۸)
[۲۳۸] م- در طواف کردن هر طور برود مانع نـدارد، می‌توانـد آهسـته برود و می‌توانـد تنـد برود و می‌توانـد بـدود و می‌تواند سواره طواف کند یا با دوچرخه طواف کند. لیکن بهتر آن است که به‌طور میانه‌روی برود.(مناسک، مسأله ۵۸۶)

شرایط طواف

اشاره

۱- نیت

۲- طهارت

۳- مختون بودن

۴- ستر عورت

۵- شروع طواف از حجرالأسود و ختم به آن

۶- بودن کعبه در طرف چپ طواف‌کننده.

۷- داخل کردن حجر اسماعیل در طواف.

۸- رعایت محدوده طواف

۹- طواف نکردن روی شاذروان

۱۰- موالات.

۱۱- انجام هفت دور نه کمتر نه بیشتر

۱- نیت

باید طواف را با قصد خالص برای خدا به جا آورد.
[۲۳۹] م- در طواف بایـد تعیین کنـد که برای عمره است یـا حـج و یـا طواف مسـتحب است و قصـد نیـابت کنـد اگر طوافش نیـابی است.(جامع الفتاوی عمره م ۲۵۲)

[۲۴۰] م- نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذراند، بلکه همان‌که بنا دارد این عمل را به‌جا آورد و با این بنا به‌جا آورد، کفایت می‌کند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر، در این جهت فرق ندارد. پس همانطور که انسان با قصد آب می‌خورد و راه می‌رود عبادت را اگر همانطور به‌جا آورد با نیت به‌جا آورده.(مناسک، مسأله ۵۳۹)

[۲۴۱] م- باید عبادت را برای اطاعت خدا بجا آورد و در این جهت با کارهای دیگر فرق پیدا می‌کند. پس باید طواف را برای اطاعت خداوند به‌جا آورد. (۱)(مناسک، مسأله ۵۴۰)

[۲۴۲] م- اگر در به‌جا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج که عبادی است ریا کند؛ یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل خود را خوب جلوه دادن به‌جا آورد، طواف او و همینطور هرچه را اینطور به‌جا آورده باطل است و در این عمل معصیت خدا را هم کرده است.(مناسک، مسأله ۵۴۱)

[۲۴۳] م- ریا بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال، باعث بطلان عمل نمی‌شود.(مناسک، مسأله ۵۴۲)

[۲۴۴] م- کفایت می‌کند در صحیح بودن عمل، آن‌که برای خدا بیاورد یا برای اطاعت امر خدا، یا برای ترس از جهنم یا برای رسیدن به بهشت و ثواب. (۲)(مناسک، مسأله ۵۴۳)

[۲۴۵] م- اگر در عملی که برای خدا می‌آورد، رضای دیگری را هم شرکت دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است.(مناسک، مسأله ۵۴۴)

۱- آیهٔ اللّٰه سیستانی: در عبادت معتبر است که برای تذلّل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام داده شود؛ خواه اطاعت صدق کند یا نکند

۲- آیهٔ اللّٰه سیستانی: در فرض صدق معیار مذکور در حاشیه قبلی

۲- طهارت

اشاره

طواف کننده باید طاهر باشد از حدث اکبر؛ مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر؛ یعنی باید با وضو باشد. (۱) [۲۴۶] م- طهارت از حدث اکبر و اصغر در طوافِ واجب شرط است؛ چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء، حتی در عمره و حجّ مستحب، که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند.(مناسک، مسأله ۵۴۵)
[۲۴۷] م- طهارت از حدث اکبر و اصغر، در طواف مستحبی شرط نیست، لیکن کسی که جنب یا حایض است جایز نیست در مسجد الحرام وارد شود، ولی اگر غفلتاً یا نسیاناً طواف مستحب کرد صحیح است. (۲)(مناسک، مسأله ۵۴۶)
[۲۴۸] م- اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف واجب کند، باطل است؛ چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا ندانستن مسأله باشد.(مناسک، مسأله ۵۴۸ و ۵۴۵)
[۲۴۹] م- اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل، (۳) واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل. (۴)(مناسک، مسأله ۵۵۲)
[۲۵۰] م- اگر تیمم کرد بدل از غسل و حدث اصغر عارض شد، (۵) برای حدث

۱- آیهٔ اللّه نوری: و اگر وضو ممکن نیست تیمّم کند

۲- آیهٔ اللّه فاضل: یا جهلًا.آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر مشهور، در طواف مستحبی، طهارت از حدث اکبر شرط نیست

۳- آیهٔ اللّه تبریزی، مکارم: اگر عذر داشته باشد و نتواند صبر کند تا عذر برطرف شود

۴- آیهٔ اللّه صافی، گلپایگانی: در غسل غیر جنابت، علاوه بر تیمم بدل از غسل، در صورت تمکن باید وضو هم بگیرد و گرنه باید یک تیمم دیگر به جای وضو به جا آورد و جنب متیمم بنابر احتیاط مستحب نایب هم بگیرد

۵- آیهٔ اللّه بهجت: احوط جمع بین وضو یا تیمّم بدل از آن و تیمّم بدل از حدث اکبر است

اکبر لازم نیست تیمم کنـد، بلکه برای حـدث اصـغر بایـد تیمم کنـد و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیمم اول کافی است، لیکن احتیاط مستحب آن است که تیمم بدل از غسل هم بکند. (۱)(مناسك، مسأله ۵۵۳)

[۲۵۱] م- احتیاط واجب (۲) آن است که اگر امیـد دارد که عـذرش از وضو یا غسل مرتفع شود، صبر کنـد تا وقتی که امیدش قطع شود.(مناسک، مسأله ۵۵۴)

[۲۵۲] م- اگر بـا وضو بوده و شـک کنـد که حـدث عارض شـده است یا نه، بنابر وضو داشـتن بگـذارد و لازم نیست وضو بگیرد و همچنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث عارض شده.(مناسک، مسأله ۵۵۵)

[۲۵۳] م- اگر مُحـدِث به حـدث اصـغر یـا اکبر بوده و شـک کنـد که وضو گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه، بایـد در فرض اول وضـو بگیرد و در فرض دوم غسل کند.(مناسک، مسأله ۵۵۶)

۱- آیهٔ اللّه تبریزی: اگر بدل از غسلِ جنابت، تیمم کرد و بعد حدث اصـغر عارض شد، چنانچه عذرش باقی است، باید بدل از غسل تیمم کنـد و احتیـاط مسـتحب آن است که بین تیمم و وضو جمع کنـد و اگر برای حـدث اکبرِ دیگر غیر از جنـابت تیمم کرد و بعد حـدث اصـغر عارض شد باید بدل از غسل تیمم کند و بنابر احتیاط وضو هم بگیرد و اگر متمکن از وضو هم نبود باید تیمم دیگری بـدل از وضو بنماید.آیهٔ اللّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط باید بار دیگر تیمّم بدل از غسل کند.آیهٔ اللّه خویی: لازم است تیمم بدل از غسـل بکند

۲- آیـهٔ اللّه بهجت: افضـل و احـوط تـأخیر است ولی اظهر جواز مبـادرت است.آیـهٔ اللّه خـامنه‌ای، گلپایگـانی: اگر می‌دانـد عـذر او برطرف می‌شود، بایـد صبر کنـد.آیهٔ اللّه خویی: اگر احتمال بقای عذر می‌دهد می‌تواند صبر نکند، ولی اگر بعداً کشف خلاف شـد باید اعاده نماید، بلی اگر عذرش نبودِ آب باشد باید فحص کند، به تفصـیلی که در رساله عملیه مذکور است.آیهٔ اللّه سیستانی: اگر از بر طرف شدن عذر مأیوس باشد یا احتمال دهد در صورت تأخیر، از انجام تیمّم نیز عاجز شود صبر کردن لازم نیست

[۲۵۴] م- اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که با وضو آن را به‌جا آورده یا نه یا شک کند با غسل آن را به‌جا آورده (۱) یا نه، طواف او صحیح است، لیکن برای اعمال بعد باید طهارت تحصیل کند.(مناسک، مسأله ۵۵۷)

[۲۵۵] م- اگر در اثنای طواف شک کند که وضو (۲) داشته یا نه، پس اگر بعد از تمامی دور چهارم است طواف را رها کند و وضو بگیرد و از همانجا تتمه طواف

۱- آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: اگر بعد از حدث اصغر شک کند در این‌که قبل از طواف غسل کرده یا نه، باید غسل کرده و طواف را اعاده کند و برای اعمال آتیه وضو بگیرد

۲- آیهٔ اللّٰه بهجت: حکم شک در طهارت در اثنای طواف هم همان حکم شک است در طهارت در اثنای نماز.

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی: اگر سابقه طهارت داشته، به شک خود اعتنا نکند و الّا واجب است طهارت گرفته و طواف را از سر بگیرد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: و سابقه طهارت نداشته باشد.

آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: در این صورت باید وضو بگیرد و بعد طواف را از سر بگیرد، چه قبل از تمام شدن چهار دور باشد یا بعد از آن.

آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر در بین طواف شک کند که وضو داشته یا خیر، مسأله سه صورت دارد،

اوّل: حالت سابق خود را بداند که طاهر بوده در این فرض جایز است طواف را تمام کند و برای اتمام آن وضو واجب نیست و اعاده طواف نیز لازم نیست و در این صورت فرقی نیست که شک، بعد از دور چهارم عارض شده باشد یا قبل از آن.

دوّم: حالت سابق خود را بداند که مُحدِث بوده، در این فرض ظاهراً هر مقدار طوافی که انجام داده، محکوم به بطلان است؛ چه شک بعد از دور چهارم عارض شده باشد یا قبل از آن و باید بعد از وضو از نو طواف کند.

سوم: حالت سابق خود را نداند، که در این صورت به احتیاط واجب پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و پس از آن طواف و نماز آن را اعاده کند و در این صورت فرقی نیست که شک بعد از دور چهارم یا قبل از آن عارض شده باشد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: و حالت سابقه خود را از وضو و حدث نداند

را به‌جا آورد (۱) و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم (۲) است احتیاط واجب آن است که طواف را تمام کند (۳) و اعاده کند.(مناسک، مسأله ۵۵۸)

[۲۵۶] م- در تمام صورت‌هایی که در شک گفته شد که «بنابر طهارت بگذارد» یا «طوافش صحیح است» بهتر آن است که تجدید وضو کند و رجاءاً غسل به‌جا آورد، چون ممکن‌است که بعد معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا می‌شود.(مناسک، مسأله ۵۵۹)

[۲۵۷] م- اگر در اثنای طواف شک کند که غسل کرده است از جنابت یا حیض یا نفاس یا نه، باید فوراً از مسجدالحرام بیرون برود، (۴) پس اگر شوط چهارم (۵) را تمام کرده بوده و شک کرده، بعد از غسل برگردد و تتمه را به‌جا آورد (۶) و الّا بعد از غسل اعاده کند طواف را و احتیاط آن است که در صورت اول نیز اعاده کند.(مناسک، مسأله ۵۶۰)

[۲۵۸] م- کسی که وظیفه او وضو یا غسل جبیره‌ای هست می‌تواند برای طواف و نمازآن به همان اکتفا کند.(مناسک س ۷۰۰ و جامع الفتاوی م ۲۶۱)

[۲۵۹] م- اگر دراثنای طواف، حدث عارض شود پس اگر پس (۷) از تمام شدن

۱- آیهٔ اللّه مکارم: و سپس اعاده کند

۲- آیهٔ اللّه مکارم: طواف او باطل است

۳- آیهٔ اللّه سیستانی: اتمام لازم نیست بلکه اعاده کند

۴- آیهٔ اللّه سیستانی: اگر امکان تیمم باشد و تیمم کردن کمتر از خارج شدن از مسجد وقت می‌گیرد باید تیمم کند و سپس خارج شود و اگر بیشتر وقت می‌گیرد باید فوراً خارج شود.(و در بقیه مسأله، نظر ایشان موافق متن است)

۵- آیات عظام تبریزی، خویی، خامنه‌ای، صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: و پس از طهارت، طواف را از سر بگیرد و چه قبل از شوط چهارم باشد و یا بعد از آن.آیهٔ اللّه بهجت: اگر متمکن است تطهیر می‌کند و سپس اعاده می‌کند

۶- آیهٔ اللّه فاضل: و به احتیاط واجب طواف را اعاده کند

۷- آیهٔ اللّه تبریزی، خامنه‌ای: پس از تجاوز از نصف

دور چهارم است باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همانجا که طواف را قطع کرده تمام کند (۱) و اگر پیش (۲) از تمام شدن دور چهارم حدث اصغر عارض شود احتیاط واجب آن است که طواف را تمام و اعاده کند (۳)(مناسک م ۵۴۹- ۵۵۰)

[۲۶۰] م- اگر در اثناء طواف بیهوش شود و پس از مدتی به هوش آید حکم مسأله قبل را دارد(مناسک س ۶۷۴)

[۲۶۱] م- اگر دراثناء طواف حدث اکبر مثل جنابت یا حیض عارض شود باید فوراً از مسجد الحرام بیرون رود پس اگر پیش از تمامی دور چهارم بود پس از

۱- آیهٔ اللّٰه تبریزی: احتیاط واجب این است که آن را تمام کرده سپس اعاده نماید و می‌تواند یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام بجا آورد.آیهٔاللّٰه خامنه‌ای: اگر موالات عرفیه به هم خورده است طواف را به قصد اعم از تمام و اتمام اعاده نماید.آیهٔ خویی و فاضل: این در صورتی است که حدث بدون اختیار باشد ولی اگر حدث بعد از نصف و پیش از تمامی دور چهارم طواف یا بعد از تمامی دور چهارم و اختیاری باشد احوط در این دو صورت این است که طواف خود را پس از طهارت، از جایی که قطع کرده تمام و سپس اعاده کند. آیهٔ اللّٰه خویی اضافه فرموده‌اند: و می‌توان یک طواف کامل به قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد.آیهٔ اللّٰه سیستانی: این در صورتی است که حدث بدون اختیار باشد و اگر اختیاری باشد احتیاط واجب تکمیل آن پس از تحصیل طهارت و سپس اعاده آن است

۲- آیات عظام بهجت، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: اگر پیش از رسیدن به نصف حدث عارض شود طواف را اعاده کند. آیهٔ اللّٰه صافی و گلپایگانی اضافه فرموده‌اند: و اگرحدث بعد از سه شوط و نیم و قبل از ۴ شوط عارض شود به احتیاط در متن عمل شود

۳- آیهٔ اللّٰه مکارم: وظیفه او فقط اعاده است

غسل طواف را اعاده کند. (۱)(مناسک م ۵۵۱)

طهارت لباس و بدن

[۲۶۲] م- لباس و بدن کسی که می‌خواهد طواف کند باید پاک باشد و احتیاط واجب (۲) آن است که از نجاساتی که در نماز عفو شده- مثل خون کمتر از درهم و جامه‌ای که با آن نتوان (۳) نماز خواند؛ مثل عرقچین و جوراب، حتی انگشتر (۴) نجس- اجتناب کند.(مناسک، مسأله ۵۶۲)

[۲۶۳] م- در خون قروح و جروح اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست تطهیر کند. (۵) واحتیاط آن است که اگر می‌تواند تأخیر بیندازد طواف را تا

۱- آیات عظام سیستانی، خامنه‌ای، فاضل: در مسائل قبل، بین حدث اصغر و اکبر فرقی نگذاشته‌اند و طبق مسائل قبل عمل شود.آیهٔ اللَّه تبریزی، خویی: احوط در هر دو صورت(قبل و بعد از شوط چهارم) این است که بعد از تحصیل طهارت، یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام بجا آورد

۲- آیهٔ اللَّه فاضل: ظاهر آن است که ...

۳- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: طواف در جامه‌ای که با آن نتوان نماز خواند [یعنی ساتر نباشد؛ مانند مثال‌های مذکور در متن] اگر نجس باشد مانع ندارد.آیهٔ اللَّه خامنه‌ای، مکارم: نجس بودن این لباس‌های کوچک ضرری ندارد ولی خون کمتر از درهم معاف نیست

۴- آیهٔ اللَّه فاضل: در انگشتر و مانند آن که ثوب صدق نمی‌کند، برای صحت طواف، طهارت آنها شرط نیست

۵- آیهٔ اللَّه تبریزی: اگر تطهیر آن برای او حرجی نباشد احتیاط واجب این است که آن را تطهیر نماید.آیهٔ اللَّه خامنه‌ای، آیهٔ اللَّه خویی: متعرض این فرع نشده‌اند.آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و احتیاط آن است که هم خودش با آن حال طواف کند و هم نایب بگیرد تا برای او طواف نماید

بشود بی‌مشقت تطهیر کرد، تأخیر بیندازد.(مناسک، مسأله ۵۶۳- ۵۶۵)

[۲۶۴] م- در خون قروح و جروح، تـا آن انـدازه‌ای که می‌شود تطهیر کرد و لبـاس را عوض کرد، احتیاط واجب آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند.(مناسک، مسأله ۵۶۴)

[۲۶۵] م- اگر طواف کنـد و بعـد از آن‌که از طواف فـارغ شـد علم پیـدا کنـد به نجاست در حال طواف، اظهر آن است که طوافش صحیح است.(مناسک، مسأله ۵۶۶)

[۲۶۶] م- اگر فراموش کنـد نجـاست را و طواف کنـد، احتیاط (۱) واجب اعـاده است، و همین‌طـور است اگر در بین طواف یـادش بیاید. (۲)(مناسک، مسأله ۵۷۱)

[۲۶۷] م- اگر شک داشـته باشد که لباسـش یا بدنش نجس است، می‌تواند با آن حال طواف کند وصـحیح است؛ چه بداند که‌پیش از این پاک بوده یا ندانـد، لیکن اگر بدانـد که پیشتر نجس بوده ونداننـد که تطهیر شـده است، نمی‌تواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند.

(مناسک، مسأله ۵۶۷)

[۲۶۸] م- اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او عارض شود، اظهر آن

۱- آیهٔ اللّه بهجت: صـحّت طواف خالی از وجه نیست و در صورت تذکر در اثناء، تطهیر می‌کند و سپس اتمام می‌نماید.آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: بنابر اظهر طوافش صحیح است.آیهٔ اللّه گلپایگانی: اقوی اعاده طواف است

۲- آیـهٔ اللّه فاضل: اگر نجس بودن بدن یا لباس را فراموش کند و در بین طواف یا پس از آن یادش آمد، طواف صـحیح است ولی مستحب است آن را اعاده کند. بلی اگر بعد از نماز طواف یادش آمد فقط نماز را اعاده کند

است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همان‌جا تمام کند و طواف او صحیح است. (۱)(مناسک، مسأله ۵۶۸)

[۲۶۹] م- اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده، ظاهراً حکم مسأله قبل را دارد.(مناسک، مسأله ۵۶۹)

[۲۷۰] م- اگر در بین طواف علم پیدا کند که نجاست به بدن یا لباس او از اول بوده، احتیاط (۲) آن است که طواف را رها کند و تطهیر کند و از همانجا بقیه طواف را تمام کند و بعد از آن طواف را اعاده (۳) کند؛ خصوصاً اگر تطهیرزیاد طول‌بکشد ودر این صورت بعد از اتمام، نماز طواف را بخواند و پس از آن طواف را اعاده کند و نماز طواف را نیز اعاده کند و در این احتیاط فرقی نیست بین آن‌که بعد از چهار دور علم پیدا کند یا قبل از آن، گرچه در صورت دوم احتیاط شدیدتر است. (۴)

۱- آیة اللّٰه صافی، آیة اللّٰه گلپایگانی: اگر در بین طواف، لباس یا بدنش نجس شود یا بفهمد که از پیش نجس بوده و بدون رها کردن طواف، شستن آن ممکن نباشد، طواف را رها نماید، و اگر چهار دور طواف کرده، بعد از تطهیر بدن یا لباس، بقیه طواف را تمام کند و اگر به سه دور و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد و اگر از سه دور و نیم گذشته و چهار دور را تمام نکرده احتیاط آن است که بعد از تطهیر از همانجا که رها کرده طواف را تمام کند و نماز طواف را بخواند و دوباره طواف و نماز آن را به‌جا آورد.آیة اللّٰه تبریزی، خویی: چنانچه علم به نجاست یا حدوثش پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، طواف را قطع و پس از ازاله نجاست، بنابر احتیاط یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام بجا آورد

۲- آیة اللّٰه سیستانی: حکم در این مسأله همان است که در دو مسأله قبل گذشت.آیة اللّٰه فاضل: ظاهراً طوافش صحیح است اگر چه احتیاط استحبابی آن است که ...

۳- آیة اللّٰه خامنه‌ای، آیة اللّٰه مکارم: وظیفه همین است و اعاده ندارد

۴- نظر سایر آیات عظام در حاشیه دو مسأله قبل گذشت

(مناسک، مسأله ۵۷۰)

[۲۷۱] م- همراه داشتن چیز نجس در حال طواف مانع ندارد (۱)(مناسک مسأله ۵۶۲ و جامع الفتاوی عمره م ۲۸۲ و استفتاءات جدید س ۵)

۳- ختنه کردن

سوم- ختنه کردن است در حق مردان و این شرط در زن‌ها نیست، و احتیاط (۲) واجب‌آن است که درباره بچه‌های نابالغ مراعات شود.(مناسک، مسأله ۵۷۲)

[۲۷۲] م- اگر بچه را که ختنه نشده (۳) وادار به احرام کنند یا او را محرم کنند، احرام او صحیح است ولی طواف او صحیح نیست. (۴) پس اگر محرم به احرام حج

۱- آیهٔ اللَّه نوری: محمول نباید متنجس باشد.آیهٔ اللَّه فاضل: بنابر احتیاط اجتناب شود.نظر حضرت امام و آیهٔ اللَّه خامنه‌ای در دست نیست

۲- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: احوط بلکه اظهر این است که بچه ممیز که خوب و بد را تشخیص می‌دهد، اگر شخصاً محرم شود باید ختنه کرده باشد و اما اگر بچه ممیز نباشد، اعتبار ختان در او ظاهر نیست، اگرچه اعتبارش احوط است.آیهٔ اللَّه خامنه‌ای، گلپایگانی: و در این حکم فرقی بین بالغ و غیر بالغ نیست.آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر ممیّز باشد ختنه معتبر است و اگر نباشد احتیاط مستحب است

۳- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر طفل محرم بدون ختنه طواف کند یا طواف دهند او را، طواف نساء از او باطل خواهد بود طبق احتیاط مذکور، پس زن از برای او بعد از بلوغ حلال نخواهد بود مگر آن‌که تدارک طواف نساء نماید، خودش یا نایبش

۴- آیهٔ اللَّه تبریزی: در ممیّزی که خودش محرم شده باشد.آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر ممیّز باشد.آیهٔ اللَّه فاضل: طواف طفل ممیّزی که ختنه نشده صحیح نیست، و از غیر ممیّز بنابراحتیاط صحیح نیست هر چند احرام آنها صحیح است

شود، چون طواف نسـاء او باطل است (۱) بنابر احوط (۲) حلال شـدن زن بر او مشـکل می‌شود مگر آن‌که او را ختنه کنند و طواف دهند، یا خودش بعد از ختنه شدن طواف کند، یا آن‌که نایب (۳) برای او بگیرند تا طواف کند.

[۲۷۳] م- اگر بچه ختنه کرده به دنیا بیاید طواف او صحیح است.(مناسک، مسأله ۵۷۳)

۴- ستر عورت

اشاره

[۲۷۴] م- اگر بـدون ساتر عورت طواف کند باطل است (۴) و معتبر است در آن اباحه، پس باساتر غصبی طواف صـحیح نیست (۵) بلکه بـا لبـاس غصـبی غیر سـاتر نیز بنـابر احتیـاط واجب (۶). و احتیـاط آن اسـت که مراعـات شـرایط لبـاس نمـاز گزار را بنماینـد.(۷)(مناسک بعد از مسأله ۵۷۳)

۱- آیهٔاللّٰه مکارم: تمام طواف‌های او اشکال دارد

۲- آیهٔ اللّٰه سیسـتانی: اگر ممیّز باشد بنابر احتیاط واجب حکم کسی را دارد که طواف را ترک کرده است، مگر این‌که پس از ختنه طواف را اعاده کند

۳- از آیـهٔ اللّٰه سیسـتانی: در مورد کفـایت نیابت در این فرض، مطلبی در دست نیست.آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: گرفتن نایب در این صورت(قبل از ختنه) مشکل است

۴- آیـات عظـام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیسـتانی: بنابر احتیاط واجب ستر عورت در طواف شـرط است.آیـهٔ اللّٰه مکارم: اگر فقط ستر عورت کند و برهنه و عریان بر او صدق کند طوافش باطل است

۵- آیهٔ اللّٰه بهجت، سیستانی، فاضل: بنابر احتیاط واجب

۶- آیهٔ اللّٰه سیستانی، فاضل: این احتیاط واجب نیست.آیهٔ اللّٰه نوری: با لباس غصبی غیر ساتر نیز صحیح نیست

۷- آیهٔ اللّٰه نوری: از قبیل نبودن از اجزاء میته و اجزاء حیوان غیر مأکول اللحم و حریر و طلا بافت نبودن

[۲۷۵] م- زن بایـد در حـال طواف تمـام بـدن خود را به جز صورت و دسـتهـا تـا مـچ از نـامحرم بپوشانـد بنابر احتیاط و اگر عمـداً قسمتی (۱) از بـدن را نپوشاند طواف صـحیح نیست (۲) علی الأحوط و در غیر مورد عمـد صـحیح است مگر در جاهل مقصـر علی الأحوط.(مناسک س ۷۵۴- ۷۵۵)

طواف در لباس غصبی و غیر مخمس

[۲۷۶] م- کسـی که سال خمسـی برای خود قرار نداده اگر پول او از در آمد کسب است و معلوم نیست (۳) که ربح بین سال است، بدون تخمیس حکم غصب را دارد که طواف (۴) و قربانی صحیح نیست (۵)(مناسک س ۶۶۷)

[۲۷۷] م- اگر انجام طواف و نماز در لباسـی که با عین پول غصبی یا غیر مخمس تهیه شـده از روی علم و عمد نباشد طواف و نماز صحیح است مگر این که جاهل مقصر باشد که باید تدارک نماید. (۶)(مناسک س ۶۶۸)

۱- آیهٔ اللّٰه سیسـتانی: اگر قسمتی از موها یا بازو و ساق پا پیدا باشد طواف صحیح است و بنابر احتیاط نباید صورت خود را با نقاب و مانند آن بپوشاند.آیهٔ اللّٰه مکارم، نوری: در طواف پوشاندن صورت با نقاب جایز نیست

۲- آیـات عظام خامنهای، سیستانی، فاضل، مکارم: طواف صـحیح است هر چنـد گناه کرده است.آیـهٔ اللّٰه خویی: در فرض جهل به حکم، طواف صحیح است.آیهٔ اللّٰه بهجت: در صورتی که علم نداشته باشد اشکال ندارد

۳- آیهٔاللّٰه فاضل: به احتیاط واجب با مجتهد جامع الشرایط مصالحه کند

۴- آیهٔ اللّٰه تبریزی، خویی: بنابر احتیاط واجب اگر ساترش متعلق خمس باشد

۵- آیـات عظـام بهجت، تبریزی، خویی، سیسـتانی، صافی، گلپایگانی: اگر همانطور که متعارف است به ذمّه خریـداری کرده باشـد اشکال ندارد

۶- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر قصد قربت از او محقق نشده است.آیهٔ اللّٰه فاضل: و بنابر احتیاط سعی و تقصیر را نیز اعاده کند

ص: ۱۰۶

[۲۷۸] م- پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه، با فرض شک (۱) لازم نیست خمس بدهد و می‌توان آن را در عمره صرف نمود و طواف صحیح است هر چند احتیاط مطلوب است(مناسک س ۶۶۹).

[۲۷۹] م- اگر حاجی در حال طواف، پول غصبی و مانند پول خمس نداده همراه داشته باشد طوافش اشکال پیدا نمی‌کند (۲)(مناسک م ۶۴۲)

۵- شروع از حجر الأسود و ختم به آن

[۲۸۰] م- طواف باید از مقابل حجرالأسود شروع شود به طوری که در عرف گفته شود از حجر الأسود شروع به طواف کرد و ختم کرد به حجر الأسود، چه از ابتدای آن شروع کند چه از وسطش چه از آخرش (۳)، ولی از هر جای حجر الأسود شروع کرد باید در دور هفتم به همان جا ختم کند.(مناسک م ۵۷۶- ۵۷۷).

۱- آیة اللَّه خویی، فاضل: احتیاطاً با مجتهد جامع الشرایط مصالحه کند.آیة اللَّه سیستانی: اگر احتمال می‌دهد خمس به آن متعلق باشد به احتیاط واجب باید با حاکم شرع به نسبت احتمال مصالحه کند ولی طواف با فرض خرید به نحو کلی فی‌الذمه صحیح است

۲- آیة اللَّه صافی، گلپایگانی: در صورتی که طواف موجب حرکت اضافی نشود.آیة اللَّه نوری: طوافش اشکال دارد

۳- آیة اللَّه صافی، گلپایگانی: ولی اقوی شروع به طواف است از جزء اول حَجَر و چون محقق آن معنی بر وجه حقیقت متعّذر است در تحقق آن اکتفا می‌شود به این که پیش از رسیدن به حجرالأسود نیت کند و قصد کند که ابتدای طواف در هر دور از محاذی اولین جزء حجر باشد و انتهای آن همان موضعی که واقعاً انتهای دور است باشد و زاید از باب مقدمه علمیه باشد

[۲۸۱] م- در طواف بایـد به همان طوری که همه مسـلمین طواف می‌کننـد از محاذات حجرالأسود بدون دقت‌های صاحبان وسوسـه شروع کند و در دورهای دیگر بدون توقف دور بزنند تا هفت دور تمام شود(مناسک م ۵۷۸)

[۲۸۲] م- گاهی دیـده می‌شود که اشـخاص نادان در هر دوری که می‌زنند می‌ایسـتند و عقب وجلو می‌روند که محاذات را درسـت کنند و این موجب اشکال است وگاهی حرام است.

[۲۸۳] م- اگر اشـتباهاً طـواف را از غیر حجرالأسود ماننــد رکـن یمـانی شــروع کنـد طـوافش باطـل اسـت هر چنـد دور آخر را به حجرالأسود ختم نماید (۱). و همین طور اگر دورهای طواف را از حجرالأسود شـروع کند ولی به موضـعی قبل از حجرالأسود مانند رکن یمانی ختم نماید(مناسک س ۷۰۲- ۶۸۰).

۶- قرار دادن کعبه در طرف چپ

[۲۸۴] م- در طواف باید خانه کعبه درطرف چپ طواف کننده واقع شود(مناسک قبل از مسأله ۵۸۰)

[۲۸۵] م- لازم نیست در تمـام حالات طواف، خانه را حقیقتاً به شانه چپ قرار دهـد بلکه اگر در موقع دور زدن حجراسـماعیل علیه السلام خانه ازطرف چپ قدری خارج شود مانع ندارد (۲) حتی اگر خانه متمایل به پشت شود لیکن دور زدن به نحو

۱- آیـهٔ اللَّه بهجت: اگر کمبود طواف یعنی از رکن یمـانی تـا حجر الأسود را جبران کنـد طوافش صـحیح است.آیـهٔ اللَّه سیسـتانی، فاضل: اگر قصد شـروع از موضع معتبر شـرعی را دارد ولی در تطبیق اشـتباه کرده است در صورتی که کسـری دور آخر را به قصـد طواف تمام کند صحیح است.آیهٔ اللَّه خامنه‌ای، مکارم: اعاده دراین صورت مبنی براحتیاط است

۲- آیـات عظـام تـبریزی، خویی، سیسـتانی: خـانه در جمیع حالاـت بایـد در طرف چپ قرار گیرد و اگر مقـداری این چنین نبود آن مقدار، از طواف شـمرده نمی‌شود و معیار صدق عرفی است و لازم نیست در دو دهانه حجراسماعیل علیه السلام و در نبش‌های خانه خدا بدن رامنحرف سازد

متعارف باشد اشکال ندارد.(م ۵۸۰)

[۲۸۶] م- اگر به واسطه مزاحمت طواف کنندگان مقداری از دور زدن به خلاف متعارف شد، مثل آن که روی طواف کننده یا پشتش به کعبه واقع شد و یاعقب، عقب طواف کرد، باید آن مقدار را جبران کند واز سر بگیرد. و اگر نمی‌تواند برگردد با جمعیّت بدون قصد طواف برود (۱) تا به جایی که باید از آنجا طواف را اعاده کند برسد و از آنجا تدارک نماید.(مناسک م ۶۴۱- ۵۸۴)

۷- داخل نمودن حجراسماعیل علیه السلام در طواف

[۲۸۷] م- حجر اسماعیل محلّی است که متصل به خانه کعبه است و باید طواف کننده، دور حجر اسماعیل نیز بگردد.(مناسک قبل از مسأله ۵۸۷)

[۲۸۸] م- اگر دور حجر اسماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد طوافش باطل است و باید اعاده کند. پس اگر عمداً این کار را بکند حکم ابطال عمدی طواف را دارد که گذشت واگر سهواً این کار را بکند حکم ابطال سهوی را دارد که حکم هر دو خواهد آمد.(مناسک ۵۸۷- ۵۸۸- ۵۸۹)

[۲۸۹] م- اگردر بعضی از دورها حجراسماعیل علیه السلام را داخل در دور زدن نکرد، احتیاط (۲) واجب آن است که آن دور را از سر بگیرد و اعاده کند طواف را،

۱- آیهٔ اللّٰه فاضل، سیستانی: می‌تواند تا حجرالأسود برود و آن شوط را اعاده کند آیهٔ اللّٰه سیستانی اضافه فرموده‌اند: و نمی‌تواند تاجایی که طوافش نادرست بوده برود و از آنجا اعاده نماید

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری: باید آن دور اعاده شود. آیهٔ اللّٰه صافی و گلپایگانی اضافه فرموده‌اند: واحوط اعاده کل طواف است بعد از اتمام آن.آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: واجب است که آن دور را از سر بگیرد و اگر بدون اعاده این دور به طواف ادامه داد طواف او باطل است و واجب است آن را از سر بگیرد.آیهٔ اللّٰه بهجت: باید آن دور اعاده شود و چنانچه نیت طواف بر بیت محض را کرده اعاده اصل طواف موافق با احتیاط است، اگرچه عملًا در یک شوط دور حجر نگشته باشد

اگر چه ظاهر آن است که اعاده طواف لازم نیست(مناسک م ۵۹۰)

[۲۹۰] م- اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام برود، احتیاط آن است که به دستور مسأله قبل عمل کند و در این فرض نیز به احتیاط واجب کفایت نمی‌کند (۱) تمام کردن دور را از آنجایی که از روی دیوار رفته است.(مناسک م ۵۹۱).

[۲۹۱] م- اگر پس از داخل شدن در حجر اسماعیل متوجه شد، طوافش باطل نیست و باید از حجر الأسود به قصد احتیاط (۲) شوط را اعاده کند و از محلّی که وارد حجر شده قاصد جدی طواف باشد.(مناسک س ۶۵۹).

[۲۹۲] م- کسی که یک شوط طواف را از درون حجراسماعیل علیه السلام انجام داده وبقیه طواف را ادامه داده، باید یک شوط دیگر بجا آورد (۳) و نماز طواف را اعاده

۱- آیهٔ اللّٰه بهجت، مکارم: اعاده همان جزء از طواف که به بالا رفتن بر دیوار حجر باطل شده است لازم می‌باشد.آیهٔاللّٰه خامنه‌ای: در حکم رفتن در حجر است و بنابر احتیاط باید همان دور را اعاده کند.آیهٔاللّٰه تبریزی: بنابر احتیاط در حکم رفتن در حجر است

۲- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، مکارم: آن دور باطل است و باید از حجر الأسود اعاده کند.آیهٔاللّٰه صافی، گلپایگانی: احتیاط لازم آن است که پس از تمام کردن طواف و خواندن نماز، دوباره طواف کند و نماز آن را بخواند

۳- آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: اگر موالات فوت نشده و اما اگر موالات فوت شده طوافش باطل است و باید آن را و اعمال مترتب بر آن را تدارک نماید. آیهٔ اللّٰه سیستانی اضافه فرموده‌اند: ولی درفرض سهو و نسیان، اعاده یک شوط و اعمال مترتبه کافی است.آیهٔ اللّٰه صافی، گلپایگانی: اگر چهار شوط را تمام کرده و داخل حجر شده، هر وقت فهمید ناقص را تمام کند و نماز طواف و اعمال مترتبه را بجا آورد و اگر قبل از سه شوط و نیم بوده شوطهای گذشته باطل است و باید طواف را از سر بگیرد و اعمال مترتب بر آن را بجا آورد و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به چهار نرسیده آن را تمام کند با دو رکعت نماز و بعد یک هفت شوط طواف و نماز و سعی و تقصیر بجا آورد.آیهٔ اللّٰه بهجت، آیهٔ اللّٰه فاضل: احتیاط آن است که سعی و تقصیر را نیز اعاده کند

کند واگر با اعتقاد صحّت بوده بقیّه اعمال صحیح است.(مناسک س ۶۵۹).

[۲۹۳] م- در حال طواف دست گذاشـتن روی دیوار حجر اسـماعیل علیه السلام جایز است (۱) و به طواف ضـرر نمی‌رساند گرچه احتیاط مستحب درترک است.(مناسک م ۶۰۰ و جامع الفتاوی عمره م ۳۰۶)

۸- رعایت محدوده طواف

[۲۹۴] م- بایـد طواف بین خانه کعبه و مقام حضـرت ابراهیم علیه السـلام از همه اطراف باشد، یعنی ملاحظه کند مسافتی را که میان خانه و مقام ابراهیم علیه السـلام است، در همه اطراف خانه کعبه، طواف کننده از آن مقدار دورتر از خانه کعبه نباشد. و این مسافت تقریباً ۵/ ۲۶ ذراع است، پس در همه اطراف باید بیشتر دور نباشد. (۲)(مناسک م ۵۹۲ و قبل از آن).

۱- آیات عظام بهجت، فاضل، صافی، گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب جایز نیست و بایـد همان قسـمت را اعاده کنـد. آیهٔ اللّه بهجت متعرض اعاده نشده‌اند.آیهٔ اللّه نوری: جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده نماید

۲- آیات عظام خویی، سیسـتانی، مکارم: طواف در دورتر از این مسافت نیز کافی است. آیـهٔ اللّه سیسـتانی هر چنـد کراهت دارد. از اینجا حکم مسائل بعد روشن می گردد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای، نوری: تا هر کجا که طواف دور خانه خدا صدق کند کافی است. از اینجا حکم مسائل بعد روشن می گردد.

آیـهٔ صافی، گلپایگانی: تا جایی که جمعیت طواف کننـده متصل به یکـدیگر مشـغول طواف هسـتند طواف در آن صـحیح و مجزی است. از اینجا حکم مسائل بعد روشن می گردد.

آیهٔ اللّه بهجت: طواف در دورتر از این محدوده کافی است برای کسانی که نتوانند در محدوده طواف کنند یا مشـقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن متعیّن است. از اینجا حکم مسائل بعد روشن می گردد.

آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط باید در محدوده طواف کند ولی در مواقع ازدحام طواف در خارج این محدوده نیز کافی است. از اینجا حکم مسائل بعد روشن می گردد

[۲۹۵] م- چون در طرف حجر اسماعیل علیه السلام محل طواف تنگ می‌شود (۱) زیرا که مقدار حجر از آن کاسته می‌شود و چنان چه گفته‌اند تقریباً شش ذراع و نیم برای محل طواف باقی می‌ماند باید در طواف ازجانب آن بیشتر از شش ذراع و نیم دور نشود.(مناسک م ۵۹۵).

[۲۹۶] م- اگر شخص از پشت مقام ابراهیم طواف کند که مقام ابراهیم هم داخل در طوافش شود طوافش باطل است و باید اعاده کند. (۲)(مناسک م ۵۹۳).

[۲۹۷] م- اگر بعضی از دورها را از پشت مقام طواف کند باید آن دور را با اعاده همان جزء تمام کند و احوط آن است که طواف را هم اعاده کند اگر چه ظاهراً اعاده لازم نباشد بلکه بعید نیست کفایت اعاده همان جزء. (۳) [۲۹۸] م- یقین به این که در حال طواف او را بی‌اختیار می‌برند یا با نامحرم

۱- آیات عظام فاضل، صافی، گلپایگانی: در طرف حجر اسماعیل، محدوده طواف ضیق نمی‌گردد و از حجر اسماعیل به مقدار ۵/ ۲۶ ذراع محدوده طواف است.نظر سایر آیات عظام در مسأله قبل گذشت

۲- نظر آیات عظام قبلًا گذشت

۳- نظر آیات عظام قبلًا گذشت

برخورد می‌کند مجوز طواف در خارج حدّ نیست (۱).(مناسک س ۷۱۷ و ۷۱۸).
[۲۹۹] م- در صورت امکـان طواف در محـدوده و لو در وقت خلوت، بایـد طواف را به تـأخیر بینـدازد تا در محـدوده انجام دهـد و دورتر از آن حـد کفایت نمی‌کنـد و در صورت عـدم امکان و لو در وقت خلوت، طواف در خارج حـد مزبور مانع ندارد با مراعات الأقرب فالأقرب. (۲)(مناسک م ۶۳۸ و س ۷۱۴).
[۳۰۰] م- زنی که قـادر به طواف کردن نیست، اگر کسـی حتی نـامحرم حاضـر شود او را به دوش بگیرد و در محـدوده طواف دهد نمی‌تواند به طواف با تخت روان در خارج از محدوده اکتفاء کند. (۳)(مناسک س ۶۷۲).
[۳۰۱] م- کسی که در محدوده طواف است اگر شک کند که از محدوده خارج شده یا نه طوافش صحیح است ولی اگر در ابتدای طواف شک کند که طوافش در محدوده است یا نه؟
نمی‌تواند به آن اکتفاء نماید. (۴)(مناسک س ۷۰۷)

۹- طواف نکردن روی شاذروان

[۳۰۲] م- در اطراف دیوار خانه، یک پیش آمـدگی است که آن را شاذروان گویند و آن جز و خانه کعبه است و طواف کننده باید آن را هم داخل قرار دهد.(مناسک م ۵۹۷)

۱- نظر آیات عظام قبلًا گذشت

۲- آیـهٔ اللّه فاضـل: چنـان چه ضـرورت عرفی اقتضـاء می‌کنـد انجام طواف در خارج حـد با رعایت الأقرب فالأقرب مانعی نـدارد و صحیح است و صبر کردن و تأخیر انداختن لازم نیست.نظر سایر مراجع در مسائل قبل گذشت

۳- نظر سایر مراجع در مسائل قبل گذشت

۴- نظر آیات عظام قبلًا گذشت

[۳۰۳] م- اگر کسی در بعضی از احوال، به واسطه کثرت جمعیت یا غیر آن، بالای شاذروان برود و دور بزند، آن مقدار که دور زده باطل (۱) است و باید اعاده کند.

[۳۰۴] م- دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن در آنجایی که شاذروان است جایز است (۲) و به طواف ضرر نمی‌رساند، گرچه احتیاط مستحب در ترک آن است.

۱۰- موالات

[۳۰۵] م- احتیاط واجب آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکنند (۳) یعنی در بین دورهای طواف آن قدر طول ندهد که از صورت یک طواف خارج شود.(مناسک م ۵۷۴).

[۳۰۶] م- جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد، از همانجا اتمام کند، ولی نباید آن قدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد و اگر آن قدر نشست احتیاط آن است

۱- آیهٔ اللّٰه تبریزی، خویی: احتیاط آن است که آن مقدار را تدارک نموده و طواف را تمام و سپس اعاده کند.آیهٔ اللّٰه صافی: حکم راه رفتن روی حجر را دارد که گذشت.آیهٔ اللّٰه مکارم: امروز شاذروان را طوری ساخته‌اند که عملًا طواف روی آن ممکن نیست

۲- آیات عظام بهجت، فاضل، صافی، گلپایگانی، نوری: بنابر احتیاط واجب جایز نیست. و باید همان قسمت را اعاده کند

۳- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: مراعات موالات لازم است.آیهٔ اللّٰه بهجت: مراعات موالات عرفیه لازم است مگر در موارد عذر حاصل بعد از شوط چهارم.آیهٔ اللّٰه فاضل، مکارم: درطواف مستحب موالات عرفیه شرط نیست

که اتمام کند و اعاده نماید. (۱)(مناسک م ۶۳۶).

۱۱- انجام هفت دور، نه کمتر نه بیشتر

کم کردن دورهای طواف

[۳۰۷] م- اگر از روی عمد، طواف کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور به جا آورد طوافش باطل است اگر چه به هفت دور تمام کند (۲) و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن حکم، بلکه از روی سهو و غفلت باشد طواف را اعاده کند. (۳)(مناسک م ۶۰۱)

[۳۰۸] م- اگر در اثنای طواف، از قصد هفت دور آوردن برگردد به قصد کمتر آوردن، از آنجاکه این قصد را کرده و هر چه به این عمل کرده باطل است (۴) و باید اعاده کند.(مناسک م ۶۰۲)

۱- آیهٔ اللّٰه بهجت، خامنه‌ای: اگر بعد از شوط چهارم باشد اکمال طواف کافی است.آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: اگر به قدری نشست که موالات عرفیه فوت شد طوافش باطل است و باید از نو شروع کند.آیهٔ اللّٰه مکارم: احتیاط به اتمام لازم نیست و احتیاط به استیناف لازم است.آیهٔ اللّٰه فاضل: و می‌تواند آن را رها کند و از نو یک طواف کامل انجام دهد

۲- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر به هفت دور تمام کند صحیح است.آیهٔ اللّٰه خویی: با فرض تحقق قصد قربت طواف صحیح است.آیهٔ اللّٰه تبریزی، گلپایگانی: بنابر احتیاط طوافش باطل است

۳- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: در این موارد چنان چه به هفت دور تمام کند اعاده طواف لازم نیست گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است

۴- آیات عظام سیستانی، فاضل، گلپایگانی، نوری: بنابر احتیاط باطل می‌شود.آیهٔ اللّٰه تبریزی: بنابر احتیاط باطل می‌شود اگر از روی علم و عمد قصد کند.آیهٔ اللّٰه خویی: اگر قصد قربت مختل شود طواف باطل می گردد.آیهٔ اللّٰه مکارم: احتیاط آن است که طواف را به نیت صحیح تمام کرده و بعد اعاده کند

[۳۰۹] م- اگر کم کند از طواف واجب، چه یک دور یا کمتر یا بیشتر (۱) ازیک دور از روی عمد، واجب است آن را اتمام کند (۲) و اگر نکند حکمش حکم کسی است که طواف را عمداً ترک کرده که قبلًا گذشت به احتیاط واجب (۳) و حکم جاهل (۴) به مسأله حکم عالم است.(مناسک م ۶۰۶)

[۳۱۰] م- اگر بعد از کم کردن از طواف کارهای بسیاری کند (۵) که موالات فوت شود، حکمش حکم قطع طواف است که می آید.(مناسک م ۶۰۷)

[۳۱۱] م- اگر سهواً از طواف کم کند (۶)، پس اگر تجاوز از

۱- آیهٔ اللّه تبریزی، خویی: اگر بدون عذر، پیش از تجاوز از نصف، از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه فوت شود طوافش باطل و اگر بعد از آن باشد یا موالات فوت نشود، احتیاط آن است که آن را تمام نموده و سپس اعاده کند.آیهٔ اللّه سیستانی: اگر بدون عذر، پیش از تمام شدن شوط چهارم از مطاف خارج شود و مشغول به کاری شود که عرفاً صدق کند طوافش را قطع کرده، طواف باطل است و اگر بعد از آن باشد، احتیاط واجب آن است که آن را تمام کند و سپس اعاده کند مگر موالات فوت شده باشد

۲- آیهٔ اللّه مکارم: اگر قبل از فوت موالات اتمام کند صحیح است

۳- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بلکه بنابر اظهر

۴- آیهٔ اللّه بهجت: باید اعاده کند در هر دو صورت

۵- آیهٔ اللّه مکارم: یا فاصله زیادی بدهد

۶- آیهٔ اللّه تبریزی، خویی: اگر بیش ازفوت موالات یادش آمد و از مطاف بیرون نرفته کمبود را بجا آورد و اگر از مطاف بیرون رفته یاموالات فوت شده و مقدار فراموش شده یک شوط باشد یک شوط را بجا آورد و اگر نمی‌تواند برای انجام یک شوط نایب بگیرد و اگر مقدار فراموش شده بیش ازیک و کمتراز چهار شوط باشد بایستی برگشته و کمبود را شخصاً بجا آورد و بهتراین است که پس از تکمیل آن را اعاده کند. آیهٔ اللّه تبریزی دراین فرض فرموده‌اند: بنابر احوط باید برگشته و تکمیل کند و سپس اعاده کند. و اگر مقدار فراموش شده ۴ شوط یا بیشتر باشد احوط اتمام سپس اعاده است.
آیهٔ اللّه سیستانی: اگر پیش از فوات موالات عرفی یادش بیاید، باقیمانده را بجا آورد و الّا در صورتی که مقدار فراموش شده یک یا دو یا سه شوط باشد آن را بجا آورد و در صورتی که بیش ازسه شوط باشد بنابر احتیاط واجب باقیمانده را بجا آورد و طواف را اعاده کند.
آیهٔ اللّه بهجت: تمام کردن طواف در صورت تجاوز از نصف، یعنی با تمام شدن ۴ شوط علی الأحوط و از سرگرفتن درصورت عدم تجاوز، خالی از وجه نیست

نصف (۱) کرده باشد اقوی آن است که از همانجا تمام کند طواف را در صورتی که فعل کثیر نکرده باشد (۲) و الا احتیاط واجب (۳) اتمام و اعاده است. و اگر تجاوز از نصف نکرده (۴)، طواف را اعاده نماید، لکن سزاوار نیست ترک احتیاط در همه موارد سهو به تمام کردن طواف ناقص و اعاده کردن.(مناسک م ۶۰۸- ۶۰۹).

[۳۱۲] م- اگر درحال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده، باید برگردد و طواف را از همانجا که ناقص کرده تکمیل کند و برگردد تتمه سعی را به‌جا آورد و طواف و سعیش صحیح است (۵)، لیکن احتیاط (۶) آن است که اگر کمتر

۱- آیهٔ اللَّه مکارم: یعنی چهار دور کامل انجام داده باشد.آیهٔ اللَّه صافی، گلپایگانی: اگر چهار دور تمام شده طواف را تمام کند و اگر کمتر از نصف باشد اعاده نماید و در فاصله بین ۵/ ۳ تا چهار شوط احتیاط در تکمیل و اعاده است

۲- آیهٔ اللَّه مکارم: این شرط زاید است

۳- آیهٔ اللَّه مکارم: باید اعاده کند.آیهٔ اللَّه فاضل: اولی و احوط این است

۴- آیهٔ اللَّه مکارم: مانند مسأله قبل است

۵- آیهٔ اللَّه بهجت: احتیاط در اتمام و سپس اعاده سعی است.نظر آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: در ذیل مسأله قبل گذشت

۶- آیهٔ اللَّه فاضل، مکارم: این احتیاط ترک نشود

از چهـار دور به جـا آورده طواف را تمام کنـد و اعاده نمایـد و همچنین اگر سـعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کنـد و اعاده کند.(مناسک م ۶۳۱)

زیاد کردن دورهای طواف

[۳۱۳] م- اگر از روی عمـد، طواف کننده از اول قصد کند که بیش از هفت دور بجا آورد طوافش باطل است اگر چه به هفت دور تمام کنـد (۱) و احتیـاط واجـب آن است کـه اگر از روی ندانسـتن حکـم بلکه از روی سـهو و غفلت باشـد طـواف را اعـاده کنـد.(۲)(مناسک م ۶۰۱)

[۳۱۴] م- اگر از روی جهل به مسأله بیش از هفت دور طواف کند، پس اگر از اول قصد بیش از هفت شوط داشته طواف و نمازش صحیح نیست (۳) و باید آنها را اعاده کند و ظاهراً اعاده بقیه اعمال لازم نیست. (۴)(مناسک س ۶۹۰)

[۳۱۵] م- انجـام یـک دور یـا بیشـتر بـه قصـد احتیـاط، زیـاده در طـواف محسـوب نمی‌شـود (۵) و جـبران نقص احتمـالی را نیز نمی‌کند.(مناسک س ۶۹۲- ۷۶۳)

۱- آیهٔ اللّه بهجت: اگر به هفت دور تمام کند صـحیح است.آیهٔ اللّه خویی: با فرض تحقق قصد قربت صـحیح است.آیهٔ اللّه تبریزی، گلپایگانی: بنابر احتیاط طوافش باطل است

۲- آیـات عظـام تبریزی، خویی، سیسـتانی، فاضـل: در این موارد چنـان چه به هفت دور تمـام کنـد اعـاده طواف لازم نیست گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است

۳- آیـهٔ اللّه سیسـتانی، فاضـل: مگر جاهـل قاصـر باشـد که دراین صورت طوافش صـحیح است.آیـهٔ خویی، سیسـتانی: بنابر احتیاط، طواف باطل است

۴- آیات عظام خویی، صافی، گلپایگانی: اعاده بقیه اعمال لازم است.آیهٔ اللّه سیستانی، فاضل: بنابر احتیاط بقیه را اعاده کند

۵- آیهٔ اللّه مکارم، سیستانی: طواف او اشکال دارد. آیهٔ اللّه سیستانی: اضافه فرموده‌اند: مگر این که جاهل قاصر باشد

[۳۱۶] م- اگر در اثنای طواف، از قصد هفت دور آوردن برگردد به قصد زیادتر آوردن، از آنجا که این قصد را کرده و هر چه به این عمل کرده باطل است (۱) و باید اعاده کند.(مناسک م ۶۰۲)

[۳۱۷] م- اگر از اول قصد کند که هشت دور به‌جا آورد، لیکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر باشد طواف او صحیح است.

[۳۱۸] م- اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است، همانطور که هفت دور مستحب (۲) است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یک دور مستحب هم دنبال آن بیاورد طواف او صحیح است.

[۳۱۹] م- اگر بعد از هفت دور طواف واجب، عمداً یک شوط یا کمتر یا بیشتر به آن اضافه نماید، به قصد این که زیاده جزء آن طواف باشد، طواف او باطل می‌شود (۳) و باید اعاده کند.(مناسک س ۶۸۱)

[۳۲۰] م- اگر سهواً زیاد کند بر هفت دور، پس اگر کمتر از یک دور است قطع کند آن را و طوافش صحیح است و اگر یک دور یا زیادتر است، احوط (۴) آن است که هفت دور دیگر را تمام کند به‌قصد قربت، بدون تعیین مستحب یا

۱- آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل، گلپایگانی، نوری: بنابر احتیاط باطل می‌شود. آیهٔ اللّٰه تبریزی اضافه فرموده‌اند: اگر از روی علم و عمد قصد کند.آیهٔ اللّٰه خویی: اگر قصد قربت مختل شود طواف باطل می‌گردد.آیهٔ اللّٰه مکارم: احتیاط آن است که طواف را به نیت صحیح تمام کرده و بعد اعاده کند

۲- آیهٔ اللّٰه فاضل: هفت دور واجب است

۳- آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر جاهل باشد صحت طواف او مورد اشکال است مگر این که جاهل قاصر باشد

۴- آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: این احتیاط مستحب است

واجب (۱) و دو رکعت نماز قبل از سعی و دو رکعت بعد از سعی بخوانـد و دو رکعت اول را برای فریضه قرار دهد، بدون آن‌که تعیین کند برای طواف اول یا طواف دوم است.(مناسک، مسأله ۳۱۴). (۲)

قران در طواف

[۳۲۱] م- در طواف واجب، قِران جایز نیست؛ یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبالِ هم آورد، بـدون آن‌که بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود و در طواف مستحب مکروه است.(مناسک م ۶۱۱)

[۳۲۲] م- در طواف واجب، اگر از اول قصد قِران داشته، یا دراثنای طواف قصد کرده باشد، احتیاط واجب آن است که طواف اول را اعاده کند و اگر بعد از تمام شدن آن، قصد به جا آوردن طواف دیگر برای او حادث شد و به دنبال

۱- از اینجا تا آخر مسأله در مناسک آیهٔ اللّه خویی مذکور نیست

۲- آیـهٔ اللّه بهجت: احتیـاط در این است که دو رکعت فریضه قبـل از سـعی بجای آورد و دو رکعت نافله را می‌تواننـد بعـد از سـعی به‌جـای آورد.آیـهٔ اللّه سیسـتانی: اگر از روی اشـتباه چیزی بر شوطهای طواف خود بیافزایـد، پس اگر بعـد از رسـیدن به رکن عراقی یادش آمـد، مقـدار افزوده را تا یک طواف کامل به اتمام برسانـد و احتیاط واجب این است که طواف دوّم را در این هنگام به‌قصـد قربت بـدون این‌که واجب یـا مستحب بودن آن را قصـد کنـد به اتمـام برسانـد، و پس از آن چهـار رکعت نمـاز بخوانـد و احتیـاط مستحب این است که بین آن‌ها فاصله‌ای بیندازد؛ به این معنا که دو رکعت قبل از سعی جهت طواف واجب به‌جا آورد و دو رکعت پس از سـعی جهت طـواف مسـتحبی به‌جـا آورد. و همچنیـن اسـت بنـابر احتیـاط واجب اگر پیش از رسـیدن به رکن عراقی یـادش بیاید.آیهٔ اللّه فاضل: و احتیاط مستحب آن است که دو رکعت نماز بعد از سعی برای غیر فریضه انجام دهد

طواف اول زیاده را آورد اقوی (۱) صحت طواف اول است و احوط اعاده است.(مناسک م ۶۱۳)

[۳۲۳] م- اگر زیاد کنـد دوری، یا کمتر یا بیشتر از دور برطواف و قصـدش آن باشـد که زیاده را جزء طواف دیگر قرار دهد، داخل در قران میان دو طواف است که حکمش گذشت. (۲)(مناسک م ۶۱۲)

[۳۲۴] م- اگر طواف واجبی را که به فتوای مجتهـدش صـحیح است، قبل از خوانـدن نماز به قصـد احتیاط اعاده نمایـد وسـپس نماز طواف را بخواند عملش صحیح است، هر چند داخل در قران حرام است. (۳)(مناسک س ۷۵۶)

قطع طواف

[۳۲۵] م- جایز است قطع طواف نافله بدون عذر واقوی کراهت قطع طواف

۱- آیهٔ اللَّه سیسـتانی: اگر از ابتدا قصد قران داشته باطل است و اگر ازاول قصد نداشته اگر طواف دوم را تمام کند طواف اول باطل است.آیـات عظـام بهجت، خویی، تبریزی: در فرض اتیـان به طواف کامـل، اظهر بطلان طواف اول است.آیـهٔ اللَّه صافی، گلپایگانی: قران بنابر احتیاط واجب سـبب بطلان طواف اول می‌شود هرچند از اول این قصد را نداشـته باشد. و احتیاط آن است که نماز طواف را بخواند و بعد اصل طواف و نماز آن را اعاده کند

۲- آیـات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیسـتانی: اگر طواف دوم را به اتمام نرسانـد نه قران است و نه زیاده در طواف. آیات عظام غیر از آیهٔ اللَّه بهجت اضافه نموده‌اند: بلی اگر قصد قران را داشته باشد با علم به این که قران مبطل است قصد قربت محقق نمی‌شود و طواف او باطل است

۳- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: طواف احتیاطی قران محسوب نمی‌شود.آیهٔ اللَّه سیسـتانی: صـحت عمل مورد اشکال است از جهت فاصله بین طواف و نماز، مگر این که جاهل قاصر باشد

واجب است بـدون عذر و به مجرد خواهش نفس و احوط (۱) قطع نکردن آن است، به این معنی که قطع نکنـد به طوری که بقیه را ترک کند تا موالات عرفیه (۲) به هم بخورد.(مناسک م ۶۱۵)

[۳۲۶] م- اگر بـدون عذر طواف را قطع کرد، احوط آن است که اگر چهار دوربجا آورده باشد طواف را تمام کند (۳) و بعد اعاده کنـد و این در صورتی است که منـافی بجا آورده باشـد حتی مثـل زیاد فاصـله دادن که موالات عرفیه به هم بخورد و اگر طواف را قطع کند و منافی بجا نیاورده باشد اگر برگردد و تمام کند طواف صحیح است.(مناسک م ۶۱۶- ۶۱۷)

[۳۲۷] م- اگر در بین طواف عـذری برای آن پیـدا شـد، مثـل مرض یا حیض یا حـدث بی اختیار (۴) و یا برپاشـدن نماز جماعت یا نظافت مسجد، پس اگر بعد از تمام شدن چهار دور بوده، بعد از رفع عذر برگردد و ازهمان جا تمام کند و اگر قبل (۵) از آن بوده، طواف را اعاده کند. (۶) و احتیاط مسـتحب در فرض اول در غیر حیض، آن است که تمام کنـد و اعاده نماید(مناسک م ۶۱۸ و س ۶۴۶).

۱- آیـات عظـام خویی، صـافی، گلپایگـانی: قطع طواف واجب بـدون عـذر جـایز نیست.آیـهٔ اللّه بهجت، مکارم: بنابر احتیاط واجب طواف واجب را قطع نکند

۲- آیهٔ اللّه سیستانی: یا قبل از اتمام شوط چهارم از مطاف خارج و مشغول کاری شود که عرفاً گفته شود طواف راقطع کرده است

۳- آیهٔ اللّه بهجت: اتمام لازم نیست طوافش را ازسر بگیرد.نظر سایر آیات عظام در مسأله سوم از شـرط یازدهم «انجام هفت دور نه کمتر» گذشت

۴- نظر آیات عظام در مورد حدث بی اختیار در شرط دوم طواف گذشت

۵- آیات عظام فاضل، صافی، گلپایگانی: درفاصله بین ۳/ ۵ تا ۴ شوط احتیاط به اتمام و سپس اعاده است

۶- آیهٔ اللّه سیسـتانی: در طواف مستحبی از هر کجا که قطع کند مادامی که سؤالات عرفی فوت نشده است می‌تواند برگردد و تمام نماید

[۳۲۸] م- اگر شخصی که با عذر طواف را قطع کرده نتوانست بجا آورد، اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف دهند و اگر ممکن نیست نایب برای او بگیرند و حکم نیابت در بعضی از دورهای طواف می‌آید. (۱)(مناسک م ۶۱۹)

[۳۲۹] م- اگر مشغول طواف است و وقت نماز واجب تنگ شود واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند، پس اگر بعد از چهار دور (۲) رها کرد، از همانجا طواف را تمام کند (۳) و الّا (۴) اعاده کند. (۵)(مناسک م ۶۲۰)

[۳۳۰] م- جایز است، بلکه مستحب است قطع کند طواف را برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب و از هر جا قطع کرد از همانجا بعد از نماز اتمام کند (۶) و احتیاط آن است که به دستور مسأله قبل عمل کند وسزاوار نیست این احتیاط ترک شود(مناسک م ۶۲۱)

۱- آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: بعید نیست که گفته شود نایب در هر صورت باید همه طواف را انجام دهد

۲- آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: بعد از تجاوز از نصف

۳- آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای، فاضل: ولی چنانچه تمام نکرد و از سر گرفت طوافش صحیح است

۴- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر موالات عرفیه به هم خورده اعاده کند.آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: اگر قبل از تجاوز از نصف بوده و مدت زمان طولانی بین قطع و اتمام فاصله شود بنابر احتیاط طواف را اعاده کند و الّا می‌تواند آن را تکمیل کند

۵- آیهٔ اللّٰه تبریزی، سیستانی: باید تمام کند و اعاده لازم نیست، گرچه احتیاط مستحب آن است که طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.آیهٔ اللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب اعاده کند.آیهٔ اللّٰه صافی، گلپایگانی: اگر از نصف گذشته و چهار شوط هم تمام نشده احتیاطاً طواف را اتمام و اعاده کند

۶- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر موالات عرفیه به هم خورده و قبل از اکمال شوط چهارم طواف را قطع کرده احتیاط مراعات شود به اکمال طواف و اعاده آن

شک در طواف

[۳۳۱] م- اگر بعد از طواف شک کند که آن را صحیح به جا آورده یا نه، مثلًا احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده، یا محدث بوده، یا از داخل حجر اسماعیل علیه السلام طواف کرده، اعتناء نکند و طوافش صحیح است اگر چه باز در محل طواف باشد و از آنها منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی‌زیاده و نقیصه.(مناسک م ۶۲۳)

[۳۳۲] م- اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که آیا طواف را زیادتر از هفت دور بجا آورده یا نه، یا شک کند کمتر بجا آورده یا نه، اعتناء نکند و طوافش صحیح است. (۱) لکن در صورت دوم احتیاط ترک نشود.(مناسک م ۶۲۲)

[۳۳۳] م- اگر در آخر دور که به حجرالأسود ختم شد، شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتر، اعتنا به شک نکند و طوافش صحیح است.(مناسک م ۶۲۴)

[۳۳۴] م- اگر قبل از رسیدن به حجر الأسود و تمام شدن دور، شک کند که آنچه را دور می‌زند دور هفتم است یا هشتم، طوافش باطل است. (۲)(مناسک م ۶۲۵)

۱- آیهٔ اللَّه تبریزی، خویی: در صورت دوم، طواف باطل است، مگر این که بعد از دخول در نماز طواف شک کند

۲- آیهٔ اللَّه بهجت: احوط بطلان طواف است.آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: ظاهر این است که طوافش باطل است و احتیاطاً بقصد رجاء تمام و اعاده طواف نماید.آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: لکن احوط اتیان نماز طواف و اعاده طواف و نماز است.آیهٔ اللَّه فاضل، آیهٔ اللَّه مکارم: آن دور را تمام کند و طوافش صحیح است

[۳۳۵] م- اگر در آخر دور یا اثنای آن، شک کند میان شش و هفت و هرچه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است. (۱)(مناسک م ۶۲۶)

[۳۳۶] م- در مواردی که شک در دورهای طواف موجب بطلان طواف است، اگر طواف دیگری شروع کرد و در اثناء آن یقین به دورهای طواف اول برایش حاصل شد احتیاط کند. (۲)(مناسک س ۶۸۷)

[۳۳۷] م- اگر در طواف مستحب شک کند در عدد دورها، بنابر اقل گذارد و طوافش صحیح است.(مناسک م ۶۲۷)

[۳۳۸] م- اگر در اثناء طواف شک کند که طواف را به نیت منوب عنه شروع کرده یا برای خود، احتیاط آن است که طواف را به نیت منوب عنه اتمام کند و

۱- آیهٔ اللّٰه بهجت: بطلان طواف او و لزوم استیناف، خالی از قوت نیست با آن‌که فی‌الجمله احوط است و احوط از آن بنا بر اقلّ بگذارد و اتمام و بعد از آن اعاده طواف نماید.آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر شک در نقیصه در غیر ۶ و ۷ باشد، طوافش باطل است. و اگر شک در پایان شوط بین ۶ و ۷ باشد، بنابر احتیاط واجب طواف را اعاده کند ولی اگر در این صورت بنابر ۶ گذاشت و از روی جهل به مسأله طواف را تمام کرد و متوجّه مسأله نشد تا وقت اعاده گذشت طوافش صحیح است و اگر شک در زیاده و نقصان باشد؛ مثل این‌که شک کند بین ۶ و ۷ و ۸ و یا شک بین ۶ و ۸ طوافش باطل است.آیهٔ اللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب

۲- آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: طواف دوم محکوم به صحت است، همان را به اتمام برساند.آیهٔ اللّٰه مکارم: صبر می‌کند تا موالات طواف دوم به هم بخورد، سپس طواف اول را تکمیل کند.آیهٔ اللّٰه صافی، گلپایگانی: احتیاط به این صورت کند که طواف دوم را رها کند و طواف قبلی را تکمیل کند و پس از نماز طواف قبلی، طواف و نماز آن را به طور کامل اعاده نماید.آیهٔ اللّٰه خویی: فتاوای ایشان در دست نیست

پس از نماز، دو مرتبه آن را با نماز دیگر اعاده کند. (۱)(مناسک س ۶۹۵)

[۳۳۹] م- شخص کثیر الشك در عدد دورها اعتنا به شکش نکند (۲) و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند.(مناسک م ۶۲۹)

[۳۴۰] م- معیار درکثیر الشك بودن در طواف این است که عرفاً بگویند در طوافش زیاد شك می کند (۳)(مناسک س ۷۴۶)

[۳۴۱] م- گمان در عدد دورها اعتبار ندارد (۴) و حکم شک را دارد.(مناسک س ۶۲۹)

رها کردن طواف و از سر گرفتن آن

[۳۴۲] م- کسی که در اثناء طواف آن را رها کند و از سر بگیرد، اگربعد از دور چهارم بوده به احتیاط واجب طواف اول را تمام کند و نماز بخواند و بعد یک

۱- آیة اللَّه بهجت: می‌تواند طواف را به نیت منوب عنه تمام کند.آیة اللَّه خامنه‌ای: می‌تواند به نیت منوب عنه اتمام کرده و پس از نماز، آن را کاملًا اعاده کند و می‌تواند صبر کند تا موالات عرفیه به هم خورده و سپس آن را اعاده کند.آیة اللَّه سیستانی: باید طواف را به نیت نیابت از سر بگیرد.آیة اللَّه فاضل: به نیت آنچه نیت کرده اتمام کند و نماز طواف را بخواند ولی نمی‌تواند به آن اکتفا کند و باید طواف و نماز آن را به نیت منوب عنه اعاده کند

۲- آیة اللَّه بهجت: کثیر الشکّ در طواف، مثل کثیر الشک در نماز است و همان وظیفه را دارد. آیة اللَّه خویی: کثیرالشک در طواف تا به حدّ وسواس نرسد باید به شکش اعتنا کند.آیة اللَّه سیستانی: کثیرالشک در طواف نباید به شکش اعتنا کند چنانچه در نماز نباید اعتنا کند. آیة اللَّه مکارم: و بنا را بر آنچه به نفع اوست بگذارد

۳- معیار این است که شکی که برای او حاصل می‌شود نسبت به کسانی که در موجبات حواس پرتی مانند او هستند به مقدار معتنا به بیشتر باشد

۴- آیة اللَّه بهجت: حکم آن مانند حکم ظنّ در نماز است

طواف دیگر و نماز طواف بجا آورد (۱) واگر قبل از دور چهارم بوده، در فرض سؤال باید یک طواف دیگر بجا آورد (۲) و با فرض جهل، ظاهر این است که اعمال مترتّبه صحیح و از احرام خارج شده است (۳) و اگر طواف دوم را هم رها کند و طواف سومی را انجام دهد همین حکم را دارا است.(مناسک م ۶۵۲- ۶۵۷- ۷۶۱)

نیابت در طواف

[۳۴۳] م- همان گونه که کل طواف برای شخص عاجز و معذور قابل نیابت است، بعضی از شوطهای آن نیز قابل نیابت است. (۴)(مناسک س ۶۷۵- ۶۸۳)

۱- آیهٔ اللّٰه خویی: در فرض اعتقاد به جواز از سرگرفتن طواف، طواف مزبور مجزی است.آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای، فاضل، صافی، گلپایگانی، نوری: این احتیاط واجب نیست بلکه همان طوافی که از سر گرفته کفایت می‌کند

۲- آیهٔ اللّٰه تبریزی: در هر دو صورت، اگر یک طواف کامل به نیت وظیفه فعلیه، اعم از تمام و اتمام بجا آورد کافی است.آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر قبل از اتمام شوط چهارم باشد و قطع به این صورت باشد که از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده باشد که عرفاً بگویند طوافش را قطع کرده است سپس از سرگرفته باشد طواف صحیح است و اگر بعد از شوط چهارم باشد در صورتی که استیناف، پس از فوت موالات عرفیه بوده صحیح است و گرنه مشکل است مگر این که جاهل قاصر باشد

۳- آیهٔ اللّٰه مکارم: طواف او و اعمال بعد از آن در هر دو حال صحیح است.آیهٔ اللّٰه صافی، گلپایگانی: اگر بعد از شوط چهارم بوده نقصان طواف اول را تکمیل کند و نماز آن را نیز بخواند

۴- آیات عظام صافی، مکارم، گلپایگانی: در صورتی که بتوان آنها را در باقیمانده طواف داد باید چنین کنند و الّا برای کل طواف نائب بگیرند.آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: اگر کسی از ابتدا بر انجام بعضی از طواف عاجز است باید برای کل طواف نائب بگیرد. و آیهٔ اللّٰه سیستانی و فاضل افزوده‌اند: و همچنین اگر قبل از اتمام شوط چهارم عاجز شود و اگر بعد از شوط چهارم عاجز شود برای باقیمانده نائب بگیرد و نماز را خودش بخواند

[۳۴۴] م- انجام طواف به نیابت از دیگری قبل از طواف عمره یا حج یا طواف نساء جایز است. (۱)(مناسک س ۷۱۵)

طواف با لباس دوخته

[۳۴۵] م- اگر محرم طواف و سعی خود را با لباس دوخته انجام دهد، طواف و سعی او صحیح است (۲)، هر چند به واسطه پوشیدن لباس دوخته در غیر موارد عذر معصیت کرده است و در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود و با تقصیر از احرام خارج شده، لازم نیست (۳) با لباس احرام آن‌ها را اعاده کند(مناسک س ۷۵۱- ۷۵۲)

طواف حائض و مستحاضه

[۳۴۶] م- زن اگر در ایام عادت خون دیده و سپس پاک شده و مجدداً خون

۱- آیهٔ اللّٰه صافی، گلپایگانی: در طواف عمره احوط آن است که بعد از انجام مناسک خود و قبل از تقصیر و خروج از احرام، طواف نیابتی را انجام دهد.آیهٔ اللّٰه تبریزی: احوط آن است که پس از انجام اعمال خود آن را برای منوب عنه انجام دهد

۲- آیهٔ اللّٰه تبریزی: اگرساتر منحصر به لباس‌های دوخته‌ای که پوشیده است باشد طواف اشکال دارد مگر اعتقاد داشته که این عمل بر او جایز است.آیهٔ اللّٰه مکارم: درصورت عمد خلاف احتیاط است

۳- آیهٔ اللّٰه خویی، سیستانی: اگر طواف را از روی جهل ترک کرده و یا آنها را باطل انجام داده دراحرام باقی است و باید لباس دوخته را درآورد.آیهٔ اللّٰه صافی، گلپایگانی: در طواف عمره تمتع و عمره مفرده، احرام واجب است

دید، چنان چه قبل از ده روز پاک شود آن خون محکوم به حیض است (۱) واگر در فاصله‌ای که پاک بوده، طواف و نماز را انجام داده، باید آن‌ها را اعاده نماید.(مناسک س ۷۱۹)

[۳۴۷] م- زن اگر به جهتی مانند استفاده از قرص، نظم عادت ماهانه‌اش به هم خورده، چنان چه یقین دارد خونی که می‌بیند سه روز استمرار دارد، هر چند به این نحو که پس از خروج خون تا سه روز در باطن فرج آلوده باشد حکم حیض را دارد و گرنه باید به وظائف مستحاضه عمل نماید. (۲)(مناسک س ۷۲۰)

[۳۴۸] م- زن اگربرای عمره محرم شده، اگر به واسطه حیض نتواند طواف کند، باید صبر کند و پس ازپاک شدن، طواف و اعمال دیگر را انجام دهد و اگر بترسد که نتواند تا زمانی که در مکه است عمره را انجام دهد باید برای طواف و نماز نائب گرفته و سایر اعمال را خودش انجام می‌دهد.(مناسک س ۱۸۹)

[۳۴۹] م- اگر زن در اثناء طواف حائض یا مستحاضه شود حکم آن همان است که در عارض شدن حدث گذشت(مناسک م ۵۴۹)

[۳۵۰] م- اگر زن پس از این که متوجه شد که طواف عمره را باطل انجام داده حایض شد و کاروان منتظر او نمی‌ماند، برای طواف و نماز نایب گرفته و بقیه اعمال را خودش به جا می‌آورد(مناسک س ۷۲۳- ۱۸۹)

۱- آیهٔ اللّٰه تبریزی، خویی: اگر خون دوم به صفات حیض باشد.آیهٔ اللّٰه مکارم: اگر اعمال در حال پاکی واقع شده صحیح است.آیهٔ اللّٰه سیستانی: پاکی بین دو خون که حیض واحد شمرده می‌شوند محل اشکال است و به احتیاط واجب باید طواف و نماز را اعاده کند

۲- آیهٔ اللّٰه صافی، گلپایگانی: در صورتی که سه روز اول پشت سرهم نباشد مثل آن که دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، بنابر احتیاط لازم در روزهایی که خون می‌بیند باید جمع کند میان کارهای مستحاضه و تروک حایض و در روزهایی که خون نمی‌بیند جمع کند میان عبادت‌های خود و تروک حائض

[۳۵۱] م- زن مستحاضه، چنان چه استحاضه‌اش قلیله باشد، باید برای هر یک از طواف و نماز، جداگانه وضو بگیرد (۱) و اگر متوسطه باشد، باید علاوه بر این، یک غسل برای طواف و نماز انجام دهد، و اگر کثیره باشد (۲) یک غسل دیگرهم برای نماز انجام دهد، این در صورتی است که خون مستمر باشد و اگر از وقت وضو یا غسل برای طواف تا آخر نماز، خون قطع باشد، طهارتی که برای طواف

۱- آیهٔ اللّٰه سیستانی، گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب

۲- آیهٔ اللّٰه تبریزی: بنابر احتیاط برای طواف و نماز آن یک غسل کند و برای هریک از آن‌دو یک وضو بگیرد.آیهٔ اللّٰه خویی: و اما کثیره غسل کند برای هر کدام و محتاج به وضو نیست، مگر این که محدث به حدث اصغر باشد، که در این صورت احوط ضم وضو است به غسل.آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر خون مستمر باشد که بیرون آمدن خون از پنبه منقطع نشود یک غسل کافی است، اگرچه احتیاط مستحب برای هر کدام یک غسل است و اگر چنین نباشد و به نحوی باشد که بتواند پس از طواف با غسلی دیگر نماز را انجام دهد در حالی که خون بیرون نزده باشد، در این صورت اگر پس از غسل و انجام طواف خون بیرون نیامده بود می‌تواند با همان غسل نماز را بخواند و اگر بیرون آمده بود به احتیاط واجب برای نماز دوباره غسل کند.آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: اگر بعد از غسل برای نماز یومیه خون نبیند تجدید غسل لازم نیست و اگر خون ببیند، برای هرکدام از طواف و نماز طواف یک غسل احتیاطاً بجا آورد و اگر فاصله بین غسل و طواف زیاد می‌شود، مثل اینکه در نزدیک مسجد الحرام نتواند غسل کند، احتیاطاً در موقع ورود به مسجد الحرام تیمم بدل از غسل هم بنماید.آیهٔ اللّٰه فاضل: احتیاط واجب آن است که مستحاضه کثیره علاوه بر اغسال یومیه، یک غسل برای طواف و نماز آن انجام دهد و برای طواف یک وضو و برای نماز طواف هم یک وضو بگیرد. و متوسطه بنابر احتیاط واجب یک غسل برای طواف و نماز طواف و برای هر کدام یک وضو بگیرد.آیهٔ اللّٰه مکارم: مستحاضه کثیره هنگامی که غسل‌های نماز خود را به موقع بجا آورد، غسل دیگری برای طواف بر او واجب نیست، تنها وضو بگیرد بنابر احتیاط

تحصیل کرده کافی است(مناسك س ۷۲۵- ۷۲۷)

[۳۵۲] م- زن مستحاضه اگر پاك شد و وضو گرفت و غسل کرد و مشغول طواف شد و در اثناء طواف مجدداً خون دید، حکم آن همان حکم عارض شدن حدث در اثناء طواف است. ولی اگرخون مستمر باشد و به وظیفه‌اش عمل کرده، با تحفظ از خروج آن، طواف او صحیح است.(مناسک س ۷۳۰)

[۳۵۳] م- مستحاضه پس از تحصیل طهارت برای طواف و نماز آن، باید مبادرت به عمل نماید و اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند، باید وضو و غسل خود را نزدیک مسجد الحرام انجام دهد (۱)(مناسک س ۷۳۲)

[۳۵۴] م- اگر مستحاضه در اثناء طواف به جهت اقامه نماز و مانند آن نتواند به طوافش ادامه دهد، اگر از هنگام غسل تا آخر طواف خون قطع بوده طواف صحیح است و در غیر این صورت، احوط آن است که این طواف را تمام کند و پس از غسل اعاده نماید. (۲)(مناسک س ۷۳۳)

[۳۵۵] م- زن غیر سیده (۳) خونی که بعد از تمام شدن پنجاه سال قمری

۱- آیةاللّٰه سیستانی: اگر فاصله بین غسل یا وضو یا هر دو و انجام طواف یا نماز طواف زیاد باشد و تیمّم بدون فاصله میسّر باشد، به احتیاط واجب قبل از نماز یا طواف یک تیمم بدل از غسل یا وضو کند.آیةاللّٰه صافی، آیةاللّٰه گلپایگانی: و اگر از نزدیک مسجد الحرام نتواند غسل کند احتیاطاً در موقع ورود به مسجد تیمم بدل از غسل هم بنماید.(مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۸ مسأله ۹)

۲- آیةاللّٰه بهجت: اتمام لازم نیست.آیةاللّٰه تبریزی، مکارم: تمام کردن طواف سابق کافی است.آیةاللّٰه سیستانی: اگرقبل از پایان شوط چهارم بود با غسل جدید طواف را از سربگیرد و اگر بعد از شوط چهارم بوده با غسل جدید اتمام کند

۳- آیةاللّٰه سیستانی: یائسگی در سیده و غیر سیده با اتمام ۶۰ سال قمری شروع می‌شود.آیةاللّٰه مکارم: یائسگی در سیده و غیر سیده با اتمام ۵۰ سال قمری شروع می‌شود.آیةاللّٰه تبریزی، خویی: زن غیر سیده اگر بین ۵۰ تا ۶۰ سال خونی به صفات حیض دید بنابر احتیاط جمع بین احکام حایض و مستحاضه می‌کند

می‌بیند حکم استحاضه را دارد، هرچند به صفات حیض باشد و تا وقتی که رسیدن به سن مزبور برای زن اثبات نشده حکم زنان غیر یائسه را دارد.(مناسک ۷۲۶)

[۳۵۶] م- زنی که حائض شده، اگر با استفاده از دارو کاری کند که خون کاملًا قطع گردد به طوری که در باطن فرج هم خون سه روز استمرار پیدا نکند، خون حیض نبوده است و با انجام وظیفه مستحاضه طواف و نماز او صحیح است. (۱)(مناسک س ۷۲۸)

[۳۵۷] م- شخصی که بعد از اعمال متوجه می‌شود که غسل واجبی مانند غسل مس میت یا نفاس برعهده‌اش بوده است، چنان چه بعد از آن، غسل جنابت (۲) انجام داده کفایت می‌کند و عملش صحیح است و الّا حکم کسی را دارد که طواف خود را باطل انجام داده است.

۱- آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: در صورتی که سه روز اول پشت سر هم نباشد؛ مثل آنکه دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، بنابر احتیاط لازم در روزهایی که خون می‌بینند باید جمع کند میان کارهای مستحاضه و تروک حایض و در روزهایی که خون نمی‌بینند هم کارهایی را که بر حایض حرام است ترک کند و عبادت‌های خود را بجا آورد.(توضیح المسائل، مسأله ۴۴۷، احکام حایض)

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: یا هر غسل واجب دیگر یا مستحبی که استحباب آن ثابت است با شد غسل احرام یا غسل جمعه انجام داده باشد کافی است.آیهٔ اللّه فاضل: اگر غسل واجبی انجام داده کفایت می‌کند والّا کفایت نمی‌کند.آیهٔ اللّه بهجت، گلپایگانی: غسل واجب دیگر کفایت می‌کند و در کفایت غسل مستحبی اشکال است، احتیاط ترک نشود

وظیفه دائم الحدث

[۳۵۸] م- بیماری که حدث(بول، غائط، ریح) پی درپی از او خارج می‌شود، اگر فرصتی دارد که می‌تواند در آن طواف را با وضو و طهارت بدن انجام دهد، باید پس از وضو و طهارت بدن، طواف را در آن وقت انجام دهد و اگرچنین فرصتی ندارد اگر مشقت نداشته باشد، برای هر بار که حدث از او صادر می‌شود یک وضو بگیرد هر چند با بردن آب همراه خود در طواف و نماز باشد (۱)(مناسک س ۷۵۰- ۷۳۸)

[۳۵۹] م- کسی که بول یا غائط پی در پی از او خارج می‌شود واجب است تا آن جا که می‌تواند از سرایت نجاست به بدن و لباس خود جلوگیری کند به همان کیفیتی که در نماز انجام می‌دهد.(مناسک س ۷۳۹)

[۳۶۰] م- اگر حدث از غیر مجرای طبیعی به طور پی‌درپی خارج می‌شود حکم حدثی را دارد که از مجرای طبیعی به طور پی‌درپی خارج می‌شود که در دو مسأله قبل گذشت (۲)(مناسک س ۷۳۹)

۱- آیهٔ اللّٰه بهجت: این در حدث بول و ریح است ولی اگر حدث غائط است برای طواف نائب بگیرد.

آیهٔ اللّٰه صافی، گلپایگانی: اگر حدث ریح یا غائط باشد برای طواف نائب بگیرد و احتیاطاً خودش هم طواف کند و اگر حدث بول است چنان چه می‌تواند برای هر بار که حدث از او سر می‌زند وضو بگیرد. آیهٔ اللّٰه گلپایگانی اضافه فرموده‌اند: و اگر این را هم نمی‌تواند، چهار شوط آن را بجا آورد و سپس تجدید وضو نموده و بقیه طواف را بجا آورد.

آیهٔ اللّٰه فاضل: و بنابر احتیاط واجب برای طوافش نائب هم بگیرد.

آیهٔ اللّٰه تبریزی، خویی: درمورد مسلوس تا وقتی که حدث متعارض از او سر نزده یک وضو برای طواف و یک وضو برای نماز کافی است و درمورد مبطون مبتلای به حدث غائط فرموده‌اند احوط جمع بین طواف خودش و طواف نائب است، آیهٔ اللّٰه سیستانی و مکارم: تا زمانی که حدث متعارف از آنها سر نزده همان وضو کافی است

۲- آیهٔ اللّٰه خویی: بنابر احتیاط واجب همان حکم را دارد

مسائل متفرقه طواف

[۳۶۱] م- واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمین و یسار نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند (۱) و می‌تواند طواف را رها کند و خانه را ببوسد و برگردد از همانجا اتمام کند.(مناسک، مسأله ۶۳۵)

[۳۶۲] م- در حال طواف تکلم کردن و خنده نمودن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراهت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.(مناسک، مسأله ۶۳۴)

[۳۶۳] م- اگر معاذاللَّه در حال طواف معصیتی مانند تماس عمدی با بدن نامحرم انجام شود طوافش باطل نمی‌شود (۲) و اگر درحال احرام کاری که موجب کفاره است و انجام داده باید کفاره بدهد. (۳)(مناسک س ۷۰۹)

[۳۶۴] م- پا گذاردن روی احرامی دیگران و اشیایی که از افراد در مطاف

۱- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر در حال حرکت نباشد و اگر هم باشد ولی از خط منحرف نشود اشکال ندارد.آیهٔ اللَّه سیستانی: احتیاط واجب آن است که به حدّی رو نگرداند که بتواند مقداری از پشت سر را نگاه کند

۲- آیهٔ اللَّه تبریزی: چنانچه موجب تماس، مشی در حال طواف باشد طوافش اشکال دارد

۳- آیهٔ اللَّه فاضل: اگربا علم و عمد بوده و موجب انزال شود، علاوه بر گناه و کفاره یک شتر، نسبت به طواف، حکم محدث شدن در اثنای طواف را دارد.آیهٔ اللَّه مکارم: اگرلمس از روی لباس باشد گناه کرده و کفاره ندارد

می‌افتد، مانند ساعت و غیرآن، موجب بطلان طواف نمی‌شود. (۱)(مناسك س ۶۶۲)

[۳۶۵] م- اگر قسمتی از شوط را نادرست انجام دهد و در وقتی که می‌خواهد تدارك كند محل دقیق آن مشخص نباشد، برای تدارك باید از جلوتر شروع كند، با این قصد كه طواف او از همان جایی كه نادرست بوده ادامه پیدا كند و بقیه مقدمه علمیه باشد.(مناسک س ۷۰۶)

[۳۶۶] م- در مواردی كه احتیاط اقتضا می‌كند كه طواف را تكمیل كند و نماز بخواند و سپس آن را با نمازش اعاده كند، نمی‌تواند یك طواف كامل به قصد تمام و اتمام بجا آورد (۲)(یعنی چنان چه آن مقدار انجام شده باطل بوده، تمام هفت شوط طوافش باشد و چنان چه صحیح بوده، از طواف دوم به مقدار نقصان طواف اول، طواف باشد) و بعد دو ركعت نماز بخواند. و تردید در نیت است.(مناسک س ۷۰۴)

[۳۶۷] م- اگر كسی مریض یا طفلی را حمل كند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف كند طواف هر دو صحیح است.(مناسك م ۶۳۳)

[۳۶۸] م- اگر در طواف، بی‌اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدار لازم است (۳) و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف كند و چنان چه ممكن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید ولی باید دانست كه منظور از بی‌اختیار

۱- آیات عظام صافی، گلپایگانی، مكارم: ولی عمداً پا روی آن نگذارد

۲- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، فاضل: كفایت می‌كند و صحیح است.آیهٔ اللّٰه سیستانی، مكارم: بنابر احتیاط نمی‌تواند

۳- آیهٔ اللّٰه تبریزی، خویی: مجرد بردن جمعیت، موجب بطلان طواف نمی‌شود مادامی كه سایر شرایط موجود باشد.آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای، مكارم: چون از او نیت می‌كند خود را در وسط جمعیت قرار دهد و طواف كند هر چند او را ببرند اعاده لازم نیست

شـدن ایـن نیست که در اثر فشـار جمعیت تنـدتر برود، بلکه در این صـورت اگر قـدم‌ها را به اختیـار خـود بر می‌دارد ضـرر نـدارد و طوافش صحیح است. (۱)(مناسک م ۶۴۰)

[۳۶۹] م- هرگاه در طواف خانه خدا در چند قدم از طواف اشکالی پیش آمد، مثل این که او را بی اختیار بردند، همان چند قدم را باید از سربگیرد و اگر از حجر الأسود به قصد طواف شروع کند اشکال دارد. و اگر نمی‌تواند برگردد، با جمعیت بدون قصد طواف برود تا به جایی که باید از آنجا طواف را اعاده کند برسد و از آنجا تدارک نماید. (۲)(مناسک م ۶۳۹ و ۶۴۱)

[۳۷۰] م- اگر قسمتی از یک شوط طواف، نادرست انجام شود و شخص بخواهد آن را تدارک کند، لازم نیست از همان مکانی که طواف اشـکال پیـدا کرده آن را ادامه دهـد، بلکه می‌توانـد محـاذی آن در طرف راست یـا چپ آن مکان طواف را تـدارک کنـد و همین طور است مواردی که طواف درنقطه‌ای قطع می‌شود و شخص می‌خواهد آن را تکمیل نماید.(مناسک س ۷۴۳)

[۳۷۱] م- اگر به جای تـدارک آن مقـدار از شوط که اشـکال پیدا کرده آن را رها کند و شوط دیگری به جا آورد طوافش اشـکال دارد و باید آن را اعاده کند. (۳)(مناسک س ۶۹۷)

۱- آیهٔ اللّٰه سیستانی: بی‌اختیار شدن به این است که نه بتواند توقف کند و نه از مطاف خارج شود

۲- آیـهٔ اللّٰه سیسـتانی، فاضـل: اگرنتوانـد برگردد و جـبران کنـد، می‌توانـد بـدون قصـد طواف تـا حجر الأـسود برود و آن دور را از سربگیرد، آیـهٔ اللّٰه سیسـتانی اضافه فرموده‌انـد: و نمی‌تواند بدون قصد طواف برود تا جایی که طوافش نادرست بوده است و از آنجا اعاده نماید

۳- آیهٔ اللّٰه بهجت، فاضل: طواف او صحیح است.آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر جاهل قاصر باشد طواف صحیح است

[۳۷۲] م- در مواردی که قسمتی از شوط را صحیح انجام نداده، اگر بدون تدارک آن قسمت به طواف ادامه دهد، طواف او صحیح نیست. (۱)(مناسک س ۷۱۱)

[۳۷۳] م- در عدد دورهای طواف و سعی و عدد سنگ‌های رمی، در صورتی می‌توان به دیگری اعتماد کرد که اطمینان به عدد حاصل شود. (۲)(مناسک س ۷۱۲)

[۳۷۴] م- نائبِ در طواف حج یا عمره، لازم نیست محرم باشد یا لباس احرام در برداشته باشد، بلکه می‌تواند طواف نیابی را در غیر احرام و با لباس دوخته انجام دهد(مناسک س ۷۰۵- ۷۵۱- ۷۵۲)

[۳۷۵] م- کسی که از احرام خارج شده و می‌خواهد طواف و نماز را اعاده کند لازم نیست طواف را با لباس احرام انجام دهد (۳)(مناسک س ۷۵۱)

[۳۷۶] م- کسی که در بین طواف، شخصی را از روی زمین بلند می‌کند، یا چیزی را بر می‌دارد و در آن حال نمی‌داند آیا بدون توجه و قصد طواف، یک یا چند قدم به جلو آمده یا نه، باید آن مقدار را احتیاطاً اعاده کند. (۴)(مناسک س ۷۵۸)

[۳۷۷] م- اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند باید همان قسمت تصحیح

۱- آیهٔ اللّه بهجت: اگر یک شوط به عنوان تکمیل بجا آورد طواف صحیح است.آیهٔ اللّه فاضل: اگر هنوز موالات عرفیه به هم نخورده باید نقصان شوط اول را جبران و اتمام کند و بنابر احتیاط اعاده هم بنماید

۲- آیهٔ اللّه تبریزی، خویی: یا آن شخص ثقه باشد.آیهٔ اللّه سیستانی: در خصوص طواف می‌توان بر او اعتماد کرد اگر خود او یقین به عدد اشواط داشته باشد

۳- آیهٔ اللّه خویی، سیستانی: بر احرام خود باقی است و باید از محرمات احرام اجتناب کند.آیهٔ اللّه صافی، گلپایگانی: درطواف عمره مفرده و تمتع، احرام واجب است و در طواف حج، احرام لازم نیست

۴- آیات عظام بهجت، صافی، سیستانی: به شک خود اعتنا نکنند.آیهٔ اللّه تبریزی، مکارم: اگر قصد طواف ولو اجمالًا داشته باشد کافی است

شود و ادامه بعد از آن به قصد طواف، بدون تصحیح آن قسمت، موجب اشکال درطواف می‌شود و با آوردن یک شوط بعد از طواف احتیاطاً اشکال رفع نمی‌شود.(مناسک س ۷۶۳)

طواف مستحب

[۳۷۸] م- طواف یعنی هفت شوط کامل و انجام یک یا چند شوط، استحبابش ثابت نیست (۱)(مناسک س ۷۴۵)

[۳۷۹] م- انجام طواف مستحب برای بانوان، با علم به این که نگاه آنان بی‌اختیار به نامحرم می‌افتد و در فشار جمعیت قرار می گیرند اشکالی ندارد، ولی بهتر است درموارد ازدحام مراعات نمایند.(مناسک س ۷۶۶)

[۳۸۰] م- شرائطی که در طواف واجب ذکرشد، به جز آن چه استثناء شده (۲)، در طواف مستحب نیز معتبر است.(مناسک س ۷۶۳۵)

[۳۸۱] م- کسی که حمد و سوره نمازش را نمی‌تواند به طور صحیح تلفظ کند، اگر وقت دارد و می‌تواند با تأخیر طواف قرائت خود را تصحیح کند، تأخیر آن لازم نیست (۳) و اگر بعد از طواف، تا قبل از فوات موالات عرفیه، بین طواف و نماز

۱- آیهٔ اللّٰه سیستانی: یک شوط نیز از خود یا از غیر خود مستحب است.(جامع الفتاوی م ۳۷۵)

۲- آیهٔ اللّٰه فاضل، مکارم: موالات و طهارت از حدث در طواف مستحبی شوط نیست

۳- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر عسرو حرج ندارد صبر کند یا به جماعت بخواند.آیات عظام تبریزی، خویی، صافی: اگر برای او امکان داشته باشد باید تأخیربیندازد تا قرائتش را تصحیح نماید.آیهٔ اللّٰه فاضل، مکارم: باید تأخیر بیندازد مگر این که بقای در احرام موجب عسر و حرج شود.آیهٔ اللّٰه سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید تأخیر بیندازد

نتواند غلطهای خود را درست کند، به هر نحو می‌تواند، نماز بخواند. (۱)(مناسك س ۸۲۲- ۸۱۰)

[۳۸۲] م- اگر نماز طواف را در غیر موضعی که بایـد به جا آورد انجام داد، مثل این که در حجر اسـماعیل علیه السلام نماز خواند وبعد از آن متوجه شد، باید نماز را اعاده کند (۲)، ولی اعاده سایر اعمال لازم نیست.(مناسک س ۸۱۵)

[۳۸۳] م- اگر زن بعـد از طواف و قبل از انجام نماز طواف حائض شد، چنان چه وقت وسـعت دارد صبر می‌کند تا پاك شود و پس از تحصـیل طهارت، نماز طواف و بقیه اعمال را انجام دهد و اگر وقت تنگ باشد، برای نماز طواف نائب می‌گیرد و سـعی و تقصـیر را به جا می‌آورد.(مناسک س ۸۱۱)

[۳۸۴] م- اگر زن، نماز طواف را فراموش کرد، یا به جهت جهل به مسأله یا سـهواً آن را باطل انجام داد و پس از آن که متوجه شـد حایض گردیـد، در وسعت وقت پس از پاك شدن، نماز طواف را به جا می‌آورد و اگر بعد از انجام سـعی یا تقصـیر متوجه شد که نماز را ترک کرده یا باطل انجام داده، اعاده سعی و تقصیر لازم نیست.(مناسک س ۷۹۵)

[۳۸۵] م- انجـام نمـاز طواف به جماعت کافی نیست (۳)، ولی اگر کسـی که حمـد و سوره‌اش درست نیست، بخواهد برای احتیاط (۴) نماز طوافش را به جماعت بخواند، می‌توان در طواف واجب به شـخص عادلی که نماز طواف واجبش را می‌خواند اقتدا کند هر چند طواف امام غیر طواف ماموم باشد، مثل این که در نماز طواف به نماز طواف نساء اقتداء کند.(مناسك ۷۹۹- ۸۰۰)

۱- تفصیل نظر آیات عظام در مسأله ۴۲۱ آمده است

۲- آیهٔ اللّه نوری همدانی: اعاده نماز هم لازم نیست

۳- آیهٔ اللّه بهجت: کافی، بلکه مستحب است

۴- آیهٔ اللّه مکارم: بهتر ترک این احتیاط است

[۳۸۶] م- کسی که نمی‌تواند حمد و سوره و ذکرهای واجب نماز را به طور صحیح تلفظ کند، جایز نیست از طرف دیگری برای حج یا عمره نیابت کند، هر چند نیابتش تبرعی باشد و اگر نائب شد احرامش باطل است (۱). بلی کسی که می‌تواند ذکرهای واجب را تصحیح کند، نیابتش جایز است و اگر نایب شد باید نمازش را تصحیح کند و عمل نیابی را صحیح انجام دهد تا از احرام خارج شود(مناسک س ۸۰۱- ۸۰۲)

[۳۸۷] م- اگر بعد از نماز طواف متوجه شود که قرائت یا ذکر واجب را صحیح ادا نکرده است، چنان چه احتمال نمی‌داده است آن چه ادا کرده غلط بوده است نمازش صحیح است (۲)(مناسک س ۸۰۳)

[۳۸۸] م- کسی که حمد و سوره و ذکرهای واجب نماز را صحیح ادا نمی‌کند، می‌تواند جهت انجام عمره مفرده استحبابی یا حج استحبابی محرم شود. (۳) ولکن چنان چه می‌تواند، باید نماز خود را تصحیح کند(مناسک س ۸۱۲)

۱- آیهٔ اللّٰه سیستانی: احرامش صحیح است و باید به نیت منوب عنه تمام کند هر چند به احتیاط واجب مجزی از منوب عنه نیست.آیهٔ اللّٰه بهجت: شخصی که قرائتش درست نبوده یا از جهت دیگری معذور بوده و بدون توجه از طرف دیگری محرم شده احتیاطاً درموارد عذر نائب بگیرد و خود نیز آن عمل را انجام دهد در این صورت نیابتش صحیح است و هر چند از اول نمی‌توانسته نایب شود.آیهٔ اللّٰه تبریزی، خویی، گلپایگانی: احتیاطاً حج را به نیت منوب عنه تمام کند- آیهٔ اللّٰه گلپایگانی اضافه فرموده‌اند: ولکن صحت عمره مذکور برای منوب عنه محل اشکال است و نسبت به اجرت نیز با مستأجر مصالحه نماید

۲- آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: نماز باطل است و باید اعاده شود.آیهٔ اللّٰه خویی: اگر جاهل قاصر باشد صحیح است.آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر در اشتباه خود معذور بوده نمازش صحیح است و الّا اعاده نماید

۳- نظر آیات عظام در مورد نایب گرفتن برای نماز طواف و به جماعت خواندن آن گذشت

[۳۸۹] م- اگر در حال قرائت یا ادای ذکر واجب، او را حرکت دادند، به طوری که استقرار از بین برود، باید آن مقداری را که بدون استقرار بوده مجدداً اعاده نماید و اگر در حال تکرار نیز از استقرار خارج شد، باز باید آن را اعاده کند و اما اگر حرکت به حدی نباشد که به استقرار معتبر در نماز ضرر بزند، نباید آن چه در حال حرکت گفته اعاده نماید، مگر به قصد احتیاط، به شرط آن که وسوسه نباشد(مناسک س ۸۰۵)

[۳۹۰] م- انجام طواف مستحب قبل از اعمال عمره تمتع و مفرده و پس از محرم شدن برای حج تمتع وقبل از رفتن به عرفات و پیش از طواف حج یا طواف نساء، به عمره و حج ضرر نمی‌زند، گرچه احوط ترک طواف مستحبی است. (۱)(مناسک س ۷۶۸)

[۳۹۱] م- هر شوط از طواف مستحب را نمی‌توان به نیت یک نفر انجام داد، ولی انجام یک طواف به نیابت از چندین نفر اشکالی ندارد. (۲)(مناسک س ۷۶۹)

مستحبات طواف

مستحبات طواف (۳)

[۳۹۲] م- در حال طواف، مستحب است بگوید:

۱- آیة اللّٰه خویی: احوط این است که متمتع پس از احرام و قبل از رفتن به عرفات طواف مستحبی نماید و چنان چه طواف نمود بعد از طواف تلبیه را تجدید کند.آیة اللّٰه سیستانی: طواف مستحبی قبل از طواف عمره و حج اشکالی ندارد ولی پس از احرام و قبل از رفتن به عرفات، به احتیاط واجب طواف مستحبی نکند و اگر کرد به احتیاط مستحب تلبیه را تجدید کند

۲- آیة اللّٰه سیستانی: نیابت در یک شوط نیز صحیح است ولی در این صورت نباید مجموع هفت شوط را به عنوان یک طواف انجام دهد.آیة اللّٰه مکارم: و نیز می‌تواند ثواب هر شوط رابه یک نفر اهداء کند

۳- آیة اللّٰه مکارم: این مستحبّات را به قصد رجاء بجا آورد

«أللّهُمَّ إنِّی أسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی یُمْشی بِهِ عَلی طَلَلِ الْماءِ کَما یُمْشی بِهِ عَلی جُدَدِ الأَرْضِ وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الّذِیْ یَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُکَ وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی تَهْتَزُّ لَهُ اقْدامُ مَلائِکَتِکَ وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعاکَ بِهِ مُوسی مِنْ جانِبِ الطُّورِ فاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأ لْقَیْتَ عَلَیْهِ مَحَبَّةً مِنْکَ وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الّذی غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَما تَأخَّرَ وأتْمَمْتَ عَلَیْهِ نِعْمَتَکَ أنْ تَفْعَلَ بِی کَذا وَکَذا».

و بجای کذا و کذا حاجت خود را بخواهد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«أللّهُمَّ إنِّی إلَیْکَ فَقِیْرٌ وَإنِّی خائِفٌ مُسْتَجِیْرٌ فَلا تُغَیِّرْ جِسْمِی وَلا تُبَدِّلْ إسْمِی».

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد به خصوص وقتی که به در خانه کعبه می‌رسد این دعا را بخواند:

«سائِلُکَ، فَقِیْرُکَ، مِسْکِیْنُکَ بِبابِکَ، فَتَصَدَّقْ عَلَیْهِ بِالْجَنَّةِ، أللّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ وَالْحَرَمُ حَرَمُکَ وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ وَهذا مَقامُ الْعائِذِ بِکَ الْمُسْتَجِیرِ بِکَ مِنَ النَّارِ فَأعْتِقْنِی وَوالِدَیَّ وَأهْلِی وَوُلْدِی وَإخْوانِیَ الْمُؤْمِنِینَ مِنَ النَّارِ یا جَوادُ یا کَرِیمُ».

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

«أللّهُمَّ أدْخِلْنِی الْجَنَّةَ وَأجِرْنِی مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ وَعافِنِی مِنَ السُّقْمِ وَأوْسِعْ عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإنْسِ وَشَرَّ

فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَم».

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد، بگوید:

«یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یاذَا الْجُودِ وَالْکَرَمِ إنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِی وَتَقَبَّلْهُ مِنِّی إِنَّکَ أ نْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ».

و چون به رکن یمانی برسد دست به دعا بردارد و بگوید:

«یا أللّهُ یا وَلِیَّ الْعافِیَةِ وَخالِقَ الْعافِیَةِ وَرَازِقَ الْعافِیَةِ وَالْمُنْعِمُ بِالْعافِیَةِ وَالْمَنّانُ بِالعافِیَةِ والمُتَفَضِّلُ بِالْعافِیَةِ عَلَیَّ وَعَلی جَمِیعِ خَلْقِکَ یا رَحْمنَ الدُّنْیا وَالآخِرَةِ وَرَحیْمَهُما صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنا الْعافِیَةَ وَتَمامَ الْعافِیَةِ وَشُکْرَ الْعافِیَةِ فی الدُّنْیا وَالآخِرَةِ یا أرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ».

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ للّهِ الَّذی شَرَّفَکِ وَعَظَّمَکِ، وَالْحَمْدُ للّهِ الَّذی بَعثَ مُحَمَّداً نَبِیّاً وَجَعَلَ عَلِیّاً اماماً. أللَّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِیارَ خَلْقِکَ وَجَنِّبْهُ شِرارَ خَلْقِکَ».

و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد، بگوید:

«رَبَّنا آتِنا فی الدُّنیا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ».

و در شوط هفتم، وقتی که به مستجار (۱) رسید، مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«أللَّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ وَهذا مَکانُ الْعائِذِ بِکَ مِنَ النَّار».

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش بطلبد که ان

۱- مستجار در پشت کعبه در نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه قرار دارد

شاء اللّٰه تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«أللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِکَ الرَّوْحُ وَالْفَرَجُ وَالْعافِيَةُ. أللَّهُمَّ إنَّ عَمَلِی ضَعيفٌ فَضاعِفْهُ لِی وَاغْفِرْ لی مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّی وَخَفِیَ عَلی خَلْقِکَ أسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

و آنچه خواهد دعا کند و رکن يمانی را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگويد:

«أللَّهُمَّ قَنِّعْنِی بِما رَزَقْتَنی وَبارِکْ لِی فِيما آتَيْتَنی».

و برای طواف‌کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه کعبه و حجر الأسود را استلام نمايد و در وقت استلام حجر بگويد (۱):

«أمانَتی أدَّيْتُها وَمِيثاقی تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِی بِالْمُوافاةِ».

۱- آيهٔ اللّٰه مکارم: انجام بعضی از اين مستحبات در زمان ما و در ازدحام جمعيّت برای بسياری از مردم غير ممکن است، بنابراين آنچه را ممکن است انجام می‌دهد و آنچه را نمی‌توان انجام داد، هرگاه نيّت انجام آن را داشته باشد، خداوند مطابق نيّتش پاداش به او خواهد داد، بنابراين اصرار بر مزاحمت ديگران نبايد داشته باشد

نماز طواف

اشاره

سوم از واجبات عمره نماز طواف است.

[۳۹۳] م- واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره، دو رکعت نماز بخواند؛ مثل نماز صبح.(مناسک، مسأله ۷۷۳)

[۳۹۴] م- می‌تواند نماز طواف را با هر سوره‌ای که خواست بخواند، مگر سوره‌های سجده، (۱) و مستحب است در رکعت اول، بعد از «حمد»، سوره «قل هو اللّٰه احد» و در رکعت دوم، سوره «قل یا أیها الکافرون» را بخواند.(مناسک، مسأله ۷۷۴)

[۳۹۵] م- جایز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نماز صبح، یا آهسته مثل نماز ظهر.(مناسک، مسأله ۷۷۵)

[۳۹۶] م- شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است (۲) و باید اعاده

۱- آیهٔ اللّٰه سیستانی: قرائت سوره‌های سجده در نماز جایز است، ولی اگر سجده را انجام داد نماز باطل می‌شود مگر اینکه سهواً سجده کند و اگر سجده نکند نماز صحیح است ولی گناه کرده است و اگر قبل از آیه سجده، به سوره‌ای دیگر عدول کند اشکال ندارد هر چند عمداً شروع کرده باشد

۲- آیهٔ اللّٰه بهجت: بعد از استقرار آن به تروّی علی الأحوط، و اظهر اعتبار ظنّ در رکعات است مثل ظنّ در افعال؛ چه ظنّ به وجود باشد یا عدم، به مصحّح باشد یا مبطل، به رکن باشد یا غیر آن، در محل شک و یا نسیان باشد یا خارج از محل. پس لوازم آن از تدارک یا بطلان یا عدم تدارک را مترتّب می‌کند، اگر چه احتیاط در اعاده است فی الجمله، در صورت تعلّق ظنّ به فعل که تدارک نمی‌کند مگر در موردی که انجام دادن آن مبطل نباشد یقیناً

کنـد و بعیـد نیسـت اعتبـار ظنّ در (۱) رکعـات و در ظـن در افعـال (۲) احتیـاط کنـد. و در احکـام، این نمـاز بـا نمـاز یومیه مساوی است.(مناسک، مسأله ۷۷۶ و سؤال ۸۲۰)

[۳۹۷] م- احوط آن (۳) است که بعد از طواف، مبادرت به نماز کند و زود بجا آورد. و میزان، مبادرت عرفیه است، به طوری که به نظر عرف بین آن دو فاصله نشـود و اگر به قـدری فاصـله انـدازد که موالات عرفیه به هم بخـورد، طـواف و نمـازش صـحیح است. (۴)(مناسک، مسأله ۷۷۷)

۱- آیهٔ اللّٰه مکارم: احتیاط واجب اعاده بعد از اتمام است

۲- آیـات عظـام تبریزی، خویی، سیسـتانی: ظن در افعال، حکم شک را دارد.آیـهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیـهٔ اللّٰه فاضل: ظن در افعال معتبر است

۳- آیـهٔ اللّٰه تبریزی، آیـهٔ اللّٰه خویی: بایستی بعد از طواف، مبادرت به نماز کند، که در عرف نگویند بین آنها فاصـله شده و آیهٔ اللّٰه خویی اضافه نموده‌اند که: فصل بین طواف و نماز طواف مبطل طواف است و اگر تدارک نشود حج باطل می‌شود.(اسـتفتائات، ص ۲۴۶، س ۷۳۰).آیـهٔ اللّٰه سیسـتانی: بـه ایـن معنی کـه بـه نظر عرف، بین آن دو فاصـله‌ای نباشـد، ولی فاصله به مقـدار ده دقیقه برای استراحت یا یافتن جای مناسب و ماننـد آن اشـکال نـدارد ولی کاری دیگر ماننـد نماز قضا به احتیاط واجب نباید انجام دهد.آیهٔ اللّٰه فاضـل: اقوی مبادرت به نماز است و در صورتی که عالماً و عامـداً اخلال به فوریت کنـد ظاهراً طواف باطل می‌شود و اگر تـدارک نکند و وقت بگذرد حج نیز باطل است

۴- آیـهٔ اللّٰه سیسـتانی: فاصـله انداختن به مقدار ده دقیقه برای استراحت، یا تحصـیل جای مناسبی برای نماز، مُخلّ به مبادرت نیست، ولی به کارهایی جـدای از نماز طواف، مثل خوانـدن نماز قضا و مانند آن مشـغول نشود و اگر عمداً اخلال به مبادرت نمود، احتیاطاً طواف را هم اعـاده کنـد.آیـهٔ اللّٰه فاضـل: ظـاهراً مقـدار فاصـله مخلّ به موالات عرفیه نسبت به افراد و هنگام ازدحام و غیر آن فرق می‌کند. و به طور کلّی فاصـله از ده تا پانزده دقیقه برای استراحت و رفع خسـتگی و تطهیر مخلّ نیست. و اگر عمداً موالات را به هم زد احتیاطاً طواف را هم اعاده کنـد.آیـهٔ اللّٰه گلپایگانی: احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است.آیـهٔ اللّٰه تبریزی: با فوت موالات عرفی، احتیاطاً نماز را بخواند و بعد طواف و نماز را اعاده کند.آیهٔ اللّٰه خویی: باید اعاده نماید.(استفتائات)

[۳۹۸] م- انجام نماز مستحبی یا عبادت دیگر بین طواف و نماز آن، تا وقتی که موالات عرفیه به هم نخورده مانعی ندارد. (۱)(مناسک س ۸۲۰ و ۸۰۷)

[۳۹۹] م- واجب است این نماز (۲) نزد مقام ابراهیم واقع شود و احتیاط (۳) واجب آن است که پشت مقام به جا آورد [به طوری] که سنگی که مقام است بین او و خانه کعبه واقع شود و بهتر آن است که هرچه ممکن باشد نزدیکتر بایستد، لیکن نه به طوری که مزاحمت با سایرین کند.(مناسک، مسأله ۷۷۸)

[۴۰۰] م- دراین که نماز طواف نزد مقام و پشت مقام باشد ملاک نظر عرف است، یعنی باید به طوری باشد که عرفاً بگویند نماز را نزد مقام و پشت مقام

۱- نظر آیهٔ اللَّه سیستانی در مسأله قبل گذشت

۲- آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب نزد مقام واقع شود

۳- آیهٔ اللَّه تبریزی: احوط بلکه اظهر آن است ....آیهٔاللَّه خامنه‌ای: واجب‌است این نماز، پشت مقام، نزدیک به آن خوانده شود به شرط این که مزاحمت برای دیگران نباشد.آیهٔ اللَّه مکارم: واجب است نماز طواف را در صورت امکان پشت مقام ابراهیم علیه السلام بجا آورد

خوانده ست و حدّ مشخصی ندارد.(مناسک س ۸۱۹)

[۴۰۱] م- اگر به واسطه زیادی جمعیت نتوانست پشت مقام بایستد؛ به طوری که گفته شود نزد مقام نماز می‌کند به واسطه دوری زیاد، (۱) در یکی از دو جانب به جا (۲) آورد در جایی که گفته شود نزد مقام نماز می‌خواند.(مناسک، مسأله ۷۷۹)

[۴۰۲] م- اگر ممکن نشد در دو جانب نزد مقام نماز را به جا آورد، باید ملاحظه نزدیکتر را بکند از میان دو جانب و پشت مقام، و اگر سه طرف مساوی باشند، در پشت نماز بخواند و در دو طرف کافی نیست و اگر دو طرف نزدیک‌تر

۱- آیهٔ اللّٰه نوری: در هر نقطه‌ای از مسجدالحرام نماز طواف را بخواند مجزی است هر چند بهتر است که نسبت به مقام حضرت ابراهیم، الأقرب فالأقرب(هر چه نزدیکتر باشد بهتر است) را مراعات کند.آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: در هر نقطه‌ای که خلف صدق کند کافی است اگر چه از مقام دور باشد بلکه در این صورت صحت نماز در هر جای مسجد الحرام بعید نیست

۲- آیهٔ اللّٰه بهجت: در صورت عدم تمکّن و بُعد مفرط، در یکی از دو جانب آن بجا آورد.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: نماز باید پشت مقام باشد و در نزدیکی آن و در صورت عدم تمکّن از نزدیکی مقام، با مراعات الأقرب فالأقرب به مقام بنا بر احتیاط، پشت مقام می‌تواند بجاآورد.

آیهٔ اللّٰه خویی: در صورت عدم تمکّن از نماز نزدیک مقام، می‌تواند با رعایت الأقرب فالأقرب دورتر نماز بخواند ولی به هر حال باید پشت مقام باشد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: و اگر نتواند پشت مقام و نزدیک به آن بجا آورد، احتیاط واجب آن است که هم آن را در نزدیکی‌اش؛ چه در سمت راست باشد و یا چپ، و هم دور از آن ولی پشت مقام بجا آورد و اگر نتواند آن دو را بجا آورد، هر کدام که ممکن است انجام دهد و اگر نتواند هیچکدام را انجام دهد، در هر جای مسجد که شده انجام دهد و بنابر احتیاط مستحب رعایت کند هرچه به مقام نزدیکتر باشد و اگر پس از آن، تا زمانی که وقت سعی تنگ شود توانست نزدیک به مقام و پشت آن نماز را اعاده کند، احتیاط مستحب اعاده آن است

از پشت باشـند به مقام ولکن هیـچ کدام نزد مقام نباشد بعید نیست جایز بودن اکتفا به پشت، لکن احتیاط آن است که یک نماز در پشت مقام بخوانـد و یک نماز در یک طرف با ملاحظه نزدیکتری و احوط اعاده نماز است در صورت امکان در پشت مقام تا وقتی که وقت تنگ نشده برای سعی.(مناسک، مسأله ۷۸۰)

[۴۰۳] م- اگر بـا علم و عمـد نمـاز طواف را ترک کرد یـا آن را باطل انجام داد و سـعی و تقصـیر نمود، بایـد نماز طواف و سـعی و تقصیر را اعاده نماید و تا انجام نداده، دراحرام عمره باقی می‌ماند. (۱)(مناسک س ۷۹۴)

[۴۰۴] م- اگر کسـی نمـاز طواف واجب را فراموش کنـد، بایـد هر وقت که یـادش آمـد در مقـام ابراهیم علیه السـلام بجا آورد و به همان دستوری که در مسأله ۴۰۶ به بعد ذکر شده عمل نماید.(مناسک، مسأله ۷۸۲)

[۴۰۵] م- اگر نماز طواف را فراموش کنـد و در بین سـعی بین صـفا و مروه یادش بیایـد، از همانجا سـعی را رها کنـد و برگردد، دو رکعت نماز را بخواند، بعد از آن، سعی را از همانجا (۲) تمام کند.(مناسک، مسأله ۷۸۳)

[۴۰۶] م- شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند، عمل کرده، اعاده آنها ظاهراً لازم نباشد، اگرچه احتیاط استحبابی در اعاده است.(مناسک، مسأله ۷۸۴)

[۴۰۷] م- اگر برگشتن به مسجد الحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را

۱- آیة اللّٰه سیستانی، فاضل: به احتیاط واجب باید طواف را نیز اعاده کند.آیة اللّٰه خویی: باید طواف را اعاده نماید.آیة اللّٰه تبریزی: با فوات موالات عرفی احتیاطاً نماز را بخواند و بعد طواف و نماز را اعاده کند

۲- آیـة اللّٰه صـافی، آیـة اللّٰه گلپایگـانی: در صـورت تجـاوز از نصـف، بقیـه سـعی را و در کمـتر از نصـف، همـه آن را مجـدداً بجا آورد.(آداب و احکام حج، مسأله ۶۴۱)

فراموش کرده، بایـد هرجا (۱) یادش آمـد نماز را بجا آورد، اگرچه در شـهر دیگر باشـد و برگشـتن به حرم لازم (۲) نیست، اگرچه آسان باشد.(مناسک، مسأله ۷۸۵)

[۴۰۸] م- اگر کسـی این نماز را بجا نیاورد و بمیرد، واجب است بر پسـر بزرگِ (۳) او، که آن را قضا کنـد؛ به نحوی که در کتاب «صلات» تفصیل داده شده است. و اگر دیگری بجا آورد کافی است.(مناسک، مسأله ۷۸۶)

۱- آیـهٔاللّهخامنه‌ای: اگر از مکّه دور نشـده و برگشـتن و انجام نماز در محلّش برای او مشـکل نیست، بایـد برگردد به مسـجد الحرام ودر محلّش بجاآورد واگر از مکّه دور شـده، در همانجایی‌که یادش‌آمـد بجا آورد.آیهٔ اللّه سیسـتانی: اگر بعد از بیرون رفتن از مکه یـادش بیایـد، احتیـاط واجب آن است که برگردد و نزد مقام نماز بجای آورد و اگر برگشـتن برای او مشـقت دارد نماز را در همان موضعی که یادش آمده انجام دهد و لازم نیست برای انجام نماز به حرم برگردد، گرچه میسور باشد.آیهٔ اللّه فاضل: اگر در منا باشد مخیر است بین خواندن نماز در منا و استنابه و الّا در هر جا که هست همانجا نماز بخواند گرچه جوازِ گرفتنِ نایب هم بعید نیست

۲- آیهٔ اللّه بهجت: و احوط آن است برگردد به حرم اگر دشوار نباشد و آنهارا بجا آورد و بعضی در صورت تعذر برگشتن به مقام، استنابه را لازم دانسـته‌اند بنـابراین، احوط جمع است میـان قضـای آنها، در هرجا که متـذکر شود و گرفتن نایب که آنها را در مقام بجای آورد.آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: احوط و اولی این است برگشـته و نماز را در حرم بجا آورد.آیـهٔ اللّه صافی، آیـهٔ اللّه گلپایگانی: و بهتر است نایب هم بگیرد تا خلف مقام برای او بجا آورد،

۳- آیـهٔ اللّه بهجت: بر ولیّ او لازم است آن را قضا کنـد.آیـهٔ اللّه سیسـتانی: بنابر احتیاط واجب بایـد پسـر بزرگترش، آن را از طرف پدر قضا کند.آیهٔ اللّه مکارم: و اگر دیگری نیز بجا آورد کفایت می‌کند

[۴۰۹] م- جاهل به مسأله، در احکامی که برای ناسی ذکر شد، شریک است با او.(مناسک، مسأله ۷۸۷)

[۴۱۰] م- واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای واجب را پیش کسی درست کند که تکلیف الهی را به طور صحیح بجا آورد، خصوصاً کسی که می‌خواهد به حج برود باید نماز را تصحیح کند، چون بعضی گفته‌اند (۱) اگر نماز او درست نباشد عمره او باطل است و همچنین حج نیز باطل است. پس علاوه بر آنکه به این قول، از حجّةُ الاسلام برائت ذمّه پیدا نمی‌کند، ممکن است چیزهایی که در احرام بر او حرام شده بود؛ مثل زن و چیزهایی که گذشت، بر او حلال نشود. (۲)(مناسک، مسأله ۷۸۸)

[۴۱۱] م- اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد، باید نماز را به هر ترتیبی که می‌تواند خودش به جا آورد و کافی است و اگر ممکن است، کسی را بگمارد که نماز را تلقین او کند و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادلی اقتدا کند، لیکن (۳) اکتفا به نماز جماعت نکند؛ چنانکه نایب گرفتن نیز کافی نیست. (۴)(مناسک، مسأله ۷۸۹)

۱- آیةُ اللّٰه تبریزی: اگر با فرض تمکّن، به طور ملحون نماز بخواند نمازش باطل، است مگر این که جاهل قاصر یا معتقد به صحّت قرائت باشد و در فرض تعمّد حجّش باطل می‌شود.آیةُ اللّٰه خویی: اگر در زمانی که نماز خواند می‌توانست صبر کند و قرائتش را تصحیح نماید و مع ذلک با قرائت ملحون نماز بخواند نمازش باطل است مگر جاهل قاصر باشد و در فرض تعمّد حجّش باطل می‌شود

۲- آیةُ اللّٰه مکارم: البته دقّت‌های علمای تجوید شرط نیست، همین اندازه که عربی صحیح صدق کند کافی است

۳- آیةُ اللّٰه بهجت: و اگر ممکن شود، نماز طواف را در مقام به جماعت بخواند و در صورت عدم امکان جماعت، عمل به وظیفه یومیّه کافی است

۴- آیةُ اللّٰه خامنه‌ای: مشروعیّت جماعت در نماز طواف ثابت نیست، پس به هر نحو می‌تواند خودش بخواند و احتیاطاً نایب هم بگیرد.

آیةُ اللّٰه سیستانی: اگر نتواند قرائت خود را تصحیح کند، هر چند در اثر مسامحه و سهل‌انگاری، ولی مقدار زیادی از سوره حمد را بتواند به طور صحیح بخواند، خواندن حمد به همین صورت کافی است و اگر نتواند، به احتیاط واجب مقداری از قرآن را که می‌تواند صحیح بخواند به آن اضافه کند و اگر نتواند، تسبیح بگوید و اگر وقت برای یادگرفتن همه حمد نباشد اگر به مقدار معتنابه یاد بگیرد کافی است و اگر نتواند، مقداری از قرآن را بخواند که عرفاً قرآن خواندن صدق کند و اگر نتواند، تسبیح بگوید و امّا سوره از جاهلی که نتواند یاد بگیرد ساقط است.

آیةُ اللّٰه صافی، آیةُ اللّٰه گلپایگانی: اگر یاد گرفتن قرائت و احکام واجبه نماز ممکن نشود، نماز طواف را به جماعت بخواند ولی اکتفا به آن اشکال دارد و واجب است به طور فرادی نیز بخواند و اگر نایب هم بگیرد جهت نماز، بهتر و مطابق با احتیاط است.

آیةُ اللّٰه مکارم: نماز جماعت و گرفتن نایب لزومی ندارد

[۴۱۲] م- نماز طواف را در همه اوقات می‌شود خواند مگر آنکه مزاحمت کند با وقت نماز واجب، که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت یومیه شود، پس باید اول نماز یومیه را بخواند.

(مناسک، مسأله ۷۹۰)

[۴۱۳] م- اگر کسی از روی بی‌مبالاتی مسامحه کرد در یاد گرفتن قرائت و ذکر واجب نماز تا وقت تنگ شد، نماز را به هر نحو که می‌تواند باید بخواند و صحیح است، لیکن معصیت کار است و احتیاط آن است که به دستور مسأله ۴۱۸ عمل کند و اگر ممکن است کسی را وادار کند که تلقین او کند. (۱)(مناسک مسأله ۷۹۱)

۱- آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: بنابر احتیاط واجب به هر نحوی که خودش می‌تواند بخواند و با جماعت هم بخواند و نایب هم بگیرد.آیهٔ اللّٰه سیستانی: احتیاط مستحب در صورت مقصِّر بودن، این است که هم نماز را به کیفیتی که بیان آن گذشت بجا آورد و هم آن را به جماعت بخواند و هم نایب جهت انجام آن از طرفش بگیرد

[۴۱۴] م- کسی که حمد و سوره نمازش را نمی‌تواند به طور صحیح تلفظ کند، اگر وقت دارد و می‌تواند با تأخیر طواف، قرائت خود را تصحیح کند، تأخیر آن لازم نیست (۱) و اگر بعد از طواف تا قبل از فوات موالات عرفیه بین طواف و نماز نتواند غلطهای خود را درست کند به هر نحو می‌تواند نماز بخواند.(مناسک س ۸۲۲- ۸۱۰).

[۴۱۵] م- اگر نماز طواف را در غیر موضعی که باید بجا آورد انجام داد، مثل این که در حجر اسماعیل علیه السلام نماز خواند و بعد از آن متوجه شد، باید نماز را اعاده کند (۲)، ولی اعاده سایر اعمال لازم نیست.(مناسک س ۸۱۵)

[۴۱۶] م- اگر زن بعد از طواف و قبل از انجام نماز طواف حائض شد، چنان چه وقت وسعت دارد صبر می‌کند تا پاک شود و پس از تحصیل طهارت، نماز طواف و بقیه اعمال را انجام دهد و اگر وقت تنگ باشد برای نماز طواف نائب می‌گیرد و سعی و تقصیر را به جا می‌آورد.(مناسک س ۸۱۱)

[۴۱۷] م- اگر زن نماز طواف را فراموش کرد، یا به جهت جهل به مسأله یا سهواً آن را باطل انجام داد وپس از آن که متوجه شد حایض گردید، در وسعت وقت پس از پاک شدن، نماز طواف را بجا می‌آورد و اگر بعد از انجام سعی یا تقصیر متوجه شد که نماز را ترک کرده یا باطل انجام داده اعاده سعی و تقصیر لازم نیست.(مناسک س ۷۹۵)

۱- آیهٔ اللّه بهجت: اگر عسرو حرج ندارد صبر کند یا به جماعت بخواند.آیات عظام تبریزی، خویی، صافی: اگر برای او امکان داشته باشد باید تأخیر بیندازد تا قرائتش را تصحیح نماید.آیهٔ اللّه فاضل، مکارم: باید تأخیر بیندازد مگر این که بقای در احرام موجب عسر و حرج شود.آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید تأخیر بیندازد

۲- آیهٔ اللّه نوری همدانی: اعاده نماز هم لازم نیست

[۴۱۸] م- انجام نماز طواف به جماعت کافی نیست (۱) ولی اگر کسـی که حمد و سوره‌اش درست نیست بخواهد برای احتیاط (۲) نماز طوافش را به جماعت بخواند می‌تواند در طواف واجب به شخص عادلی که نماز طواف واجبش را می‌خواند اقتدا کند هر چند طواف امام غیر طواف مأموم باشد مثل این که در نماز طواف به نماز طواف نساء اقتداء کند.(مناسک س ۷۹۹- ۸۰۰)

[۴۱۹] م- کسـی که نمی‌توانـد حمـد و سوره و ذکرهای واجب نماز را به طور صـحیح تلفظ کنـد جایز نیست از طرف دیگری برای حـج یا عمره نیابت کند هر چند نیابتش تبرعی باشد و اگر نائب شد احرامش باطل است. (۳) بلی کسی که می‌تواند ذکرهای واجب را تصـحیح کند نیابتش جایز است و اگر نایب شد باید نمازش را تصـحیح کند و عمل نیابی را صـحیح انجام دهد تا از احرام خارج شود(مناسک س ۸۰۱- ۸۰۲)

[۴۲۰] م- اگر بعـد از نماز طواف متوجه شود که قرائت یا ذکر واجب را صـحیح ادا نکرده است چنان چه احتمال نمی‌داده است آن چه ادا کرده غلط بوده است

۱- آیهٔ اللّٰه بهجت: کافی بلکه مستحب است

۲- آیهٔ اللّٰه مکارم: بهتر ترک این احتیاط است

۳- آیـهٔ اللّٰه سیسـتانی: احرامش صـحیح اسـت و بایـد بـه نیت منـوب عنه تمـام کنـد هر چنـد به احتیـاط واجب مجزی از منـوب عنه نیست.آیـهٔ اللّٰه بهجت: شخصـی که قرائتش درست نبوده یا از جهت دیگری معـذور بوده و بـدون توجه ازطرف دیگری محرم شـده احتیاطاً در موارد عذر نائب بگیرد و خود نیز آن عمل را انجام دهد در این صورت نیابتش صـحیح است هر چند از اول نمی‌توانسـته نایب شود.آیات عظام تبریزی، خویی، گلپایگانی: احتیاطاً حـج را به نیت منوب عنه تمام کنـد. آیـهٔ اللّٰه گلپایگانی اضافه فرموده‌انـد: ولکن صحت عمره مذکور برای منوب عنه محل اشکال است و نسبت به اجرت نیز با مستأجر مصالحه نماید

نمازش صحیح است. (۱)(مناسک س ۸۰۳)

[۴۲۱] م- کسی که حمد وسوره و ذکرهای واجب نماز را صحیح ادا نمی‌کند می‌تواند برای انجام عمره مفرده استحبابی یا حج استحبابی محرم شود. (۲) ولکن چنان چه می‌تواند، باید نماز خود را تصحیح کند.(مناسک س ۸۱۲)

[۴۲۲] م- اگر در حال قرائت یااداء ذکر واجب، او را حرکت دادند، به طوری که استقرار از بین برود، باید آن مقداری را که بدون استقرار بوده مجدداً اعاده نماید و اگر در حال تکرار نیز از استقرار خارج شد باز باید آن را اعاده کند و اما اگر حرکت به حدّی نباشد که به استقرار معتبر در نماز ضرر بزند نباید آن چه در حال حرکت گفته اعاده نماید مگر به قصد احتیاط به شرط آن که وسوسه نباشد.(مناسک س ۸۰۵)

[۴۲۳] م- نماز طواف استحبابی لازم نیست در نزد مقام ابراهیم باشد بلکه در هر جای مسجد الحرام جایز است، به‌خصوص در موقع‌ازدحام مناسب است مراعات سایر حجاج را بنمایند.(مناسک مسأله ۷۹۲)

[۴۲۴] م- در نماز طواف لازم نیست مرد جلوتر از زن بایستد یا بین آن دو فاصله باشد بلکه اگر در کنار هم نیز نماز بخوانند صحیح است. (۳)(مناسک س ۸۰۸)

۱- آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: نماز باطل است و باید اعاده شود.آیهٔ اللّٰه خویی: اگر جاهل قاصر باشد صحیح است.آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر در اشتباه خود معذور بوده نمازش صحیح است و الّا اعاده نماید

۲- نظر آیات عظام در مورد نایب گرفتن برای نماز طواف و به جماعت خواندن آن گذشت

۳- آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: ولی باید رعایت عدم تقدّم زن بر مرد بشود، پس اگر مرد ولو به مقدار کمی از زن جلوتر باشد، نماز هر دو صحیح است و همچنین اگر بین آنان فاصله باشد ولو به مقدار یک وجب.آیهٔ اللّٰه فاضل: باید رعایت عدم تقدّم زن از مرد و عدم محاذی بودن آنان بشود. بلی چنانچه زن از اهل سنّت باشد یا تأخیر نماز طواف موجب به هم خوردن موالات عرفیه شود یا مستلزم عسر و حرج باشد رعایت این شرط لازم نیست

ص: ۱۵۵

[۴۲۵] م- در مواردی که مکلف می‌ترسد اگر نماز طواف را شروع کند در اثنا او را حرکت دهند و نمازش راقطع کنند اگر به امید این که بتواند آن را به طور صحیح انجام دهد شروع کند و نماز را به پایان برساند نمازش صحیح است.(مناسک س ۸۰۹).

مستحبات نماز طواف

مستحبات نماز طواف (۱)

[۴۲۶] م- در نماز طواف، مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید (۲):

«أللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّی وَلا تَجْعَلْهُ آخِرُ الْعَهْدِ مِنّی. أ لْحَمْدُ للَّهِ بِمَحامِدِهِ کُلِّها عَلی نَعْمائِهِ کُلِّها حَتی یَنْتَهِی الْحَمْدُ إلی ما یُحِبُّ وَیَرْضی، أللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنّی وَطَهِّرْ قَلْبِی وَزَکِّ عَمَلی».

و در روایت دیگر است:

«أللَّهُمَّ ارْحَمْنِی بِطاعَتی ایّاکَ وَطاعَةِ رَسُولِکَ صلی الله علیه و آله أللَّهُمَّ جَنِّبْنِی أنْ أ تَعَدّی حُدُودَکَ وَاجْعَلْنِی مِمَّنْ یُحِبُّکَ وَیُحِبُّ رَسُولَکَ وَمَلائِکَتَکَ وَعِبادَکَ الْصّالِحِینَ».

۱- آیهٔ اللَّه مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء بجا آورد

۲- آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه سیستانی: دعای اوّل و دوّم در مناسک ایشان موجود نیست و در دعای آخر نیز تفاوت در عبارت وجود دارد

و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

«سَجَدَ لَکَ وَجهِی تَعَبُّداً وَرِقّاً لا إلهَ إلّا أنْتَ حَقّاً حَقّاً الأوَّلُ قَبْلَ کُلِّ شَیءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ کُلِّ شَیءٍ وَها أنَا ذا بَیْنَ یَدَیْکَ ناصِیَتی بِیَدِکَ فاغْفِرْ لی إنَّهُ لا یَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظیمَ غَیْرُکَ فَاغْفِرْ لِی فإنّی مُقِرٌّ بِذُنُوبی عَلی نَفْسی وَلا یَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ غَیْرُکَ».

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

۶

أ

سعی بین صفا و مروه

اشاره

چهارم از واجبات عمره، سعی بین صفا و مروه است

[۴۲۷] م- واجب است بعد از بجا آوردن نماز طواف، سعی کند بین صفا و مروه، که دو کوه معروف‌اند.(مناسک، مسأله ۸۲۵)

[۴۲۸] م- مراد از «سعی» آن است که از کوه صفا برود به مروه و از مروه برگردد به صفا.

(مناسک، مسأله ۸۲۶)

[۴۲۹] م- واجب است سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط گویند؛ به این معنا که از صفا به مروه رفتن یک شوط است و از مروه به صفا برگشتن نیز یک شوط است.(مناسک، مسأله ۸۲۷)

[۴۳۰] م- واجب است اول از صفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه ختم شود، و اگر از مروه شروع کند، هر وقت فهمید (۱) باید اعاده کند و اگر در بین سعی بفهمد باید از سر بگیرد و از صفا شروع کند.(مناسک، مسأله ۸۲۸)

[۴۳۱] م- احتیاط آن است (۲) که ابتدا کند از جزء اول صفا و از آنجا شروع به

۱- آیهٔ اللّه مکارم: اگر آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد و بقیه را تکمیل کند، بعید نیست کفایت کند

۲- آیهٔ اللّه بهجت: واجب است که ابتدا کند از جزء اول صفا به آنکه پاشنه پا را بچسباند، در غیر سوار و محمول، به جزء اول مسافت.آیهٔ اللّه خویی: واجب است که ابتدا کند از اول جزء صفا.آیهٔ اللّه سیستانی: باید تمام مسافت بین دو کوه پیموده شود و بالا رفتن از کوه لازم نیست گرچه احتیاط مستحب است و احتیاط واجب این است که فاصله مذکور دقیقاً همه آن پیموده شود؛ یعنی اینکه شوط اوّل را- مثلًا- از اوّلین جزء پایین کوه صفا آغاز کند و حرکت کند تا برسد به اوّلین جزء کوه مروه و به همین ترتیب بقیه شوطها را انجام دهد.آیهٔ اللّه مکارم: واجب است فاصله میان دو کوه را طی کند و باید توجه داشت که هم‌اکنون قسمتی از کوه صفا و مروه را مفروش کرده‌اند و تنها قسمتی از کوه نمایان است و لازم نیست به قسمت نمایان کوه برود بلکه همین اندازه که به قسمت سربالایی برسد کافی است

سعی کند و در صورتی که روی کوه برود و همانطور به نحو متعارف سعی کند کفایت می کند.(مناسک، مسأله ۸۲۹)

[۴۳۲] م- حرکت بر قسمتی از کوه صفا و مروه در پایان شوط و آغاز شوط، بعد به صورت هلالی شکل یا مستقیم چنان چه متعارف است ضرری به سعی نمی‌زند.(مناسک س ۸۶۷)

[۴۳۳] م- سعی بین صفا و مروه را می‌توان سواره و بر روی محمل انجام داد، چه در حال اختیار و چه با عذر، لیکن راه رفتن افضل است.(مناسک، مسأله ۸۳۰)

[۴۳۴] م- طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی (۱) معتبر نیست، گرچه احوط مراعات طهارت از حدث است.(مناسک، مسأله ۸۳۱)

[۴۳۵] م- اگر زن حجاب واجب خود را در سعی مراعات نکند سعی او صحیح است هر چند به واسطه ترک حجاب معصیت نموده است.(مناسک س ۸۸۵)

[۴۳۶] م- واجب است سعی را بعد از طواف و نماز آن به جا آورد و اگر عمداً پیش از آنها به جا آورد باید بعد از طواف و نماز، آن را اعاده کند.(مناسک، مسأله ۸۳۲)

۱- آیهٔ اللّه مکارم: ستر عورت احتیاط واجب است.آیهٔ اللّه نوری: با عدم وجود ناظر محترم، معتبر نیست

[۴۳۷] م- اگر از روی فراموشی مقدم بدارد سعی را بر طواف، اقوی (۱) آن است که آن را اعاده کند و همچنین است اگر از روی ندانستن مسأله مقدم بدارد.(مناسک، مسأله ۸۳۳)

[۴۳۸] م- واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد، پس اگر از راه غیر متعارف به صفا برود یا به مروه، سعیش باطل است.(مناسک، مسأله ۸۳۴)

[۴۳۹] م- اگر بین صفا و مروه را دو طبقه یا چند (۲) طبقه کنند و تمام طبقات بین دو کوه باشد، از هر طبقه جایز است سعی کند گرچه احوط (۳) سعی از همان راهی است که از اول متعارف بوده.(مناسک، مسأله ۸۳۵)

[۴۴۰] م- اگر طبقه زیرزمینی درست شد و کوه صفا و مروه ریشه‌دار بود و سعی بین آن دو واقع شد صحیح است علی الظاهر و احوط سعی از طبقه روی زمینی است. (۴)(مناسک، مسأله ۸۳۶)

۱- آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب.آیهٔ اللّه تبریزی: اگر مقدّم داشتن سعی از جهت فراموشی طواف بوده باشد، باز احوط این است که سعی را پس از طواف اعاده نماید.آیهٔ اللّه سیستانی: اگر قبل از فوت وقت متذکر شود، ولی اگر طواف عمره تمتّع را پس از وقوف به عرفات، یا طواف حج را پس از پایان ذی‌حجّه متذکر شد اعاده سعی لازم نیست گر چه بهتر است

۲- آیهٔ اللّه بهجت: سعی در طبقه دوّم با توجه به اینکه از بالای کوه صفا شروع و به بالای کوه مروه ختم می‌شود، در صورتی که احراز شود که سعی بین صفا و مروه واقع می‌شود، کفایت می‌کند.آیهٔ اللّه فاضل: جایز نیست.آیهٔ اللّه مکارم: طبقه دوّم که فعلًا وجود دارد میان دو کوه نیست و سعی در آنجا اشکال دارد

۳- آیهٔ اللّه خامنه‌ای، این احتیاط در مناسک ایشان نیست

۴- آیهٔ اللّه بهجت: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود

[۴۴۱] م- واجب است در وقت رفتن به طرف مروه، متوجه به آنجا و وقت رفتن به صفا متوجه به آن باشد. پس اگر عقب عقب برود یا پهلو را به طرف صفا یا مروه کند و برود باطل است، لیکن نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکال ندارد. (۱)(مناسک، مسأله ۸۳۷)

[۴۴۲] م- جایز است به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه و همین طور جایز است نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی (۲) و لازم نیست عذری داشته باشد بنابر اقوی. (۳)(مناسک مسأله ۸۳۸)

[۴۴۳] س- اگر قسمتی از سعی را عقب عقب یا به پهلو برود باید آن مقدرا را تدارک کند و اگر از آن محل گذشته سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است. (۴)(مناسک، س ۸۷۵)

[۴۴۴] م- جایز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن، برای رفع خستگی یا

۱- آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: در صورتی که سینه و شانه‌ها در حال رفتن به مروه به طرف مروه و در حال رفتن به صفا رو به صفا باشد و یا در حال توقف به پشت سر برگردد.(آداب‌واحکام حج، ص ۲۶۴)آیهٔ اللّه مکارم: مثلًا اگر برای ملاحظه همراهان نگاهی به عقب کند مانعی ندارد

۲- آیهٔ اللّه خامنه‌ای، از اینجا تا آخر این مسأله را متعرض نشده‌اند

۳- آیهٔ اللّه خویی: به خاطر استراحت جایز است نشستن بر صفا یا مروه تا استراحت حاصل شود و احوط ترک جلوس است در مابین صفا و مروه بدون عذر.آیهٔ اللّه بهجت: احوط ترک جلوس است در ما بین صفا و مروه بدون عذر.آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: بنابر احتیاط باید به مقداری باشد که موالات عرفیه به هم نخورد.آیهٔ اللّه سیستانی: احتیاط مستحب آن است که نشستن در وسط راه جهت استراحت ترک شود، مگر برای کسی که خسته شده باشد.آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط واجب رعایت موالات عرفیه در سعی است

۴- آیهٔ اللّه مکارم: می‌تواند برگردد و جبران کند و سعی او اشکال ندارد

تخفیف گرمی هوا و جایز است بدون عذر تأخیر بیندازد تا شب، گرچه احتیاط در تأخیر نینداختن است.(مناسك، مسأله ۸۳۹)

[۴۴۵] م- جایز نیست تأخیر انداختن تا فردا بدون عذر؛ از قبیل مرض. (۱)(مناسک، مسأله ۸۴۰)

[۴۴۶] م- سعی از عبادات است و باید آن را بانیت خالص برای فرمان خدای تعالی بیاورد. (۲)(مناسک، مسأله ۸۴۱)

[۴۴۷] م- سعی مثل طواف رکن است و حکم ترك آن از روی عمد یا سهو چنان است که در طواف گذشت.(مناسك، مسأله ۸۴۲)

[۴۴۸] م- زیاد کردن در سعی بر هفت مرتبه از روی عمد موجب باطل شدن آن است به تفصیلی که در طواف گذشت.(مناسک، مسأله ۸۴۳)

[۴۴۹] م- اگر از روی فراموشی زیاد کند بر سعی؛ چه کمتر از یك مرتبه یا بیشتر، سعی او صحیح است و بهتر آن است که زاید را رها کند، گرچه بعید نیست که بتواند آن را به هفت مرتبه برساند. (۳)(مناسك، مسأله ۸۴۴)

سعی از مسعای جدید

با سلام و تحیت، بدینوسیله به استحضار می‌رساند: براساس اظهار نظر افراد مورد اطمینان اعزامی ازسوی سازمان حج و زیارت به مکّه مکرّمه و مدینه منوّره، شرایط مسعای جدید به گونه‌ای است که در قسمت صفا، قبل از رسیدن به دیوار سابق(همانجا که کوه صفا واقع است) دیوار کاذبی گذاشته‌اند که زائران از

۱- آیة اللّه تبریزی: تأخیر تکلیفاً جایز است ولی باید طواف و نماز را اعاده نمود.آیة اللّه مکارم: ولی اگر تأخیر انداخت، سعی او باطل نخواهد شد هرچند گناه کرده است

۲- آیة اللّه سیستانی: عبادت باید برای تذلل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام شود

۳- آیات عظام بهجت، خویی، سیستانی: اگر زاید یك شوط یا بیشتر باشد مستحب است آن را به هفت برساند

ص: ۱۶۲

آنجا بایـد نیت کرده سـعی را آغاز کننـد. حال خواهشـمند است بفرمایید که سـعی در مسـعای جدید با شـرایط فوق مجزی است یا خیر؟

پاسخ‌ها:

آیـهٔ اللّه بهجت: اگر ثـابت شود که عرض مسـعای جدیـد، در بین کوه صـفا و مروه است، مـانعی نـدارد؛ و گرنه بـا رعایت اقرب به مسعای قدیم، مجزی است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: با توجّه به اعلام و اخبار ثقه و قرائن و شواهد دیگر «مسـعای جدید» میان دو کوه صفا و مروه واقع است و سعی در آن مجزی است انشاء اللّه.

آیهٔ اللّه سبحانی: صفا جزئی از کوه ابوقبیس چنان چه مروه جزئی از کوه قعیقعان است.

بـا در نظر گرفتن قرائن موجـود در قسـمت مروه و شواهـد تـاریخی و شـهادت گروهی ازمعمّرین مـورد وثوق مکّه و مـدینه، مسـعی گسـترده‌تر از وضع فعلی بوده است. بنـابراین سـعی در مسـعای جدیـد سـعی بین صـفا و مروه است هر چنـد ادامه این دو کوه دراین بخش به خاطر ایجاد راه و عوامل دیگر از بین رفته است.

ما شواهد تاریخی و علائم مفید اطمینان بر وسیع بودن مسعی را در رساله مستقلی نوشته‌ایم و در آخر جزء پنجم از کتاب حج چاپ شده است علاقمندان برای آگاهی ازمدارک وسیع بودن مسعی می‌توانند به آن رساله مراجعه کنند.

آیهٔ اللّه شبیری زنجانی: سعی در مسعای جدید مجزی است

آیهٔ اللّه صافی گلپایگانی: به نظر حقیر مکلّف باید وقوع سـعی را بین صـفا و مروه احراز نماید و اعتماد بر قول اهل خبره مورد وثوق که مستند به حس باشد کافی است.

آیهٔ اللّه شاهرودی: بسـمه تعالی، سـعی باید بین صـفا و مروه باشد و نسـبت به مسعای جدید عده‌ای از مؤمنین أهل خبره و ثقات اهل خبره شهادت داده‌اند که

بین الجبلین می‌باشـد. لکن جهت احتیـاط و حصول اطمینـان مقـداری بیشتر از علامـات موجود به طرف مروه بالاـ رفته و همچنین به طرف صفا، و انشاء اللَّه مجزی خواهد بود.

آیهٔ اللَّه سیسـتانی: ج. سـعی در طبقه دوّم مجزی نیست و سـعی در مسـعای جدید، چنان چه مکلّف اطمینان پیدا کند که کوه صـفا و مروه، تا آنجا امتـداد داشـته و یا برای او ثابت شود که شـهادت ثقه ازاهل خبره، که معارض نـدارد، برآن وجود دارد، سـعی از آنجا مـانعی نـدارد و در غیر این صورت، کسـانی که می‌داننـد، خروجشـان ازاحرام، بـا اجرای احکام مصـدود، مشـکل می‌شود. ولی اگر نمی‌دانسـتند و محرم شدنـد، باید بین اعمال عمره مفرده و احکام مصدود، جمع نمایند، یعنی هم از مسـعای جدید سـعی کنند و هم قبل از تقصیر، یک گوسفند، به عنوان احکام مصدود ذبح کنند.

آیهٔ اللَّه نوری همدانی: در فرض سؤال، سعی در مسعای جدید که بین دو کوه صفا و مروه قرار دارد، مجزی است.

آیـهٔ اللَّه مکارم شـیرازی: اسـتفاده از مسـعای جدیـد شـرعاً اشـکال نـدارد و به طوری که مطّلعین می گوینـد کوه صـفا ومروه، تنها به مقداری که الآن مشاهده می‌شود نیست، بلکه از دو طرف ادامه دارد که قسـمت فوقانی کوه را که در مسعای جدید قرار داشته و در تعمیرات گذشـته برداشـته‌اند؛ بنابر این سـعی در مسعای جدید نیز سعی بین صفا و مروه محسوب می‌شود. اضافه بر این، زیارت خانه خـدا در هیـچ زمانی نباید تعطیل شود و به فرض که مسـعای جدید بین جبلین نباشد، میسور مسـعای قدیم است؛ و المیسور لا یترک بالمعسور.

کم کردن سعی

[۴۵۰] م- اگر سعی را سهواً کم کند، واجب است آن را اتمام کند هر وقت

یادش بیاید (۱) و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت نـدارد، بایـد مراجعت کند و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد باید نایب بگیرد.(مناسک، مسأله ۸۴۵)

[۴۵۱] م- اگر کمتر از یـک مرتبه سـعی کرد و بقیه را فراموش کرد بیـاورد، (۲) احتیاط واجب آن است که سـعی را از سـر بگیرد و اگر بعد از تمام کردن یک مرتبه یا بیشتر، فراموش کرد به هفت مرتبه برساند، جایز است از همانجا سعی را تمام کند، لیکن احتیاط آن است که اگر چهار مرتبه را تمام نکرده، تمام کند و از سر بگیرد. (۳)(مناسک، مسأله ۸۴۶)

۱- آیـهٔ اللّه سیسـتانی: چه یک شوط فراموش کرده باشـد یا بیشتر، بنابر اقوی و اگر پس از گذشـتن زمان سـعی یادش بیاید؛ مثلًا در عرفـات یادش بیایـد سـعی عمره‌اش ناقص بوده یا پس از انتهای ذی‌حجه به یاد آورد سـعی حجش ناقص بوده، احتیاط آن است که کمبود را جبران کند و سپس سـعی را از سـر بگیرد و اگر نتواند برگردد یا مشـقت دارد، باید نایب بگیرد و احتیاط واجب آن است که نایب هم جمع نماید بین تدارک مقدار کمبود و بین اعاده سعی کامل

۲- آیهٔ اللّه سیستانی: در صورتی که پس از فوت موالات باشد

۳- آیهٔ اللّه بهجت: و اگر کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم بوده، واجب است باقی را هر وقت یادش آمد، هرچند بعـد از فراغت اعمال حـج باشـد، تدارک نماید و در صورتی که خود نتواند تدارک کند یا تدارک سـخت باشد واجب است نایب بگیرد و اگر کمبودش پیش از شوط چهـارم و از روی فراموشـی بوده، احتیاط این است که شـخصاً یک سـعی کامل بجا آورد و در صورت دشواری آن نایب بگیرد.

آیـهٔ اللّه تبریزی، آیـهٔ اللّه خویی: چنـانچه کمبود سـعی از روی فراموشـی و بعـد از شوط چهـارم بوده، واجب است بـاقی را هر وقت یادش آمـد، هرچنـد بعـد از فراغت از اعمال حـج باشـد، تدارک نمایـد. و اگر خود نتواند تدارک کند یا تدارک آن مشـقّت داشـته باشـد واجب است نـایب بگیرد و در این صورت احتیـاط این است که نـایب به نیّت فراغ ذمه منوب عنه از اتمـام یا تمام، یک سـعی کامل بجاآورد. و اگر کمبودش پیش از شوط چهارم و از روی فراموشی بوده، احتیاط این است که شخصاً یک سعی کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام بجا آورد.

آیـهٔ اللّه فاضل: اگر کمتر از یک مرتبه سـعی کرد و بقیه را فراموش کرد که انجام دهـد، احتیاط واجب آن است که سـعی را از سـر بگیرد و همین‌طور است اگر کمتر از چهار مرتبه را انجام داده باشد و بقیه را فراموش کرده باشد

شک در سعی

[۴۵۲] م- اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا از هر دوری، شک در دُرست آوردن آن کند، اعتنا نکند و سعیش صحیح است و همینطور اگر در بین رفت و آمد، شک در صحیح بجا آوردن جزء پیش کند، اعتنا نکند.(مناسک، مسأله ۸۵۱)
[۴۵۳] م- اگر در مروه شک کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیادتر؛ مثل اینکه شک کند بین هفت و نُه اعتنا نکند و اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور هفت است یا کمتر، ظاهراً سعی او باطل است و همچنین است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد؛ مثل شک بین یک و سه یا دو و چهار و هکذا.(مناسک، مسأله ۸۵۲)
[۴۵۴] م- اگر طواف را در روزی بجا آوَرْد و روز بعد شک کرد که سعی کرده است یا نه، بعید نیست بناگذاری بر آوردن، (۱) گرچه احتیاط در آوردن (۲) است،

۱- آیة اللّه خویی: فتوای ایشان در این مسأله روشن نیست و لذا احتیاط به اعاده طواف و نماز و اتیان سعی است.آیة اللّه سیستانی: احتیاط واجب اتیان به سعی است، ولی اعاده طواف و نماز آن لازم نیست، مگر احتمال بدهد عمداً سعی را تأخیر انداخته که در این صورت احتیاط واجب اعاده طواف و نماز هم هست

۲- آیة اللّه تبریزی: احوط اعاده طواف و نماز و اتیان به سعی است.آیة اللّه فاضل: اگر چیزی که مشکوک است، تأخیر انداختن سعی بدون عذر است، بعید نیست بناگزاری بر آوردن، اگرچه احتیاط مستحب در آوردن است و اگر چیزی که مشکوک است، تأخیر با عذر باشد. در این صورت وجهی برای بناگزاری بر اینکه آورده شده نیست.آیة اللّه مکارم: این احتیاط ترک نشود

مگر آنکه بعد از تقصیر شک کند که در این صورت لازم نیست سعی کند.
(مناسک، مسأله ۸۵۳)

[۴۵۵] م- اگر شک کند در عدد رفت و آمدها بعد از تقصیر، اعتنا نکند (۱) و اگر شک کند بعد از آنکه از عمل فارغ شد و منصرف شد، چون بناگذاری بر اتمام و اعتنا نکردن به شک خالی از اشکال نیست، (۲) احتیاط آن است که آنچه احتمال نقص می‌دهد اتمام کند خصوصاً اگر شک در ناقص گذاشتن در این باشد که عمداً برای حاجتی ترک کرده است سعی را، که برگردد و اتمام کند که در این صورت وجوب اتمام بعید نیست (۳) و اگر شک در زیاده دارد و می‌داند ناقص نشده اعتنا نکند.(مناسک مسأله ۸۵۰)

۱- آیهٔ اللّٰه فاضل: چه شک در زیاده کند و چه شک در نقیصه و همینطور است اگر بعد از فراغ از عمل شک در زیاده کند

۲- آیات عظام بهجت، مکارم، نوری: اعتنا به شک نکند و عملش صحیح است.آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: اظهراین‌است که باید به این شک اعتنا شود و شک در عدد اشواط سعی را باطل می‌کند.آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر احتمال زیاد بودن آنها را بدهد، بنابر صحت بگذارد و اگر احتمال کم بودن آنها را می‌دهد در صورتی که شک او قبل از به هم خوردن موالات باشد سعی باطل است و بنابر احتیاط اگر بعد باشد نیز باطل است.آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: اگر بعد از منصرف شدن از سعی، شک در عدد آن کند به آن شک اعتنا نکند و سعیش صحیح است، لیکن اگر احتمال می‌دهد که کمتر از هفت مرتبه سعی کرده، احتیاط آن است که دوباره سعی کند.(آراءالمراجع، ص ۲۹۷)

۳- آیهٔ اللّٰه مکارم: اگر از عمل منصرف شده و به ظاهر، آن را پایان داده، به این شک اعتنا نکند

احکام سعی

[۴۵۶] م- کسی که می‌دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند و با همین نیت از صفا شروع کرده ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده، احتیاط آن است که سعی (۱) را اعاده کند، اگرچه اقوی کفایت همان سعی است.(مناسک، مسأله ۸۵۴)

[۴۵۷] م- با تمام کردن سعی، حلال نمی‌شود بر او آنچه حرام شده بود به واسطه احرام.(مناسک م ۸۴۷)

[۴۵۸] م- کسی که در اثنای سعی متوجه شود که طواف او بیش از هفت شوط بوده، می‌تواند به این نحو احتیاط کند که سعی را تمام نماید و بعد از فوت موالات عرفیه بین شوط زاید طواف و مقدار باقیمانده تا ۱۴ شوط، طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید.(مناسک س ۸۵۷)

[۴۵۹] م- اگر در اثنای سعی برای نوشیدن آب از مسیر خود منحرف شد باید سعی را از همان نقطه که قطع کرده یا محاذی آن ادامه دهد ولی اگر بدون قطع سعی و با نیت آن به طرف محل آب خوردن برود پس از نوشیدن آب سعی را ادامه دهد مانعی ندارد.(مناسک، س ۸۶۰)

[۴۶۰] م- با توجه به این که محل سعی مسجد نیست زنان حایضی که مجبور هستند برای طواف نائب بگیرند سعی را باید خودشان پس از این که نایب، طواف و نماز را به جا آورد انجام دهند.(مناسک س ۸۶۲)

۱- آیهٔ اللّٰه بهجت، آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: سعی صحیح است.آیهٔاللّٰه سیستانی: اگرجاهل «قاصر» بوده‌سعیش صحیح است و اگر «مقصّر» بوده صحّتش اشکال دارد.آیهٔ اللّٰه مکارم: این احتیاط ترک نشود

[۴۶۱] م- در زمان حاضر که مسیر رفت و برگشت و محل ویژه حرکت چرخ‌ها از هم تفکیک شده، اگر سعی در محل عبور چرخ‌ها، و یا برخلاف جهت سایر سعی کنندگان سعی نماید اشکال ندارد، ولی نباید مزاحم دیگران شود.(مناسک س ۸۶۵)

[۴۶۲] م- زیادی در سعی جهلًا، بنابر احتیاط موجب بطلان سعی است. (۱)(مناسک س ۸۷۱)

[۴۶۳] م- اگر کسی در حال سعی، بعد از گذشتن از مکان هروله به گمان این که هروله لازم بوده برگردد و مقداری را که به صورت عادی سیر کرده با هروله تکرار کند سعیش اشکال دارد.(مناسک س ۸۶۶) (۲) [۴۶۴] م- شخصی که در حال سعی، به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی، گاهی به عقب بر می‌گشته و بدون توجه مجدداً همان مسافت را طی کرده سعیش اشکال دارد و باید سعی را اعاده کند. (۳)(مناسک س ۸۷۷)

[۴۶۵] م- کسی که نمی‌تواند بدون سوار شدن در چرخ‌های معمولی در مسعی سعی کند لیکن تمکن مالی ندارد، اگر می‌تواند با چرخ سعی کند و لو با فروش چیزی یا قرض باید خودش سعی کند و استنابه صحیح نیست مگر آن که مشقت و حرج در کار باشد.(مناسک س ۸۷۲)

۱- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، مکارم: حکم زیادی سهوی را دارد و سعی او صحیح است

۲- آیات عظام بهجت، تبریزی، گلپایگانی، صافی، فاضل، مکارم: اشکال ندارد.آیة اللّٰه خویی: بنابر اظهر اشکال ندارد اگر چه اعاده سعی مطابق احتیاط است.آیة اللّٰه خامنه‌ای: در حال اختیار نباید چنین کند ولی در فرض مذکور سعی او درست است و چیزی بر او نیست. اگرچه احتیاط در اتمام و اعاده سعی است

۳- آیات عظام تبریزی، خویی، مکارم: اشکال ندارد.آیة اللّٰه سیستانی: مگراین که جاهل قاصر باشد یا مقدار اضافی را به قصد سعی انجام ندهد

[۴۶۶] م- اگر کسی سعی خود را رها کرده و از ابتدا یک سعی کامل انجام داده سعی او اشکال دارد (۱) و باید سعی را اعاده کند.(مناسک س ۸۷۳)

[۴۶۷] م- افرادی که بر روی چرخ و امثال آن سعی می‌نماینـد باید در حال سعی بیدار (۲) باشند.(مناسک، استفتاءات جدید سؤال ۱۹)

۱- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، فاضل، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری: اشکال نـدارد.آیـهٔ اللّٰه خویی: در فرض اعتقاد به جواز مانعی ندارد.آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر پس از فوات موالات عرفیه سعی را از سر گرفته باشد صحیح است و اگر قبل از آن باشد اشکال دارد مگر آن که جاهل قاصر باشد که در این صورت صحیح است

۲- آیـهٔ اللّٰه مکارم: در صورتی که در ابتـدای سعی نیت کرده باشـد، اشکالی نـدارد.آیـهٔ اللّٰه تبریزی: احتیـاط واجب آن است که خواب نرود. و آن مقـدار را که خواب رفته اعاده کنـد.آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر بعد از شوط چهارم خواب رفته مابقی را اعاده کند و اگر قبل از آن بوده سعی را اعاده کند.آیهٔ اللّٰه نوری: آن مقداری را که در خواب بوده اعاده کند

۷

أ

حلق یا تقصیر و بعض احکام آن

اشاره

پنجم از واجبات عمره مفرده حلق یا تقصیر است. (۱)

[۴۶۸] م- واجب است بعد از آنکه سعی کرد حلق یاتقصیر کند، یعنی قدری از ناخن‌ها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزند و یا سر خود را بتراشد و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن نکند (۲) و از موی قدری بزند، بلکه موافق احتیاط است.(مناسک، مسأله ۸۸۸)

[۴۶۹] م- در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان کوتاه کردن است به هر وسیله‌ای باشد و اکتفا به کوتاه کردن موی زیر بغل و نحو آن مشکل است و احوط (۳) در تقصیر، گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است. (۴)(مناسک، مسأله ۸۹۴)

[۴۷۰] م- این عمل نیز از عبادات است و باید با نیت پاک و خالی از قصد غیر اطاعت خدا بیاورد و اگر ریا کند موجب باطل شدن عمره‌اش می‌شود مگر آنکه جبران کند.(مناسک، مسأله ۸۸۹)

۱- در عمره مفرده، حلق از تفصیر افضل است

۲- آیةاللّٰه سیستانی، مکارم: بلکه احتیاط واجب است

۳- آیة اللّٰه صافی، آیة اللّٰه گلپایگانی: اقوی است.آیة اللّٰه فاضل: احتیاط مستحب آن است که به گرفتن ناخن اکتفاء نکند

۴- به مسأله قبل مراجعه شود

[۴۷۱]- کسی که بعد از سعی در عمره تمتع تقصیر کرد، و سپس به شک افتاد که آیا تقصیری که کردم صحیح است یا نه، اگر در حال عمل، عالم به مسأله و ملتفت بوده، اشکال ندارد. (۱) و به شک خود اعتناء نکند.(مناسک س ۸۹۶)

[۴۷۲]- در عمره مفرده، اگر کسی تقصیر را عمداً یا از روی جهل و نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد، باید تقصیر نماید و طواف نساء را اعاده نماید (۲) و فرقی بین صور عمد و سهو و علم و جهل نیست علی الأحوط.(مناسک، س ۹۰۸- ۸۹۸)

[۴۷۳]- لازم نیست تقصیر را به دست خود انجام دهد بلکه می‌تواند توسط دیگری تقصیر کند و لازم نیست دیگری شیعه باشد.(مناسک س ۸۹۹)

[۴۷۴] م- کسی که بخواهد دیگری را حلق نماید، نمی‌تواند قبل از اینکه خودش حلق یا تقصیر کند سر او را بتراشد ولی می‌تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد و ازاله موی دیگری نیز قبل از خارج شدن از احرام جایز نیست ولو برای تقصیر. (۳)(مناسک، مسأله ۱۱۴۶)

[۴۷۵] م- کسی که از روی فراموشی یا ندانستن مسأله، بعد از طواف و نماز آن تقصیر کرد چیزی بر او نیست، ولی باید بعد از سعی، تقصیر را اعاده نماید تا از احرام خارج گردد.(مناسک س ۹۰۱)

[۴۷۶] م- کسی که تقصیر یا حلق عمره مفرده را انجام نداده یا باطل انجام داده

۱- آیات‌عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی: در صورتی که‌احتمال‌التفات درحال عمل را بدهد، اعتنا نکند.آیهٔ اللّٰه سیستانی: به هر حال اشکال ندارد

۲- آیهٔ اللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب

۳- آیهٔ اللّٰه بهجت: و بعید نیست تقصیر واقع و موجب احلال شود، هر چند با فعلی که بر غیر حرام است انجام گیرد.آیهٔ اللّٰه سیستانی: و مجزی نیز نمی‌باشد

است و برای عمره تمتع یـا عمره مفرده دیگری محرم شـده، احرامش باطل است و بایـد با تقصـیر یا حلق از احرام عمره مفرده خارج شود و در این حکم فرقی نیست که ترک حلق و تقصیر و یا باطل انجام دادن آن عمدی باشد یا سهوی.(مناسک س ۸۹۷)

[۴۷۷] م- حلق و یـا تقصـیر عمره مفرده را لازم نیست بلافاصـله پس از سـعی انجام دهـد، بلکه در وسـعت وقت نیز می‌توانـد در هر جـایی که خواست انجـام دهـد. بنابراین کسـی که حلق یا تقصـیر عمره مفرده را فراموش کرده و در وطن یادش آمـده، در همان جا حلق یـا تقصـیر نموده ولی بایـد طواف نسـاء را اعـاده کنـد. (۱) و اگر نمی‌توانـد برای طـواف نسـاء برگردد یـا مشـقت دارد، نـائب بگیرد.(مناسک س ۸۹۸)

[۴۷۸] م- اگر سـعی را ترک کنـد، یا آن را ناقص انجام دهد، یا سـعیش باطل باشد و با این حال تقصـیر کند، باید سـعی را تدارک کند و با این حلق یا تقصیر از احرام خارج شده است. (۲)(مناسک س ۸۸۲- ۹۰۶)

[۴۷۹] م- در حلق مستحب است از جانب راست پیش سر ابتدا کند و این دعا را بخواند:

«أللّهُمَّ أعْطِنی بِکُلِّ شَعْرَهٍٔ نُوراً یَوْمَ الْقِیامَهِٔ».

(مناسک م ۱۱۷۱)

۱- آیهٔ اللّه بهجت: اگر طواف نساء را قبل از تقصیر به جهت ضرورت یا نسیان یا جهل مقدم داشته مجزی است

۲- آیهٔ اللّه خویی: از احرام خارج نشده و تقصـیر یا حلق را اعاده نماید.آیهٔ اللّه سیسـتانی، فاضل: بنابر احتیاط تقصیر یا حلق را اعاده نماید.آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: اگر در اثناء سعی تقصیر کرده ولو سهواً یا جهلًا بنابر احتیاط باید تقصیر را پس از سعی اعاده کند.آیهٔ اللّه تبریزی: اگر در اثناء سعی تقصیر نموده باید پس از سعی اعاده کند

طواف نساء و نماز آن

ششم و هفتم از واجبات عمره مفرده طواف نساء و نماز آن است

[۴۸۰] م- کیفیت طواف نساء و نماز آن به همان نحو است که در طواف عمره و نماز آن گذشت بدون هیچ تفاوتی، مگر در نیت که به نیّت طواف نساء و نماز آن به جا می‌آورد.(مناسک م ۱۱۷۴)

[۴۸۱] م- طواف نساء را در عمره مفرده باید بعد از تقصیر و یا سر تراشیدن به جا آورد و اگر به جهت فراموشی و یا به هر دلیل دیگری آن را مقدم کرد باید بعد از تقصیر یا سرتراشیدن آن را اعاده کند (۱) و اگر خودش نمی‌تواند آن را انجام دهد مثل این که به وطن برگشته باید برای طواف نائب بگیرد.(مناسک س ۱۲۰۹- ۱۸۱- ۸۹۸)

[۴۸۲] م- کسی که در عمره مفرده تقصیر یا حلق را عمداً یا از روی جهل و نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد، باید تقصیر یا حلق نموده و طواف نساء را اعاده کند (۲) و چنانچه به وطن برگشته، می‌تواند در همانجا تقصیر یا حلق نماید و برای طواف نساء در صورت تمکن نداشتن ازمراجعت نائب بگیرد.(مناسک س ۸۹۸)

[۴۸۳] م- اگر شخصی چندین عمره مفرده بجای آورده باشد و در هیچ کدام طواف نساء نکرده باشد یک طواف نساء برای تمام آن‌ها کفایت می‌کند. (۳)(مناسک م ۱۲۰۳)

[۴۸۴] م- احتیاط آن است که نایب در طواف نساء، نیت مافی‌الذمه کند، گرچه می‌تواند به نیت منوب عنه انجام دهد. (۴)(مناسک م ۱۴۰۴)

۱- آیهٔ اللّه بهجت: اگر طواف نساء رابه جهت ضرورت یا جهل یا نسیان مقدم داشته مجزی است

۲- نظر آیهٔ اللّه بهجت در مسأله قبل گذشت

۳- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، صافی: هر احرام، طواف نساء مستقل نیاز دارد.آیات عظام بجهت، سیستانی، فاضل: بنابر احتیاط، برای هر کدام یک طواف‌نساءنیازاست

۴- آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه سیستانی: به نیّت منوب عنه انجام دهد.آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: طواف نساء را باید به نیّت منوب عنه بجاآورد(توضیح المسائل، م ۲۰۵۷).آیهٔ اللّه فاضل: طواف نساء به نیت منوب‌عنه انجام شود

[۴۸۵] م- اگر قصـد کند طوافی که پس از حلق یا تقصیر واجب است را انجام دهد طواف او صـحیح است هر چند نداند که عنوان آن طواف نساء است بلکه خیال کنـد عنوان دیگری دارد مثل این که تصور کند طواف واجب برزن طواف رجال است.(مناسک س ۱۲۰۸)

[۴۸۶] م- تا طواف نساء و نماز آن را انجام نداده، حرمت مطلق (۱) استمتاع از همسر باقی است، ولی اگر پس از شوط چهارم (۲) با همسرش مواقعه کند کفاره ندارد.(مناسک س ۱۲۰۵- ۱۲۱۱)

[۴۸۷] م- اگر شک کنـد که طواف نساء را انجام داده یا نه، اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشـته باید طواف نساء را انجام دهد (۳) و همچنین است در صورت التفات علی الأحوط (۴) بلکه خالی از قوت نیست.(مناسک س ۱۲۱۰)

[۴۸۸] م- نائب در حـج یا عمره اگر طواف نساء را ترک کنـد اسـتمتاع از همسـر برای او حلال نمی‌شود و بر او واجب است تا زنده است خودش آن را انجام دهد و اگر نمی‌تواند نائب بگیرد (۵)(مناسک س ۱۲۱۵)

۱- آیهٔ اللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب

۲- آیـهٔ اللّٰه تبریزی، خویی: پس از شوط پنجم.آیـهٔ اللّٰه بهجت: بعـد از شوط پنجم کفـاره نـدارد ولی قبـل از اتمـام شوط پنجم بنابر احتیاط کفاره دارد

۳- آیهٔ اللّٰه تبریزی، خویی: اگر بعد از مواقعه بازوجه شک کرد به آن اعتناء نکند.آیهٔ اللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب

۴- آیات عظام صافی، مکارم، گلپایگانی: این احتیاط واجب نیست

۵- آیـات عظـام بهجت، خویی، فاضـل: و چنان چه تـدارک نکنـد و فوت کنـد، بنابر احتیاط واجب بایـد قضای آن از ترکه‌اش بجا آورده شود

[۴۸۹] م- اگر طواف نساء را در عمره مفرده یا حج ترک کند و برای عمره تمتع یا مفرده یا حج محرم شود احرام جدید او صحیح است و چنان چه طواف نساء را تدارک نکند، طواف نساء احرام دوم از آن کفایت می کند. (۱)

مکان ذبح کفارات عمره و حج

[۴۹۰] م- در تقصیرهایی که درعمره کرده است، در غیر از صید احتیاط واجب (۲) آن است که گوسفند یا غیر آن را در مکه سر ببرد و اگر در حج تقصیر کرد در منا سر ببرد و اگر ترک کرد آن را در برگشت به محل خود درمحل خود بکشد و صدقه بدهد. وکفاره صید اگر در عمره بود جای کشتن آن مکه و اگر درحج بوده منی است.(مناسک م ۱۳۱۷- ۱۳۵۴- جامع الفتاوی عمره م ۴۹۲)

معتبر نبودن شرائط قربانی در کفارات

[۴۹۱] م- شرایطی که برای هَدْی است که در حج تمتع باید ذبح کند، هیچ یک در حیوانی که برای کفاره تقصیر باید قربانی کند معتبر نیست پس می‌تواند گوسفند خصی و معیوب را برای کفاره قربانی کند. (۳)(مناسک م ۱۳۲۷)

[۴۹۲] م- غیر از هَدْی تمتع، از هَدْی‌هایی که برای کفاره یا چیز دیگر بر انسان

۱- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، صافی: کفایت نمی‌کند و هر کدام طواف نساء مستقل نیاز دارد.آیات عظام بهجت، سیستانی، فاضل: بنابر احتیاط کفایت نمی کند

۲- آیات عظام مکارم، بهجت، تبریزی، خویی: احتیاط مستحب ...آیهٔ اللّٰه صافی، گلپایگانی: واجب است کفارات در احرام عمره را ...آیهٔ اللّٰه فاضل: فعلًا که گوشت آن صرف فقرای مؤمن نمی‌شود احتیاط آن است که در وطن خود ذبح کند

۳- آیهٔ اللّٰه بهجت: هر چند احتیاط این است که آن شرایط در کفاره نیز مراعات شود

واجب می‌شود، نمی‌تواند شخص کفاره دهنده از گوشت آنها بخورد (۱) و اما از قربانی استحبابی جایز است بخورد.(مناسک م ۱۳۲۸)

مصرف کفارات

[۴۹۳] م- مصرف کفارات: فقرا و مساکین هستند. (۲)(مناسک م ۱۳۲۹)

[۴۹۴] م- کفارات را نمی‌توان برای فقرائی که نفقه آن‌ها بر کفاره دهنده واجب است مصرف نمود(مناسک م ۱۳۵۳)

تخییر بین قصر و تمام در مکه و مدینه

[۴۹۵] م- تخییر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه اختصاص (۳) به مسجد الحرام

۱- آیـة اللّٰه تبریزی، آیـة اللّٰه خویی: عیبی ندارد که مقداری از آن را خودش بخورد و قیمت آن را برای فقرا به عهده بگیرد.آیة اللّٰه سیستانی، آیـة اللّٰه فاضل: و احتیاط این است که خود کفاره دهنده از آن نخورد و اگر خورد احتیاط این است که قیمت مقداری را که خورده به فقرا صدقه بدهد.(و آیةاللّٰه فاضل اضافه می‌فرمایند: و نزدیکان او نیز اگر فقیر نیستند از آن نخورند)

۲- آیـة اللّٰه تبریزی، آیـة اللّٰه خویی: باید مؤمن باشند.آیة اللّٰه سیستانی: باید مسلمان بلکه به احتیاط واجب مؤمن باشند مگر اینکه مؤمن مستحق پیدا نشود که می‌توان به ضعفای غیر ناصبی داد.آیةاللّٰه فاضل: مصرف کفّاره، فقیر مؤمن غیر سید است. بلی‌اگردهنده آن سید باشد می‌تواند کفّاره خود را به سیّد فقیر بدهد.آیة اللّٰه گلپایگانی: متن مطابق احتیاط است.آیة اللّٰه مکارم: احتیاط آن است که کفاره غیر سادات به سادات داده نشود

۳- آیة اللّٰه بهجت: مسافر می‌تواند در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و ... نمازش را تمام بخواند و احتیاط در این است که نماز را شکسته بخواند ولی اگر بخواهد در جایی که اوّل جز و این مسجد نبوده و بعد به این مساجد اضافه شده نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که شکسته بخواند.
آیة اللّٰه تبریزی: در همه مکه و مدینه قدیم می‌تواند قصر و تمام بخواند. استفتائات، س ۱۲۹.
آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: می‌تواند در تمامی دو شهر مکه و مدینه نماز را تمام بخواند و اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی ندارد.
آیـة اللّٰه خویی: ظاهراً اختصاص نـدارد، بلکه این حکم در شهر قدیمی مکه و مدینه جاری است. منهاج الصالحین، مسأله ۹۲۵. [قید قدیمی در منهاج نیست بلکه در استفتائات و در بعض مناسک مذکور است]

و مسـجد النبی دارد و در تمام مکه و مدینه جاری نیست بلی اختصاص به مسـجد اصـلی ندارد و در جاهای توسـعه داده شده مسجد هم جاری است، هرچند احتیاط، اقتصار بر مسـجد اصلی است پس در تمام مسجد فعلی مسافر می‌تواند نماز را تمام بخواند همانطور که می‌تواند شکسته بخواند.(مناسک م ۱۳۱۶)

مسائل متفرقه

[۴۹۶] م- وقتی که در مسجد الحرام یا مسجد النبی صلی الله علیه و آله نماز جماعت منعقد شد مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند (۱) و نباید از جماعت تخلف کنند و باید با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.(مناسک م ۱۳۱۳)

[۴۹۷] م- نمازی که با جماعت اهل تسنن خوانده می‌شود صحیح است و نیاز به اعاده ندارد. (۲)(مناسک م ۱۳۱۳- ۱۳۳۹)

[۴۹۸] م- در مکه و مدینه در مسافرخانه و هتل نباید نماز را به جماعت بخوانند (۳) و می‌توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند.

[۴۹۹] م- نمازی که با اهل تسنن خوانده شود اگر معلوم نیست با نظر اهل تسنن هم موافق باشد مثل این که در آن، به پشت نماز گزاران صف جلو سجده شود و یا

۱- آیهٔ اللَّه بهجت، صافی: اگر کار ضروری ندارند خارج نشوند واگر ضرورتی ایجاب کرد مانعی ندارد

۲- آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی: در صورتی که حمد و سوره را برای خود آهسته قرائت کند واگر نمی‌شود به نحو حدیث نفس بخواند و در نماز جمعه بعد از فراغ باید آن را اعاده کند.آیهٔ اللَّه گلپایگانی: اگر ضرورت باشد مجزی است و در غیر ضرورت، شرکت در جماعت آنان خوب است، لکن با تمکن، نماز را با شرایط کامل اعاده کند.آیهٔ اللَّه صافی: اگر ضرورت باشد یا موجب تألیف قلوب آنها و دفع اتهام از شیعه باشد گرچه اعاده آن موافق احتیاط است

۳- آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: در صورتی که مفسده داشته باشدآیهٔ اللَّه فاضل: در صورتی که خلاف تقیه و لوتقیه مداراتی باشد.آیهٔ اللَّه سیستانی: در صورتی که خلاف تقیه باشد

اتصال صفوف به نحوی که آنان لازم می‌دانند مراعات نشود باید آن نماز را اعاده کند.(مناسک م ۱۳۳۹)

[۵۰۰] م- در نماز جماعت اهل تسنن در مسجد الحرام که صف‌های آن دائره‌ای شکل است زائرین نیز اگر به صورت دائره‌ای بایستند نیاز به اعاده ندارد. (۱)(مناسک س ۱۳۳۶)

[۵۰۱] م- در مواردی که نماز جماعت اهل تسنن صحیح است لازم نیست (۲) اتصال صفوف به نحوی باشد که شیعه آن را معتبر می‌داند، بلکه اگر جماعت به نظر اهل تسنن صحیح باشد کافی است(مناسک، استفتاءات جدید ۲۰- و س ۱۳۳۹- جامع الفتاوی عمره م ۵۰۱)

۱- آیهٔ اللّٰه بهجت: با انحفاظ نسبت در صف مأمومین با امام، با انحفاظ نسبت امام به کعبه، اگر محفوظ باشد تا تمام دور حتّی اطراف حجر اسماعیل علیه السلام و عدم حائل بین هر مأموم و آنکه به او متّصل است، دور نیست تصحیح نماز جماعت به طور استداره در اطراف کعبه یا مسجد و در امام غیر مرضیّ مراعات وظیفه منفرد لازم است ..(ذخیره، ج ۲، ص ۲۳۱)آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: نماز کسانی که پشت سر یا دو طرف امام ایستاده‌اند صحیح است لکن نماز افرادی که روبروی امام قرار دارند صحیح نیست.آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: نماز به نحو استداره مانعی ندارد ولی بنابر احتیاط باید به حسب دایره مقدم بر امام نباشد و همچنین بنابر احتیاط با مراعات قید قبلی نزدیکتر از امام به کعبه هم نباشد.(العروهٔ الوثقی، ج ۱، ص ۷۸۳ مسأله ۲۵ شرایط الجماعهٔ).آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر به جهت تقیّه خوانده باشد اعاده ندارد و در غیر مورد تقیه استداره جایز نیست

۲- آیهٔ اللّٰه مکارم: در صورت امکان باید اتصال صفوف مراعات شود.آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر هنگام اقامه جماعت اتفاقاً در جایی بود که اتصال برقرار نیست همانجا اقتدا کند و صحیح است ولی در حال اختیار و با وسعت وقت درآنجا نماند.آیهٔ اللّٰه نوری: لازم است اتصال صفوف را مراعات کنند

[۵۰۲] م- در شب‌های مهتابی، نماز صبحی را که با جماعت سایر مسلمین می‌خوانند صحیح است و نیاز نیست بعد از روشن شدن هوا دوباره بخواند (۱)(مناسک س ۱۳۴۳)

سجده بر فرش و مانند آن

[۵۰۳] م- در مسجد النبی صلی الله علیه و آله سجده کردن روی فرش‌های مسجد مانع ندارد (۲) و مهر گذاشتن جایز نیست و لازم نیست (۳) در جایی که سنگ است نماز بخوانند و لازم نیست حصیر یا نحو آن با خود ببرند، ولی اگر مراعات کنند که موجب وهن نشود و حصیر برای جانماز با خود داشته باشند و روی آن نماز بخوانند، به طوری که متعارف سایر مسلمین است اشکال ندارد، لیکن تأکید می‌شود از عملی که موجب هتک و انگشت‌نما شدن باشد اجتناب

۱- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم، گلپایگانی، نوری: فرقی میان شب‌های مهتابی و غیر مهتابی نیست

۲- آیات عظام بهجت، خوئی، سیستانی: اگر در آن مکان، تمکن از سجود بر آنچه سجود بر آن جایز است ندارد، سجده صحیح است.آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر تقیه اقتضا کند و در همانجا مایصحّ السجود علیه نباشد، سجده صحیح است و لازم نیست از آنجا منتقل شود به جای دیگر.آیهٔ اللَّه فاضل: اگر مخالف تقیه نباشد و موجب هتك و انگشت‌نما شدن نشود باید در محلّی که بتواند پیشانی او در محلّ سجده بر سنگ‌های مسجد قرار گیرد سجده نماید.آیهٔ اللَّه گلپایگانی: سجده روی فرش‌های مسجد در صورت تقیه مانع ندارد.(استفتائات ویژه حج، ص ۳۰، مسأله ۵۲)

۳- آیهٔاللَّه تبریزی: در صورت تمکّن لازم است ....آیهٔاللَّه صافی، آیهٔاللَّه گلپایگانی: اگر فرادی می‌خواند و ضرورتی نباشد نباید به فرش سجده کند و اگر به جماعت می‌خواند سجده بر فرش در مواردی که به خاطر تقیّه ضرورت داشته باشد، مانع ندارد و حکم لزوم اعاده و عدم آن در مسأله ۵۰۳ گذشت

نمایند.(مناسک م ۱۳۳۴)

[۵۰۴] م- سجده کردن بر پشت دست صحیح نیست بنابراین کسی که در مسجد الحرام و مسجد النبی به پشت دست سجده کند باید نماز خود را اعاده کند مگر این که جاهل قاصر باشد (۱) و اگر نماز طواف را به این کیفیت خوانده حکم کسی را دارد که نماز طواف را ترک کرده مگر این که جاهل قاصر باشد که نمازش صحیح است.(مناسک س ۱۳۴۲)

[۵۰۵] م- در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سایر مساجد اگر نماز مغرب را با جماعت اهل تسنن بخواند کافی است هر چند حُمره مشرقیه زائل نشده باشد (۲) و می‌تواند بلافاصله بعد از آن نماز عشاء را بخواند ولی اگر وقت عشاء داخل نشده باید صبر کند.(مناسک س ۱۳۴۱)

احکام مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله

[۵۰۶] م- در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله حائض و جنب نمی‌توانند از قسمت‌های توسعه یافته (۳) نیز عبور نمایند.(مناسک س ۱۳۴۰)

۱- آیات عظام خویی، صافی، گلپایگانی: جاهل قاصر مستثنی نشده است.آیهٔ اللّٰه تبریزی: نماز باطل است و باید اعاده کند و اگر نماز طواف را هم به این صورت خوانده حکم نسیان نماز طواف را دارد چنان چه متمکن است پشت مقام ابراهیم اعاده کند و اگر متمکن نیست می‌تواند درجای خود اعاده کند.آیهٔ اللّٰه بهجت: نماز طواف را خود یا نائبش اعاده کند

۲- آیهٔ اللّٰه بهجت، مکارم: استتار قرص کافی است و وقت داخل شده است.آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر قبل از دخول وقت با آن‌هانماز بخواند کافی نیست.آیهٔ اللّٰه خویی: فتوای ایشان در دست نیست

۳- آیهٔ اللّٰه بهجت: حکم سایر مساجد را دارد.آیهٔ اللّٰه تبریزی: بنابر احتیاط

[۵۰۷] م- کسی که در مسجد الحرام یا مسجد النبی صلی الله علیه و آله جنب شده، اگر امکان تیمم باشد و تیمم کردن کمتر از خارج شدن از مسجد وقت می گیرد باید برای خروج، تیمم بدل از غسل جنابت کند و سپس خارج شود و اگر بیشتر وقت می گیرد باید فوراً از مسجد خارج شود.(مناسک س ۱۳۴۸)

اشیاء پیدا شده در حرم

«لقطه حرم»

[۵۰۸] م- اگر در حرم چیزی پیدا کرد، برداشتن آن کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط (۱) در برداشتن است. (۲) [۵۰۹] م- اگر «لقطه» حرم را برداشت، و از یک درهم کمتر باشد می‌تواند (۳) قصد تملک آن را بکند و آن را مصرف کند و ضامن صاحبش نیست و چنانچه تملک نکرد و تفریط نکرد ضامن نیست، ولی اگر بدون تملک نگاه داشت و در نگاهداری کوتاهی و تفریط کرد ضامن است، (۴) و اگر قصد تملک کرد و صاحبش قبل از تلف شدن پیدا شد باید آن را به صاحبش رد کند به احتیاط واجب. (۵)

۱- آیات عظام فاضل، مکارم: این احتیاط ترک نشود

۲- آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه فاضل: بنابر احتیاط باید عوض صاحبش به مؤمن فقیر صدقه بدهد و حق تملک ندارد

۳- آیهٔ اللّٰه سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید از طرف صاحبش صدقه بدهد و هر وقت صاحبش پیدا شد چنانچه به صدقه دادن راضی نشود عوض آن را به او بدهد.(توضیح المسائل، م ۲۵۷۴)

۴- آیهٔ اللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب

۵- آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: باید به صاحبش رد کند بنابر احتیاط اگر اقوی نباشد(وسیلهٔ النجاهٔ، ج ۲، ص ۳۲۶)

[۵۱۰] م- اگر لقطه را که در حرم برداشت، یک درهم یا بیشتر ارزش داشت (۱)، باید یک سال تعریف کند واز صاحبش جستجو کند، پس‌اگر نیافت او را بعداز یک سال، مخیر است بین دو امر (۲):

یکی آنکه آن را برای صاحبش حفظ کند، در این صورت اگر در نگاهداری کوتاهی نکرد ضامن نیست در صورت تلف.

دوم آنکه برای صاحبش صدقه بدهد، لکن اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد باید عوضش را به او بدهد (۳) و جایز نیست آن را تملک کند و اگر تملک کند مالک نمی‌شود و ضامن هم می‌شود.

سایر مسائل متفرقه

[۵۱۱] م- برداشتن سنگ‌های صفا و مروه جایز نیست (۴)، ولی اگر برداشت، لازم نیست آن را برگرداند و اما برداشتن سنگ و خاک از سایر مشاعر مثل مشعرالحرام و منی و عرفات مانعی ندارد. (۵)(مناسک س ۱۳۴۷- استفتاءات

۱- آیهٔ اللّٰه سیستانی، آیهٔ اللّٰه صافی: به احتیاط واجب باید صدقه بدهد

۲- آیهٔ اللّٰه خویی: بنا بر احتیاط باید عوض صاحبش صدقه بدهد و حق تملک ندارد.(منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۶۴۶)آیهٔ اللّٰه سیستانی: احتیاط واجب آن است که تصدق کند.(توضیح المسائل، م ۲۵۷۷).آیهٔ اللّٰه مکارم: هرگاه احتمال قابل توجه در مورد پیدا شدن صاحبش نمی‌دهد صدقه بدهد

۳- آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: و همچنین می‌تواند آن را تحویل حاکم شرع بدهد.(وسیلهٔ النجاهٔ، ج ۲، ص ۳۲۶).آیهٔ اللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب

۴- آیهٔ اللّٰه سیستانی: شکستن جایز نیست ولی برداشتن آنچه جدا شده مانعی ندارد.آیهٔ اللّٰه خویی: فتوای ایشان در دست نیست

۵- آیهٔ اللّٰه صافی، گلپایگانی: بنابر احتیاط از آوردن خاک و ریگ حرم خودداری شود و اگر آورده در صورت تمکن به حرم برگرداند.آیهٔ اللّٰه تبریزی: اگر از مساجد آورده، جایز نیست و برگرداندن آن لازم است.آیهٔ اللّٰه مکارم: بنابر احتیاط برگرداند.آیهٔ اللّٰه نوری: از صفا و مروه اشکال دارد و باید برگرداند

ص: ۱۸۴

جدید ۱۲ و جامع الفتاوی عمره م ۵۱۵)

[۵۱۲] م- برداشتن قرآن‌های مسجد الحرام بدون این که آنها رااز متصدی مربوطه بگیرند جایز نیست هر چند برروی آنها علامت وقف نباشد و چنان چه برداشتند باید برگردانده شود.(مناسک س ۱۳۴۶)

[۵۱۳] م- اگر هزینه سفر حج یا عمره شخصی را کسی بدهد که اهل پرداخت خمس نیست، چنان چه آن شخص یقین به وجود خمس در آن مال را ندارد اشکال ندارد و اگر یقین به وجود خمس در مال مذکور را دارد خمس آن را پرداخت کند و احرام و قربانی را از مال حلال تهیه نماید.(مناسک س ۱۳۵۱).

«مستحبات دیگر مکه معظّمه»

[۵۱۴] م- آداب و مستحبات دیگر در مکه معظّمه از این قرار است:

۱- زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.

۲- ختم نمودن قرآن.

۳- خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن، این دعا را بخواند:

«أللّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً، وَرِزْقاً واسِعاً، وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ».

و نیز بگوید:

«بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَالشُّکْرُ للّهِ».

۴- نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.

۵- در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن (۱)؛ در اول شب سه طواف، در

۱- آیهٔ اللّه مکارم: ولی در مواقعی که ازدحام جمعیت برای طواف واجب است، بهتر است طواف‌های مستحب را ترک کنند و مجال را به کسانی که طواف واجب دارند بدهند

آخر شب سه طواف، پس از دخول صبح دو طواف و بعدازظهر دو طواف.

۶- هنگام توقف در مکه، به عـدد ایام سال؛ یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نمایـد و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسور نشد هر مقداری که بتواند.

۷- به خانه کعبه داخل شود؛ (۱) خصوصاً کسی که سفر اول او است و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«أللَّهُمَّ إنَّکَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً فَآمِنِّی مِنْ عَذابِ النَّارِ».

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگذارد. در رکعت اول بعد از حمد، «حم، سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸- دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه، و بعد از نماز این دعا را بخواند:

«أللَّهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَ أوْ تَعَبَّأَ أوْ أعَدَّ أوِ اسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ إلی مَخْلُوقٍ رَجاءَ رِفْدِهِ وَجائِزَتِهِ وَنَوافِلِهِ وَفَواضِلِهِ فَإلَیْکَ یا سَیِّدِی تَهْیِئَتِی وَتَعْبِئَتِی وَإعْدادِی وَاسْتِعْدادِی رَجاءَ رِفْدِکَ وَنَوَافِلِکَ وَجائِزَتِکَ، فَلا تُخَیِّبِ الْیَوْمَ رَجائِی یا مَنْ لا یَخِیبُ عَلَیْهِ سائِلٌ وَلا یَنْقُصُهُ نائِلٌ فَانِّی لَمْ آتِکَ الْیَوْمَ بِعَمَلٍ صالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلا شَفاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلکِنِّی أتَیْتُکَ مُقِرّاً بِالظُّلْمِ وَالْإساءَةِ عَلی نَفْسِی فَانَّهُ لا حُجَّةَ لِی وَلا عُذْرَ فأسْأَلُکَ یا مَنْ هُوَ کَذلِکَ أنْ تُصَلِّی عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُعْطِیَنِی مَسْأَلَتِی وَتَقْلِبَنیبِرَغْبَتِی وَلا تَرُدَّنِی مَجْبُوهاً مَمْنُوعاً وَلا خائِباً یا عَظِیمُ یا عَظِیمُ یا عَظِیمُ أرْجُوکَ لِلْعَظِیمِ،

۱- آیـهٔ اللّه مکارم: اینگونه امور در حال حاضـر معمولًا امکان ندارد و هر گاه کسـی نیّت آن را داشـته باشد، خداوند به لطفش به او ثواب آن را می‌دهد

أسْأَ لُکَ یا عَظِیمُ أنْ تَغْفِرَ لِیَ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ لا إلهَ إلّاأَنْتَ».
و مستحب است هنگام خروج از کعبه، سه مرتبه
«اللَّهُ أکْبَرُ»
بگوید، پس بگوید:
«أللَّهُمَّ لا تَجْهَدْ بَلاءَنَا رَبَّنا وَلا تُشْمِتْ بِنا أعْداءَنا فَانَّکَ أنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ».
بعداً پایین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

ص: ۱۸۷

فصل دوم: عمره کودکان

عمره کودکان

[۵۱۵] م- بر ولیّ واجب نیست کودکی را که همراه خود به مکه آورده برای حج یا عمره محرم کند، ولی اگر او را محرم کرد باید وظایف و اعمال را مطابق آنچه در مناسک ذکر شده انجام دهد و گرنه در بعضی صور طفل در احرام باقی می‌ماند (۱) و تا تدارک نکند نمی‌تواند ازدواج نماید.(مناسک، س ۱۰۵)

[۵۱۶] م- انجام عمره برای کودک ممیز مستحب و صحیح است اگرچه ولیّ او اذن ندهد. (۲)(مناسک م ۷. جامع الفتاوی م ۲)

[۵۱۷] م- مستحب است ولیّ طفل غیر ممیز او را محرم کند (۳) به این صورت

۱- آیهٔ اللّٰه سیستانی: در عمره مفرده، در صورتی که اعمال را صحیح انجام ندهد بر احرام باقی می‌ماند، ولی در حج اگر به ارکان آن خلل وارد کند با گذشت وقت حج، احرام آن فاسد می‌شود. بلی اگر فقط طواف نساء را صحیح بجا نیاورد استمتاع از زن بر او حرام باقی می‌ماند تا طواف نسا را انجام دهد ولکن ازدواج او در این حال صحیح است

۲- آیهٔاللّٰه سیستانی: بعید نیست که در صحت آن اذن ولی معتبر باشد.آیات عظام گلپایگانی، صافی و مکارم: اذن ولی شرط صحت آن نیست ولکن در مواردی که عمره موجب تصرف در اموال طفل می‌شود برای تصرف، اذن ولی لازم است.آیهٔاللّٰه بهجت: بنابر احتیاط در صورتی که مستلزم تصرف در اموال او است، در صحت آن اذن ولی معتبر است

۳- آیهٔاللّٰه بهجت: احرام ولیّ از طفل غیر ممیز و مجنون صحیح است و متولی نیت احرام، ولیّ است و هر عملی را که طفل و غیر عاقل متمکن است با نیّت ولیّ انجام می‌دهد و آنچه را متمکن نیست ولیّ انجام می‌دهد

که لباس احرام به او بپوشاند و نیت کند که این طفل را محرم می‌کنم برای حج، یا این طفل را معتمر می‌کنم به عمره تمتع و اگر می‌شود تلبیه را به او تلقین کند و الّا خودش به عوض او بگوید.(مناسک م ۸)

[۵۱۸] م- بعید نیست که ولیّ در این امر کسی باشد که کفیل بچه و نگهدار او است اگر چه ولیّ شرعی نباشد.(مناسک م ۹) (۱)

[۵۱۹] م- بعد از آن که طفل محرم شد یا او را مُحرم کردند، باید ولیّ، او را از محرمات احرام بازدارد (۲) و اگر ممیّز نیست خود ولیّ او را از محرّمات حفظ کند.(مناسک م ۱۰)

[۵۲۰] م- بعد از این که طفل محرم شد اگر محرّمات احرام را بجا آورد یا ولیّ

۱- آیةاللَّه بهجت: ولیّ در این مقام همان ولیّ در مال است، مثل پدر و جدّ پدری و ولایت مادر در احرام طفل، خالی از وجه نیست.آیةاللَّه سیستانی: ولیّ طفل در این امر کسی است که حق حضانت و سرپرستی طفل را دارد چه پدر باشد و چه مادر و چه غیر آنها.آیةاللَّه فاضل: مقصود از ولیّ همان ولیّ شرعی است ولکن مادر، در این مورد ملحق به ولیّ شرعی است.آیةاللَّه مکارم: غیر ولی شرعی باید به اذن ولیّ شرعی انجام دهد.آیةاللَّه صافی و گلپایگانی: قدر متیقن از ولی در این امر نسبت به غیر ممیز ولیّ شرعی است مانند پدر و جدّ، اما غیر ولیّ شرعی مانند عمو و برادر محل اشکال است اگرچه کفیل و نگهدار بچه باشد، لکن مادر در این مورد ملحق به ولّی شرعی است. و اما در بچه ممیّز، در مواردی که اجازه ولیّ شرعی لازم است اجازه غیر ولیّ شرعی کفایت نمی‌کند

۲- آیات عظام بهجت، خوئی، سیستانی: این حکم در مورد احجاج صبی غیر ممیز است و همین گونه است حکم مذکور در دو مسأله بعدی.آیةاللَّه تبریزی: این حکم در مورد احجاج صبی است

او را از آنها بازنداشت کفاره بر ولیّ طفل است نه بر مال طفل، بنابر اقوی در صید و بنابر احتیاط واجب در غیر صید. (۱)(مناسک م ۱۱)

[۵۲۱] م- بر ولیّ طفل لازم است او را وادار کند تا تمام اعمال را بجا آورد و اگر نمی‌تواند ولیّ او به نیابت طفل بجا آورد. (۲)(مناسک م ۱۳)

۱- آیهٔالله بهجت: در کفاره غیر صید، در آنچه عمد و خطای آن کفاره دارد بر ولیّ کفاره لازم است، بلکه در آنچه عمد آن کفاره دارد و صبی عمداً مرتکب شود ثبوت کفاره بر ولیّ خالی از وجه نیست. آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، مکارم: در غیر صید، نه بر ولیّ طفل کفاره واجب است و نه در مال طفل

۲- آیهٔالله بهجت: در صورت تمکن، احوط آن است که در حال طواف هر دو طاهر باشند و نماز طواف را هر دو بخوانند و در تمام افعال، آنچه در غیر نیت می‌تواند انجام دهد، ولیّ متصدی نیت می‌شود. آیهٔالله تبریزی: در وقتی که می‌خواهد طفل را طواف دهد واجب است او را وضو دهد، اگرچه به صورت وضو باشد.آیهٔالله فاضل: احتیاطاً طفل را وضو دهد و خودش هم وضو بگیرد

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بندهای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
وب سـایت: www.ghaemiyeh.com ایمیـل: Info@ghaemiyeh.com فروشـگاه اینترنـتی: www.eslamshop.com
تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای

